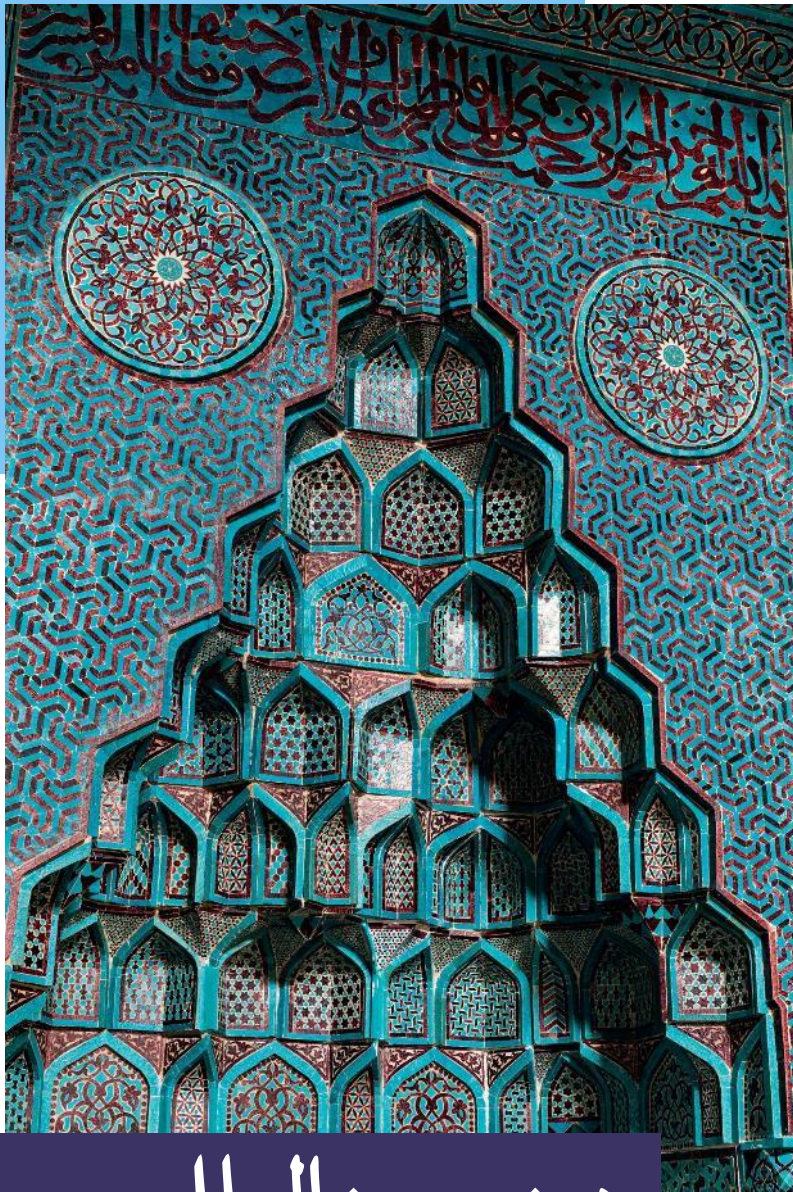




دین و بین الملل

رصد ماهانه | شماره پنجم
مهرماه ۱۴۰۰



دولت-ملت‌ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جداکنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفرط حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به‌عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود» جمعی «شان» بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت بازشناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت امت‌های دینی به‌دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین‌بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف‌نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین و بین الملل



شماره پنجم

مهر ۱۴۰۰



ماهنامه دین و بین الملل



تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه

با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سر دبیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار	۸
بخش اول: اخبار	۱۱
عراق	۱۲
پرونده خبری: انتخابات پارلمانی عراق	۱۲
بیانیه مهم دفتر آیت‌الله سیستانی درباره انتخابات عراق	۱۲
آیت‌الله سید کاظم حائری: رأی دادن به دشمنان حشد الشعبی در انتخابات عراق حرام است	۱۴
مقتدی صدر پس از پیروزی در انتخابات: سلاح باید تنها در دست نیروهای دولتی باشد	۱۷
موج اعتراض‌های در پی برگزاری نشست سازل با اسرائیل در اربیل	۱۹
شامات	۲۱
پرونده خبری: موافقت دادگاه اسرائیلی با عبادت یهودیان در مسجد الاقصی	۲۱
لغو حکم دادگاه اسرائیلی با ادامه محکومیت‌های گسترده مسلمانان	۲۴
فراخوان یورش به مسجد الاقصی توسط افراط‌گراهای صهیونیست	۲۷
پاپ فرانسیس خطاب به فلسطینیان: در کنار شما هستیم	۲۸

نگرانی شدید و ممانعت صهیونیست‌ها از سفر و پناهندگی سیاسی فرقه یهودی لو
طاهور به ایران ۳۰

خلیج فارس ۳۳

مرگ «موسی‌القرنی» عالم دین و فعال مدنی عربستانی در بازداشتگاه سعودی ۳۳
پیشنهاد رژیم صهیونیستی به امارات برای آموزش ائمه مساجد فلسطین ۳۶
بن بیه در حمایت از اکسپو ۲۰۲۰: نوآوری، آینده نظام مالی اسلامی است ۳۸
تخلیه دارالحديث حجوری، شیخ سلفی یمن ۴۰
عربستان سعودی... تقاضای ازدواج زنان بدون نیاز به اذن سرپرست ۴۲
علمای بحرینی سفر وزیر خارجه صهیونیستی به منامه را محکوم کردند ۴۳

حوزه ترکی ۴۶

پرونده خبری: توسعه پروژه‌های دینی فرامرزی در ترکیه ۴۶
فعالیت بین‌المللی سازمان دیانت افزایش می‌یابد ۴۶
نشست مشورتی سران امور مذهبی کشورهای بالکان در ترکیه ۴۷
شروع به کار اتحادیه بین‌المللی ناشران کتب اسلامی در استانبول ۴۸
برگزاری همایش بین‌المللی بررسی اختلافات درباره تقویم اسلامی ۵۰
افزایش فشارهای دولت یونان بر مسلمانان تراکیای غربی ۵۲

آفریقا ۵۶

جنجال ارث زنان در مصر و عقب‌نشینی دارالافتاء ۵۶
اجرای شدن طرح اذان واحد در مساجد مصر ۵۹

- شیخ الازهر ماه آینده به عراق سفر و در آغاز با آیت‌الله سیستانی دیدار می‌کند . ۶۱
- دیدار اسماعیل هنیه با عبدالمجید الزندانی ۶۳
- فرانسه عامل مصیبت الجزایر؛ واکنش جمعیه العماء الجزایر به اظهارات مکرون ۶۴
- هشت شهید و ده‌ها زخمی در حمله نظامیان به راهپیمایی اربعین در نیجریه ۶۸
- شیخ زکزاکی: صدای انقلاب اسلامی ایران در نیجریه هستیم..... ۷۰
- در حمله به منزل ما چند تن از فرزندانم نیز کشته شدند..... ۷۱
- پیام امام حسین (ع) پیروزی خون بر شمشیر است ۷۲
- باید در مسیر جهاد و راه‌ورسم اهل بیت (ع) باشیم ۷۳
- «ابومصعب البرناوی» رهبر داعش در نیجریه کشته شد ۷۳
- شبه قاره ۷۵**
- پرونده خبری: روزهای خونین مسلمانان شبه قاره ۷۵**
- واکنش‌های گسترده جهانی به کشتار شیعیان افغانستان ۷۵
- کشتار و کوچاندن مسلمانان ایالت آسام هند ۷۷
- دبیر اتحاد العلماء: کشتن و آواره کردن مسلمانان در هند تروریسم دولتی است ۷۸
- محمد الصغیر: تحریم کالاهای هندی کمترین واجب برعهده ماست ۷۹
- مفتی اعظم عمان: کل امت اسلامی در حمایت از مسلمانان هند متحد باشند ۸۰
- توصیه اتحاد العلماء به طالبان در تشکیل یک حکومت عادلانه ۸۲
- مولانا فضل الرحمان: پاکستان باید طالبان را به رسمیت بشناسد ۸۴
- مولوی عبدالحمید: حکومت طالبان را به رسمیت بشناسید..... ۸۶

- طالبان با تأخیر مرگ ابو عمر خراسانی رهبر سابق داعش خراسان را تأیید کرد ۸۹
- طالبان علمای داعشی را هدف قرار می‌دهد ۹۰
- «ما آنها را خواهیم کشت» ۹۱
- دستور تخلیه شهرک شعیه‌نشین در مزار شریف توسط طالبان ۹۲
- عبدالحکیم حقانی، قاضی‌القضات طالبان شد ۹۵
- دیدار پیشوای شیعیان بُهره داودی با عمران خان ۹۷
- غرب ۹۹**
- گردهمایی زیست‌محیطی رهبران ادیان جهان در واتیکان ۹۹
- موافقت آلمان با پخش صدای اذان در مساجد شهر کلن و جنجال‌ها بر سر آن ۱۰۱
- تعیین ماه اکتبر به‌عنوان ماه «تاریخ اسلام» در کانادا ۱۰۴
- سایر ادیان ۱۰۶**
- مخالفت کلیسای کاتولیک آمریکا با نظر واتیکان درباره لزوم واکسن زدن ... ۱۰۶
- «جدایی دین از سیاست»؛ توجیه پاپ برای دیدار با نانسی پلوسی ۱۰۸
- پاپ فرانسیس خواستار لغو هرگونه تحریم علیه کشورها شد ۱۱۰
- بخش دوم: تحلیل‌ها ۱۱۳**
- پشت صحنه اقدامات تازه برای برکناری شیخ الازهر ۱۱۴
- سودان پساکودتا؛ اسلام معتدل، اسلام دولتی ۱۱۸
- استعفا به مثابه تجدید قوا؛ از لیبی تا تونس ۱۲۰

- نشریه وابسته به داعش: شیعیان «از بغداد تا خراسان» در امان نخواهند بود..... ۱۲۳
- وضعیت مدارس دینی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان چگونه است؟ ۱۲۶
- روزگار نه‌چندان خوش شیخ الازهر در عصر تجدید دین ۱۲۸
- مفتی سلطان پای صحابه را به پروژه کنترل جمعیت سیسی کشاند! ۱۳۲
- بخش سوم: منشورات** ۱۳۷
- صلح‌سازی بر پایه مذهب در عراق: چشم‌اندازها و چالش‌های حوزه ۱۳۸
- صلح‌سازی مذهبی در بافت عراق ۱۴۰
- حوزه و دولت ۱۴۲
- صلح‌سازی مذهبی از نظر تا عمل ۱۴۳
- صلح‌سازی در عمل ۱۴۵
- نتیجه ۱۴۶
- آیا آیت‌الله سیستانی آخرین چهره برجسته خواهند بود؟ چالش جانشینی و آینده مرجعیت ۱۴۷
- خلاصه ۱۴۸
- مرجعیت دینی شیعه و مفهوم مرجعیت ۱۴۸
- پیشینه تاریخی توسعه مرجعیت فراملی ۱۴۹
- ظهور آیت‌الله سید علی سیستانی ۱۵۱
- مرجعیت پس از ۲۰۰۳ ۱۵۲
- آیت‌الله سیستانی و مسئله جانشینی ۱۵۴
- جانشینان احتمالی و چالش‌های موجود ۱۵۵

نتیجه	۱۵۶
گزارش نشست پیاده‌روی اربعین؛ از مناسک مذهبی تا مناسک هویتی (با نگاهی به مناسبات دو بیت شیعی ایران و عراق)	۱۵۸
مقدمه	۱۵۸
ادوارشناسی پیاده‌روی اربعین و دلالت‌های اجتماعی-سیاسی آن در هر دوره	۱۵۹
تهدید پیش رو: ایران به مثابه «دگر هویتی» شیعیان عراق	۱۶۶
راهبرد دوستونی مواجهه: اقتصاد سیاسی و احیای مستمر «دگرغیرشیعی-غیرایرانی» در ادراک انسان شیعی عراقی	۱۶۹
تجزیه و تحلیل تطبیقی سه سازمان مسلمان سنی درباره اسلام «معتدل» و «افراطی» در مصر، مراکش و اندونزی	۱۷۱
الازهر در مصر و مفهوم وسطیه	۱۷۲
الرابطۃ المحمدیۃ للعلماء و «اسلام مراکشی»	۱۷۴
نهضة العلماء و اسلام نوسانترا در اندونزی	۱۷۵
گفتمان و الهیات دیالکتیکی الازهر	۱۷۷
گفتمان رابطه المحمدیه و الهیات غایت‌شناختی	۱۷۸
گفتمان نهضة العلماء و الهیات جایگزین	۱۷۹
یک تحلیل مقایسه‌ای	۱۸۰
گزارش اجمالی از کنفرانس اسلامی آلمان	۱۸۴
مقدمه	۱۸۴
آغاز اختلافات	۱۸۶

- ۱۸۷ اظهارات و عملکرد ضد اسلامی هانس پیتر فردریش
- ۱۸۸ آشتی با کنفرانس اسلامی
- ۱۸۹ برگزاری کنفرانس اسلامی پس از وقفه چندساله
- ۱۹۲ نگاهی به کتاب «تصوف در مصر»

پیشگفتار

فارغ از مباحث پیچیده سیاسی و در یک فضای کاملاً ادیانی، گفتگو و تعامل و مفاهیم با سایر ادیان و از سویی آگاهی و اطلاع یافتن مدیران و متولیان دین و فرهنگ در داخل کشور جایگاه ویژه‌ای دارد.

در همین راستا، مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه با هدف آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی و انعکاس رویدادهای دینی، بیان دیدگاه‌های دینی جریان‌ها، اندیشمندان، صاحب‌نظران در جهان امروز، به مراجع عظام، علما و اندیشمندان دینی، اساتید، مبلغان، پژوهشگران و مدیران دینی و فرهنگی و مراکز دینی و فرهنگی اقدام به تدوین و انتشار ماهنامه «دین و بین‌الملل» نمود.

برخی از ویژگی‌های ماهنامه دین و بین‌الملل:

رصد آخرین رویدادهای دینی مناطق مختلف جهان و انعکاس آن بدون جانب‌داری،

پوشش آخرین اخبار دینی ویژه از منابع و پایگاه‌های سایر مراکز ادیانی و مذاهبی جهان با عنوان پرونده خبری،

بیان تحلیل و ملاحظات اخبار در پایان هر خبر،

ارائه مقالات و تحلیل‌های رویدادها و موضوعات دینی در عرصه بین‌الملل،

ارائه گزارش‌های خبری دینی در عرصه‌های جهانی،

معرفی آخرین پژوهش‌های علمی و دینی در عرصه دین و بین‌الملل،
دارا بودن سطح تحلیلی تخصصی؛

ماهنامه تحلیلی دین و بین‌الملل برای مخاطبان خاص (اعضا محترم شورای عالی حوزه، اعضا محترم جامعه مدرسین، معاونین و مدیران حوزه‌های علمیه، اساتید و نخبگان حوزوی، تشکله‌ها و مراکز و مؤسسات فعال در عرصه بین‌الملل، مبلغان و پژوهشگران دینی عرصه بین‌الملل، مدیران حوزوی در استان‌ها و...) غالباً به صورت دیجیتالی و در اتوماسیون اداری، پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌ها، کانال‌ها و فضای مجازی ارسال می‌شود.

ارائه تحلیل‌ها به صورت تیمی و خرد جمعی و درواقع چکیده میزهای کارشناسی مناطق مختلف جهان و نظرات مدیران و کارشناسان در مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه و اندیشکده راهبردی مرصاد است.

ماهنامه «دین و بین‌الملل» بعد از ۴ شماره انتشار به صورت دیجیتالی و با چاپ چندین نسخه محدود جایگاه خود را در میان اعضای محترم شورای عالی حوزه و ریاست محترم جامعه مدرسین حوزه و مدیر محترم حوزه‌های علمیه و سایر مخاطبان خود پیدا کرده است.

مدیر محترم حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله اعرافی در تاریخچه نامه در اتوماسیون درباره اهمیت و ضرورت انتشار ماهنامه دین و بین‌الملل مرقوم فرمودند: «بسمه تعالی، با سلام و تحیت به فضل الهی ماهنامه حاضر راه بالندگی را پیموده است و اکنون در شمایی ستودنی خود را نشان داده است، صمیمانه

سپاس گزار و به پیشرفت شکلی و مضمونی آن و گسترش دامنه اثربخشی آن امید بسته‌ام. دفتر - اعرافی»

ماهنامه «دین و بین‌الملل» در شماره ۵ نیز در سه بخش اخبار دینی، تحلیل‌های دینی و مقالات راهبردی توسط مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه با همکاری پژوهشگران و تحلیلگران اندیشکده وزین مرصاد تدوین و تنظیم شده است که لازم می‌دانم از زحمات و تلاش نویسندگان و محققان محترم این اندیشکده تقدیر و تشکر نمایم.

پذیرای پیشنهادهای و انتقادات شما عزیزان در راستای ارتقا سطح علمی و تحلیلی این ماهنامه هستیم.

سید مفید حسینی کوهساری

مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه



بخش اول: اخبار

عراق

پرونده خبری: انتخابات پارلمانی عراق



بیانیه مهم دفتر آیت الله سیستانی درباره انتخابات عراق

دفتر آیت الله العظمی سیستانی ۲۹ سپتامبر با صدور بیانیه‌ای از مردم عراق خواست تا در انتخابات آینده پارلمانی آگاهانه و مسئولانه شرکت کنند.

متن کامل این بیانیه از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

موعد انتخابات مجلس نمایندگان عراق نزدیک است و بسیاری از شهروندان درباره نظر مرجعیت عالی دینی درباره مشارکت در این انتخابات می‌پرسند و اینکه چه رویکردی را در این باره مصلحت می‌دانند؟

جمعی از شهروندان

بسم الله الرحمن الرحيم

مرجعیت اعلی همه را تشویق می‌کند تا آگاهانه و مسئولانه در انتخابات آینده شرکت کنند، هرچند این انتخابات بدون هیچ گونه کاستی نیست، اما امن‌ترین راه برای عبور کشور به آینده‌ای است که امید می‌رود بهتر از گذشته

باشد و از طریق آن از خطر افتادن در ورطه هرج و مرج و انسداد سیاسی جلوگیری شود.

رأی‌دهندگان محترم باید از تجربیات گذشته درس بگیرند و از ارزش آرای خود و نقش مهم آنها در شکل‌گیری آینده کشور آگاه باشند؛ بنابراین می‌توانند از این فرصت مهم برای ایجاد تغییر واقعی در مدیریت دولت و کوتاه کردن دستان فاسد و ناتوان از مفاصل اصلی آن بهره ببرند. این امری ممکن است در صورتی که آگاهان دست به دست هم داده و در رأی‌گیری به صورتی مؤثر شرکت کنند و بهترین انتخاب را انجام دهند، در غیر این صورت، شکست پارلمان‌های قبلی و دولت‌های ناشی از آنها تکرار خواهد شد و دیگر جای پشیمانی نیست.

مرجعیت اعلیٰ امروز بر آنچه پیش از انتخابات گذشته تصریح کرد، تأیید می‌کند و می‌گوید که از هیچ نامزد یا لیست انتخاباتی حمایت نمی‌کند و همه اینها به نظر رأی‌دهندگان و نظرات آنها بستگی دارد.

اما به رأی‌دهندگان تأکید می‌کند که عملکرد نامزدها را در حوزه‌های انتخابیه آنها زیر نظر بگیرند و از بین آنها فقط خوبان پاک را انتخاب کنند، کسی که مشتاق سیادت، امنیت و رفاه عراق است و برای سپردن ارزش‌های اصیل و منافع عالی عراق به او، قابل اطمینان است. مراقب باشید که افراد نالایق یا کسانی را که در فساد دخیل هستند یا طرف‌هایی که به ثبات مردم شریف عراق اعتقاد ندارند یا با اشغال کرسی‌های مجلس نمایندگان خارج از چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند، بر مسند امور نشانید؛ زیرا خطرات بسیاری را برای آینده کشور در پی خواهد داشت.

مرجعیت همچنین تأکید می‌کند که مسئولان انتخابات باید در یک فضای اطمینان‌بخش و به دور از تحریکات خارجی همچون پول یا سلاح غیرقانونی یا دخالت خارجی، عمل کنند و برای حفظ آرای منتخبان تلاش کنند، چرا که امانتی بر گردن آنها است.

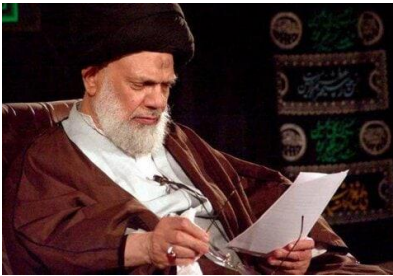
و الله وليّ التوفيق.

۲۱/صفر/۱۴۴۳ هـ - ۲۹/۹/۲۰۲۱ م

دفتر آیت‌الله سیستانی (دام‌ظله) - نجف اشرف^۱

آیت‌الله سید کاظم حائری: رأی دادن به دشمنان حشد الشعبی در انتخابات عراق حرام است

آیت‌الله سید کاظم حائری از علمای عراق با صدور بیانیه‌ای انتخاب



فراکسیون‌هایی که مخالف حشد الشعبی بوده و به انحلال یا ادغام آن دعوت می‌کنند را تحریم کردند.

متن بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

^۱ <https://www.sistani.org/arabic/statement/۲۶۵۳۶>

بعد از سرنگونی رژیم معدوم بعث، جان‌فشانی‌های بزرگی انجام گرفت و خون‌های پاک از جمله خون شهیدان صدر در راه برپایی عدالت اسلامی و کرامت انسانی و تحقق آرمان‌های اسلامی و انسانی ریخته شد، اما آنچه حاصل شد، ناامیدکننده و به دور از هدف بود و اشغالگران آمریکایی وارد عراق شده و بعد از آن تروریسم و تروریست‌ها آمدند و فساد گسترش یافت و خدمات حیاتی از میان رفت.

اکنون نیز کورسوی امیدی به انتخابات مانده تا از طریق آن افراد شایسته به قوه مقننه و مجریه برسند. ما هر بار بر مشارکت فعال و گسترده در انتخابات و ضرورت انتخاب افراد مؤمن، مخلص و کارآمد که در حفظ امانت و عمل به مسئولیت و خدمت به مردم شناخته شده‌اند، تأکید کردیم.

اما نتایج انتخابات گذشته به دلیل عدم رسیدن تعداد لازم از افراد شایسته به پارلمان مورد رضایت نبوده است، به همین دلیل باید انتخابات آزاد و شفاف بوده و پارلمان با آزادی و شفافیت تشکیل شود و نماینده حقیقی ملت باشد و اینکه وابسته به استکبار و دشمن عراق نباشد؛ متأسفانه این دو مشکل به صورت‌های مختلف در انتخابات گذشته به وجود آمد و از نتایج آن موانعی بود که در تشکیل دولت‌ها به وجود آمد و موجب کشمکش‌ها و مشکلات امنیتی و فروپاشی اقتصاد و دست‌یازی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها به امنیت و سرنوشت ملت عراق شد.

بر این اساس و به امید بهبودی اوضاع بر موارد زیر تأکید می‌کنیم:

۱- ضرورت مشارکت فعال و گسترده در انتخابات با رفتن به پای صندوق رأی و عدم کوتاهی در این خصوص.

۲- لزوم رساندن افراد مؤمن و شایسته و کارآمد که هدف آنها خدمت صادقانه به کشور و ملت و رعایت امانت است و در بین مردم به سیره و رفتار نیکو معروف بوده و از تأثیرات مستکبران به دور هستند.

۳- رأی دادن و حمایت از تمامی کسانی که به بقای نیروهای اشغالگر در سرزمین عراق دعوت می‌کنند و خواستار اخراج آنها نمی‌شوند، حرام است.

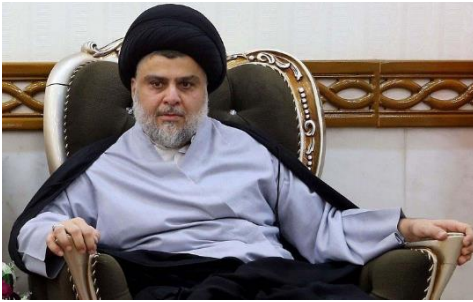
۴- انتخاب کسانی که دشمن نیروهای حشد الشعبی هستند یا کسانی که به دنبال ادغام حشد الشعبی با نیروهای امنیتی برای تضعیف و حذف آن هستند یا کسانی که برای کسب رضایت دشمنان و فاسدان برای مبارزه با ارزش‌های عراق و مجاهدان آن تلاش می‌کنند، حرام است.

از درگاه الهی مسئلت می‌جویم که این انتخابات به دولتی منتهی شود که مورد رضایت ملت عراق باشد و به نقش خود در ارائه خدمات و اصلاح امور عمل کند و حاکمیت و استقلال عراق را در برابر قدرت‌های استکبار جهانی حفظ کند و در برابر هرگونه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مقاومت کند. خداوند شهدای عراق به‌ویژه شهدای جهاد و مقاومت ابومهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی و سایر شهدای اسلام را مورد رحمت خود قرار دهد.

۲۴ صفر ۱۴۴۳ هجری قمری

کاظم الحسینی الحائری^۱

مقتدی صدر پس از پیروزی در انتخابات: سلاح باید تنها در دست نیروهای دولتی باشد



مقتدی صدر در سخنرانی خود که به مناسبت کسب بیشترین کرسی در انتخابات پارلمانی عراق از شبکه منہاج پخش می‌شد

گفت: «لازم است که از این پس سلاح تنها در دست نیروی‌های دولتی باشد حتی اگر ادعای مقاومت را داشته باشند».

وی به توصیه‌های مرجعیت عراق نیز اشاره کرد و افزود که دیگر جایی برای فساد در عراق وجود نخواهد داشت.

سید مقتدی صدر ضمن اعلام برخورد با فاسدان از هر جریانی که باشند گفت برای افزایش ارزش دینار عراق تلاش خواهد کرد.

در پی این انتخابات و طبق اعلام نتایج اولیه آن جریان صدر با کسب ۷۳ کرسی از مجموع ۳۲۹ کرسی پارلمان در بین احزاب و گروه‌های مختلف بیشترین کرسی را از آن خود کرد.

لازم به ذکر است بانک مرکزی عراق که متصدی تنظیم قیمت دینار در برابر ارزهای خارجی است در سال گذشته اقدام به افزایش قیمت دلار در برابر دینار کرد. ریاست آن را مصطفی غالب مخیف از جریان صدر بر عهده داشت.

همچنین با روی کار آمدن مصطفی کاظمی دو وزارتخانه برق و بهداشت به وزیرانی از جریان صدر رسید. بسیاری قطعی‌های گسترده در عراق در فصل تابستان را از ناکارآمدی وزیر برق می‌دانستند و وزیر بهداشت نیز به علت وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده از کار برکنار شد.

گفتنی است مقتدی صدر در حالی امروز از لزوم انحصار سلاح در دستان دولت سخن گفت که چندی پیش و پس از برگزاری نشست اربیل که در آن عده‌ای از مقامات عراقی خواهان عادی‌سازی روابط با اسرائیل شده بودند، وی در بیانیه‌ای اعلام کرد در صورت عدم برخورد دولت عراق با برگزارکنندگان آن نشست، شخصاً برخورد -خارج از قانون- خواهد کرد.^۱

^۱ <https://www.elnashra.com/news/show/۱۵۳۲۰۵۷>

موج اعتراض‌های درپی برگزاری نشست سازل با اسرائیل در اربیل



آیت‌الله سید کاظم حائری روز شنبه ۲۵ سپتامبر با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن برگزاری نشست مذکور در عراق از مردم آن کشور درخواست کرد که از راه‌های گوناگون برای بی‌نتیجه گذاشتن چنین اقداماتی مبارزه کنند.^۱ در همین راستا سید مقتدی صدر نیز ضمن درخواست از حکومت برای برخورد با عاملان برگزاری این نشست از طرفداران خود خواست در صورت عدم برخورد دولت با شخصیت‌های اصلی این نشست منتظر دستورات وی جهت برخورد خارج از قانون با ترویج‌دهندگان سازش با اسرائیل در عراق باشند.^۲

۱ <https://alahadnews.net/۲۳۷۹۱۳>

۲ <https://arabic.cnn.com/middle-east/article/۲۶/۰۹/۲۰۲۱/iraq-moqtada-alsadr-erbil-israel>

حجت الاسلام و المسلمین سید صدرالدین قبانچی، امام جمعه نجف اشرف نیز با بیان اینکه کنفرانس عادی سازی روابط با اسرائیل، چهره حقیقی کسانی که ادعای اصالت عربی داشتند را آشکار کرد، گفت: «ما نیز کنفرانس اربیل را محکوم کرده و خواهان مجازات شرکت کنندگان در آن هستیم»^۱

گروه های مقاومت و احزاب مختلف سیاسی در عراق نیز هر یک با محکوم کردن این اقدام از دولت مرکزی عراق خواهان برخورد با شرکت کنندگان و برگزار کنندگان این نشست شدند.

• **ملاحظه:** لازم به ذکر است تاکنون واکنشی از سوی مراجع نجف اشرف در محکومیت برگزاری این نشست در عراق صورت نگرفته است.

روز جمعه ۲۴ سپتامبر در اربیل مرکز اقلیم کردستان عراق نشستی با عنوان صلح و با حضور سران عشایر عراقی برگزار شد که در بیانیه پایانی آن آمده است شرکت کنندگان در این نشست ضمن محکوم کردن تلاش کشورهای خارجی برای بازسازی عراق از سازش با اسرائیل، از مسئولین عراقی درخواست می کنند جهت انضمام عراق به تفاهم نامه آبراهام و ایجاد ارتباط با مردم اسرائیل اقدام کنند. برگزاری این نشست هم زمان شد با حضور کاروان نداء الأقصى که شامل جمعی از عالمان اهل سنت از فلسطین اشغالی است.

^۱ <https://www.hawzahnews.com/news/981056>

شامات

پرونده خبری: موافقت دادگاه اسرائیلی با عبادت یهودیان در



مسجد الاقصی



در یک تصمیم بی‌سابقه، یک قاضی اسرائیلی «عبادت خاموش» یهودیان در مسجد الاقصی را «یک اقدام مجرمانه» ندانسته و با نیایش‌های بی‌صدای آنها در این مسجد مقدس موافقت کرد.

شبکه هفت رژیم صهیونیستی فاش کرد که یک قاضی دادگاه به اصطلاح صلح اسرائیل در بیت المقدس اشغالی، تصمیم گرفت که نیایش یهودیان در مسجد

کیسوانی خاطرنشان کرد: «مردم بیت المقدس، همان‌طور که همگی آنها را می‌شناسند، به مسجد الاقصی وفادار هستند و با هر چیزی که دارند در برابر حملات اشغالگری ایستادگی می‌کنند و تأکید کرد که مردم بیت المقدس، با وجود خطر واقعی، با وجود محاصره شهر قدیمی و جلوگیری از رسیدن جوانان به مسجد الاقصی، با تمام قدرت در کنار مسجد خود بایستند».^۱

همچنین شیخ محمد حسین، مفتی اعظم بیت المقدس و سرزمین‌های فلسطینی و واعظ مسجد الاقصی، از اعراب و مسلمانان درخواست کرد تا شهر بیت المقدس و مسجد الاقصی را از آنچه علیه آن نقشه کشیده و قبل از آنکه دیر شود، نجات دهند.^۲

حماس نیز تصمیم دادگاه اسرائیل مبنی بر اعطای حق یهودیان برای عبادت در مسجد الاقصی را «حمله موشکی به مسجد الاقصی و گامی در مسیر تقسیم زمانی و مکانی مسجد دانست که نقض آشکار همه قوانین و هنجارهای بشری است».

حازم قاسم، سخنگوی حماس، در بیانیه مطبوعاتی گفت که این تصمیم «مشارکت قوه قضائیه اسرائیل در تجاوز علیه مردم فلسطین و مشارکت آن در جعل حقایق و وقایع» را تأیید می‌کند.

۱ <https://www.almanar.com.lb/۸۷۹۴۱۱۷>

۲ <https://gate.ahram.org.eg/News/۲۹۸۸۲۰۰.aspx>

وزارت «امور خارجه و مهاجران» اردن نیز به نوبه خود تصمیم بی سابقه دادگاه اسرائیل را محکوم کرد و در بیانیه‌ای اعلام کرد که این تصمیم، تجاوز آشکار به مسجد الاقصی و اعلان جنگ واقعی علیه مردم فلسطین و ملت‌های عرب و اسلامی و جنگ مذهبی در منطقه خواهد بود.

گفتنی است پنجشنبه ۷ اکتبر ده‌ها شهرک‌نشین یهودی تحت حمایت شدید پلیس اشغالگر اسرائیل به حیاط مسجد الاقصی در شهر اشغالی قدس حمله کردند. شهرک‌نشینان از طریق دروازه غربی وارد حیاط مسجد شدند و اعمال تحریک‌آمیزی را به سمت دیوار شرقی انجام و «نیایش‌های ساکت فردی» به جا آوردند. ویدیوها و عکس‌های منتشر شده توسط رسانه‌های محلی فلسطین، نشان می‌داد که این افراد توسط نیروهای اشغالگر اسرائیل به شدت محافظت می‌شدند.^۱

لغو حکم دادگاه اسرائیلی با ادامه محکومیت‌های گسترده مسلمانان

بنا به گزارش رسانه‌های اسرائیلی دادگاه مرکزی رژیم صهیونیستی دیروز جمعه تصمیم قبلی دادگاه به اصطلاح «صلح اسرائیل» مبنی بر اجازه «عبادت خاموش» برای یهودیان در مسجد الاقصی را لغو کرد.^۲

عشرات - المستوطنین - یقتهمون - باحات / ۲۰۲۱/۷/۱۰ <https://www.aljazeera.net/news/۷/۱۰/۲۰۲۱/۷/۱۰>

۲ <https://www.alwatanvoice.com/arabic/news/۲۰۲۱/۱۰/۰۸/۱۴۳۶۸۱۹.html>

تصمیم دادگاهی اسرائیلی مبنی بر اعطای حق عبادت خاموش برای یهودیان در مسجد الاقصی با واکنش‌های گسترده فلسطینی، عربی و بین‌المللی و با فشارهای دینی، مردمی و سیاسی روبرو شد.

در ادامه واکنش‌های مقامات حقیقی و حقوقی دینی، الازهر تصمیم قوه قضائیه رژیم صهیونیستی را محکوم و آن را نقض آشکار و بی‌اعتنایی به کنوانسیون‌های بین‌المللی و موازین بشردوستانه دانست.^۱

شوقی علام مفتی اعظم مصر در واکنش به تصمیم دادگاه اسرائیلی گفت: تصمیم قوه قضائیه اسرائیل برای عبادت در حیاط مسجد الاقصی اوضاع منطقه را ملتهب و همه معاهدات و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند.^۲

علی ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه در واکنش به تصمیم اسرائیلی‌ها، آن را محکوم و بیت المقدس را برای مسلمانان دانسته و از جامعه بین‌المللی و جهان اسلام درخواست مقابله با این تصمیم اشتباه و خطرناک را داشت.^۳

عادل نصر، سخنگوی جماعت الدعوة السلفیه مصر، تصمیم دادگاه صهیونیستی مبنی بر اعطای حق عبادت به یهودیان در حیاط مسجد الاقصی را محکوم کرد و تصمیم دادگاه اسرائیل را جنایت فجیعی علیه فلسطینی‌ها و کل ملت اسلامی

۱ <https://www.almasryalyoum.com/news/details/۲۴۳۴۳۲۲>

۲ <https://gate.ahram.org.eg/News/۲۹۸۹۲۵۹.aspx>

۳ <https://tr.agency/news-۱۴۲۵۷۲>

دانسته و از مسلمانان و حاکمان برای جلوگیری از این تجاوز آشکار درخواست اقدام فوری کرده است.^۱

محمود هباش، رئیس دادگستری فلسطین و مشاور امور دینی رئیس حکومت خودگردان فلسطین، به تصمیم دادگاه رژیم صهیونیستی که حق محدود یهودیان برای عبادت در حیاط مسجد الاقصی را به رسمیت شناخته است، واکنش نشان داده و این تصمیم را جنایت جنگی جدیدی توصیف کرد.^۲

در همین راستا، جریان‌های مردمی نیز به میدان آمده و روز جمعه و در پی دعوت گروه‌های مقاومت فلسطینی و با وجود تدابیر شدید امنیتی حدود ۵۰ هزار نمازگزار و در حمایت از این مسجد و اعتراض به حکم دادگاه اسرائیلی، نماز جمعه را در مسجد الاقصی اقامه کردند.^۳

احزاب و حکومت‌های عربی و اسلامی نیز ساکت نبودند؛ جبهه العمل الاسلامی در بیانیه‌ای تلاش اسرائیلی‌های غاصب برای کار بر روی تقسیم زمانی و مکانی مسجد الاقصی را به‌طور قاطع رد کرد.^۴

دبیرکل سازمان همکاری‌های اسلامی، یوسف العثیمین، تصمیم دادگاه اسرائیل را حمله بی‌سابقه به حقوق مسلم مذهبی ملت اسلامی و میراث آن،

۱ <https://fath-news.com/ar/news/۴۲۵۸۴۵>

۲ <https://fath-news.com/ar/news/۴۲۵۸۴۵>

۳ <https://www.alwatanvoice.com/arabic/news/۲۰۲۱/۱۰/۰۸/۱۴۳۶۷۹۲.html>

۴ <https://www.almanar.com.lb/۸۷۹۸۰۹۹>

تحریک احساسات مسلمانان در سراسر جهان و نقض آزادی عبادت و قداست اماکن مقدس دانست.^۱

وزارت امور خارجه مصر^۲ و ترکیه^۳ نیز تصمیم قوه قضائیه اسرائیل مبنی بر اعطای حق عبادت به یهودیان در مسجد الاقصی را محکوم کرد.

در پی محکومیت‌های گسترده، شبکه عبری زبان «کان» گزارش داد که دیروز جمعه دادگاه مرکزی اسرائیل تصمیم قبلی دادگاه صلح مبنی بر اجازه «عبادت‌های خاموش» برای یهودیان در مسجد الاقصی را لغو کرده است. این شبکه توضیح داد که تصمیم دادگاه مرکزی پس از درخواست تجدیدنظر پلیس اسرائیل علیه حکم دادگاه صلح صادر شده است.^۴

فراخوان یورش به مسجد الاقصی توسط افراط‌گرایان صهیونیست

گروه‌های افراط‌گرای صهیونیست موسوم به الهیکل طی فراخوانی از شهرک‌نشینان صهیونیست خواستند که با یورش به صحن‌های مسجد الاقصی در آنجا به مناسبت آغاز فصل سرما عبادت کنند.

این گروه‌ها در صفحات خود در شبکه‌های اجتماعی از طرفدارانشان خواستند تحت عنوان «فصل زمستان را در جبل المعبد آغاز می‌کنیم» در همان

۱ <https://www.addustour.com/articles/۱۲۴۴۷۲۴>

۲ <https://ahlmnews.com/news/egypt-news/۱۲۴۸۵۱۶>

۳ <https://www.elbalad.news/۴۹۹۴۸۹۱>

۴ <https://www.alwatanvoice.com/arabic/news/۲۰۲۱/۱۰/۰۸/۱۴۳۶۸۱۹.html>

ساعات صبح که طبق روال معمول به طور غیرقانونی وارد مسجد الاقصی می شدند به صحن های آن یورش برند.

بر اساس این فراخوان قرار است بر خلاف حکم صادر شده از سوی دادگاه مرکزی رژیم صهیونیستی درباره مجاز نبودن نماز و عبادت یهودیان در صحن های مسجد الاقصی، شهرک نشینان در آنجا مشغول انجام آداب تلمودی خود شوند.^۱

پاپ فرانسیس خطاب به فلسطینیان: در کنار شما هستیم



محمود عباس، رئیس
تشکیلات خودگردان
فلسطین در گفت و گوی
تلفنی با رهبر
کاتولیک های جهان وی

را در جریان تازه ترین تحولات فلسطین، تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه قدس و به خصوص مسجد الاقصی قرار داد و پاپ نیز بر حمایت از فلسطینی ها تأکید کرد. در این گفت و گو محمود عباس بر ضرورت توقف اقدامات خصمانه شهرک نشینان صهیونیست و نظامیان اشغالگر صهیونیستی در شهر قدس و به خصوص یورش های افراط گراهای صهیونیست به مسجد الاقصی و احترام نگذاشتن آنها به وضعیت تاریخی حرم شریف قدسی تأکید کرد و درباره عملیات

^۱ <https://alqastal.org/?p=۸۸۳۷>

رژیم صهیونیستی در تخریب خانه‌های فلسطینیان در محله‌های شیخ جراح و سلوان قدس و بیرون کردن اهالی آنجا از خانه‌هایشان هشدار داد.

رئیس تشکیلات خودگردان همچنین بر ضرورت آنچه فرایند سیاسی برای پایان دادن به اشغالگری رژیم صهیونیستی در خاک کشور فلسطین به پایتختی قدس شرقی خواند، تأکید کرد.

عباس روابط دوستی و همکاری با پاپ و واتیکان به‌منظور تحکیم اصول ثبات و صلح در منطقه را ارج نهاد و تأکید کرد، طرف فلسطین به صلح مبتنی بر قطعنامه‌های بین‌المللی پایبند است.

رئیس تشکیلات خودگردان بر اهمیت حفظ امنیت و حاکمیت قانون و حفظ موجودیت مسیحیان در خاک فلسطین و تقویت تسامح و حفاظت از همگان تأکید کرد.

پاپ نیز در این گفت‌وگو تأکید کرد: ما همگی خواهان راه‌حل میان دو دولت هستیم و قدس شرقی پایتخت کشور فلسطین است و این راه درست است، زیرا راه رسیدن به صلح است.

رهبر کاتولیک‌های جهان از تداوم ارتباط خود با رئیس تشکیلات خودگردان ابراز رضایت کرد و گفت: ما همواره در کنار شما و نزدیک شما هستیم و همچنان هم حامی شما خواهیم بود و برای دستیابی به صلح تلاش می‌کنیم.^۱

۱ <https://www.wafa.ps/Pages/Details/۲۴۳۲۵>

نگرانی شدید و ممانعت صهیونیست‌ها از سفر و پناهندگی سیاسی فرقه یهودی لوطاهاور به ایران

اسرائیل تایمز مدعی شد در پی مهاجرت فرقه لوطاهاور از حریدی‌های گواتمالا به ایران، ممکن است ایران از آنها به عنوان برگ چانه‌زنی استفاده کند. به گزارش اسرائیل تایمز این گروه ضدصهیونیست در سال ۲۰۱۸ از ایران درخواست پناهندگی سیاسی کرده بودند. همچنین اسناد ارائه شده در دادگاه فدرال آمریکا نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۹ در سایه درخواست پناهندگی از ایران، نسبت به تبعیت از سیاست‌های ایران و رهبر -معظم انقلاب- اعلام وفاداری کرده‌اند.

پس از اعلام خبر احتمال مهاجرت صدها نفر از اعضای این گروه از کشور گواتمالا به عراق و سپس به ایران، لابی‌های صهیونیستی در اسرائیل و آمریکا در تلاش هستند از خروج آنها از گواتمالا به سمت عراق و یا خروج آنها از عراق به ایران (احتمالاً از طریق اقلیم کردستان) جلوگیری شود.

در این گزارش آمده است که بستگان اعضای این فرقه یهودی با وزارت خارجه و وزارت دادگستری آمریکا تماس گرفته و از آنها خواسته‌اند تا فوراً با هم‌تایان گواتمالایی خود تماس بگیرند تا از خروج خانواده‌های آنها از گواتمالا جلوگیری شود. نزدیکان اعضای آمریکایی این فرقه نیز درخواست‌های مشابهی از وزارت خارجه آمریکا داشته‌اند.

آنها با اشاره به معامله زندانیان در سال ۲۰۱۱ با حماس که در آن اسرائیل ۱۰۲۷ فلسطینی را در ازای یک سرباز که از سال ۲۰۰۶ اسیر بود، آزاد کرد، اظهار کردند: به نظر می‌رسد تاریخ تکرار خواهد شد.

در همین راستا تایمز اسرائیل در این باره نوشت نیروهای امنیتی گواتمالا پس از درخواست مقامات آمریکایی، تعدادی از اعضای فرقه را که دارای تابعیت آمریکایی هستند و ظاهراً در روزهای اخیر در حال عزیمت به ایران بودند را بازداشت کرده‌اند.

گفتنی است لو طاهور (به معنای پاک‌دل) گروهی از یهودیان ارتودکس خریدی می‌باشند که با سیاست‌های رژیم صهیونیستی مخالف هستند و از این‌رو ضمن مهاجرت از فلسطین اشغالی، در پی فشارهای لابی‌های صهیونیستی، دائماً در حال مهاجرت از کشوری به کشور دیگر هستند.

این گروه در دهه ۸۰ میلادی توسط یکی از خاخام‌های خریدی اورشلیم به نام شلومو هلبرانس تأسیس شد که بعدها و در سال ۲۰۱۴ به کانادا مهاجرت کردند و از آنجا نیز به علت فشار لابی‌های صهیونیستی مجبور به مهاجرت به گواتمالا شدند. زنان این فرقه دارای پوشش کامل و مردان آنها بیشتر وقت خود را صرف مطالعه کتاب‌های دینی می‌کنند.^۱

۱ <https://www.timesofisrael.com/as-haredi-cult-tries-to-go-to-iran-fears-it-could-be-used-as-bargaining-chip/>



تعدادی از اعضای فرقه یهودی لو طاهور توسط نیروهای امنیتی گواتمالا پس از درخواست مقامات آمریکایی، در حال عزیمت به عراق و از آنجا به ایران بازداشت شده‌اند.^۱

^۱ <https://twitter.com/TheBelaaz/status/۱۴۴۵۸۴۲۶۰۲۲۴۳۱۵۸۰۲۲?s=۲۰>

خلیج فارس

مرگ موسی‌القرنی، عالم دین و فعال مدنی عربستانی در بازداشتگاه
سعودی



حساب کاربری معتقلی الرأی روز سه‌شنبه ۱۲ اکتبر با انتشار توییتی نوشت، برای ما اطمینان حاصل شد که شیخ فعال در عرصه حقوق بشر عربستان، بزرگ اصلاح‌طلبان جده، متفکر عربستانی دکتر موسی‌القرنی، صبح روز سه‌شنبه ۱۲ اکتبر پس از وخیم شدن حال جسمانی، در داخل زندان جان داده است.^۱

- **ملاحظه:** القرنی، توسط دادگاه سعودی به ۲۰ سال زندان محکوم شده بود و او ۱۵ سال آن را پشت سر گذاشته بود. القرنی به اتهاماتی همچون

^۱ <https://twitter.com/mrtakl/status/۱۴۴۷۸۷۶۲۴۳۵۸۰۹۳۳۱۲?s=۲۰>

برنامه‌ریزی برای تشکیل یک حزب سیاسی، ارتباط‌گیری با دستگاه‌های خارجی و خروج بر ولی امر خود، محکوم شده بود. موسی‌القرنی از شیوخ سلفی معروف و برجسته عربستان و یکی از هزاران زندانی سیاسی دوره ملک عبدالله به شمار می‌آید. وی دکتری اصول فقه داشت و علاوه بر تدریس در دانشگاه اسلامی مدینه عضو هیئت اغاثه سعودی و رابطه العالم الاسلامی نیز بود. تا اینکه به دستور پادشاه سعودی بازنشسته شد.

پس از بازنشستگی نیز به وکالت و مشاوره و تدریس دینی مشغول بود. با وجود اینکه القرنی از مؤیدان برخورد وزارت کشور سعودی با اسلام‌گرایان تندرو و جهادی بود و پیش از آن و در دوره جهاد افغانستان علیه شوروی که سعودی جهادی‌ها را حمایت می‌کرد به پاکستان و افغانستان رفته بود و با اسامه بن لادن نیز در همین زمان ارتباط داشت، اما علیرغم تمام این سابقه هنگامی که نام وی به‌عنوان یکی از امضاکنندگان درخواست اصلاح ساختار حکومت مطرح شد، سفر وی به افغانستان و ارتباطش با بن لادن به جرمی تبدیل شد که در سن ۶۶ سالگی وی را محکوم به ۲۰ سال زندان و ۲۰ سال ممنوعیت از سفر نمود.

القرنی که با عبدالله الحامد؛ فعال برجسته حقوق بشری عربستانی نیز ارتباط داشت، در سال ۲۰۰۷ به همراه گروه موسوم به اصلاح‌طلبان جدّه یعنی سعود الهاشمی، عبدالرحمن الشمیری، محمد القحطانی و

عبدالکریم الخضر بازداشت شد و علیرغم سکنه مغزی در سال ۲۰۱۸ همچنان در بیمارستان بازداشت بود. اصلاح‌طلبان جده گروهی بودند که با هرگونه تغییر بر مبنای خشونت مخالف بودند و سعی داشتند از راه‌های مسالمت‌آمیز و سیاسی که خود آن را نصیحت حاکم می‌نامیدند امور را اصلاح کرده و تغییر دهند.

جمال خاشقجی در مورد قرنی در توییتی در سال ۲۰۱۷ گفته بود: «هنگامی که خبر دستگیری القرنی را شنیدم در آمریکا بودم و هنگامی که خبر محاکمه او را دریافت کردم در وطن بودم. هر دو بار خجالت کشیدم که نمی‌توانم حتی با کلامی از آنان دفاع کنم. احساس خوارکننده‌ای که تا زمانی که زنده هستم می‌خواهم از آن رهایی یابم!»

پیشنهاد رژیم صهیونیستی به امارات برای آموزش ائمه مساجد فلسطین



آیلت شاکد، وزیر امور داخلی رژیم صهیونیستی و رهبر شماره دو حزب راست، به رهبری نفتالی بنت، نخست وزیر اسرائیل، در دیدار با همتای اماراتی خود، سیف بن زاید آل نهیان، پیشنهاد آموزش عناوینی همچون گسترش اعتدال دینی، تسامح و مبارزه با خشونت به روحانیون و ائمه جماعت فلسطینی را مطرح کرد.

شاکد در نخستین سفر رسمی خود به امارات با سیف بن زاید آل نهیان، وزیر کشور امارات که معاون نخست وزیر این کشور نیز است، دیدار و درباره توافق لغو روادید ورود به امارات و اسرائیل که در اکتبر ۲۰۲۰ امضا شد و قرار است هفته آینده اجرایی شود، بحث و گفتگو کردند.

آنها همچنین چندین طرح برای افزایش و تقویت همکاری بین دو کشور از جمله پروژه‌های بین ادیبانی در راستای جوامع مذهبی دو کشور و ترویج گفتگوی بین ادیان را مورد بحث قرار دادند.

طی این سفر، وزیر امور داخلی رژیم صهیونیستی به همتای اماراتی خود پیشنهاد آموزش روحانیون و ائمه جماعت فلسطینی ساکن سرزمین‌های اشغالی در امارات در زمینه اعتدال دینی، تسامح و مبارزه با خشونت را داده است.

وزارت امور داخلی اسرائیل، وظیفه انتصاب ائمه جماعت مسلمانان در شهرها و روستاهای عربی واقع در سرزمین‌های اشغالی را بر عهده دارد و تاکنون قریب به ۳۰۰ امام و مؤذن را در ۲۷۰ مسجد استخدام کرده است.

شاکد در سفر به امارات، روابط ابوظبی-تل‌آویو را مهم و راهبردی توصیف و ضمن تأکید بر ضرورت ادامه این روابط از همتای اماراتی خود برای سفر به سرزمین‌های اشغالی و حضور در آیینی موسوم به نماز مشترک بین ادیان که نوامبر سال جاری برگزار می‌شود، دعوت کرد.

شاکد به مواضع سخت‌گیرانه‌اش برای شهرک‌سازی، مخالفت با تأسیس دولت فلسطین و هرگونه توافق با فلسطینی‌ها و مبادله اسرا مشهور است.^۱

۱/ اسرائیلیات/صحافة-إسرائيلیه/۲۰۲۱/۱۰/۰۴/شاکید-تقترح-تأهیل-<https://www.arab48.com>

أئمة-المساجد-فی-الإمارات

بن بیه در حمایت از اکسپو ۲۰۲۰: نوآوری، آیند نظام مالی اسلامی است



شیخ عبدالله بن بیه، رئیس شورای فتوای شرعی امارات از بلندپروازی و آرزوی همیشگی برای بهترین بودن که ویژگی ممتاز امارات متحده عربی و چشم‌انداز رهبری خردمند آن است و خود را در موفقیت سازمان‌دهی نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ نمایان ساخته، قدردانی کرد.

بن بیه در جریان مشارکت در کنفرانس «آینده سیستم مالی» که توسط بانک مرکزی امارات به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های اکسپو ۲۰۲۰ دب‌ برگزار شد، بر نقش پیشرو این کشور در طول همه‌گیری کرونا تأکید کرد.

بن بیه با اشاره به ادغام فناوری در بخش مالی طی دهه‌های گذشته بیان کرد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آینده نظام مالی، توسعه فناوری است. او به سرعت

شگفت‌انگیز معاملات دیجیتالی اشاره کرد که علاوه بر افزایش منابع مالی غیر متمرکز، در برخی از بخش‌ها تأمین مالی سنتی را به چالش کشیده است.

رئیس شورای فتوای شرعی امارات توضیح داد که نگاه سالم به آینده امور مالی اسلامی باید مبتنی بر آگاهی از اهمیت نوآوری و اجتهاد در احکام و تحولات جدید در واقعیت معاصر باشد و با اهداف مشروع هدایت شود.

بن بیه تأکید کرد که باید با همه مذاهب اسلامی به‌عنوان یک مجموعه واحد تعامل کرد و از این‌رو از ثروت فقهی بزرگی که این مذاهب برخوردارند، بهره‌مند شد و از نهادهای حقوقی مؤسسات مالی خواست که از مذاهب مختلف اسلامی برای اظهارنظر استفاده کنند.

در میان مشارکت گسترده بین‌المللی، کنفرانس «آینده سیستم مالی» در نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ روز چهارشنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۲۱ آغاز شد.

این کنفرانس تحت حمایت شیخ منصور بن زاید آل نهیان، معاون نخست وزیر و رئیس هیئت مدیره بانک مرکزی امارات برگزار شد.

این کنفرانس به‌عنوان بخشی از نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ دبی بر پنج موضوع اصلی «تأثیر تحول دیجیتال، همکاری بین بانک‌های مرکزی، به‌ویژه در رابطه با ارزش‌های دیجیتال و پرداخت‌ها، سیستم مالی سبز، امور مالی اسلامی و استراتژی سیستم‌های پرداخت ملی» متمرکز است.

رویداد جهانی EXPO ۲۰۲۰ که در امارات و برای نخستین بار در یک کشور عربی برگزار می‌شود، میزبان ۱۹۲ کشور و دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی، علمی و دورنمای توسعه آنها است.^۱

تخلیه دارالحديث حجوری، شیخ سلفی یمن

با پیشروی‌های انصارالله به سمت منطقه الجوبه در غرب استان مأرب نیروهای صنعا به توافقی با مقامات محلی این شهرستان برای تخلیه دارالحديث الجوبه دست یافته‌اند.^۲

- **ملاحظه:** دارالحديث الجوبه پس از تخلیه دارالحديث دماج در سال ۲۰۱۳ توسط انصار الله، به پایگاه تازه شیخ علی الحجوری تبدیل شده بود. پس از سال ۲۰۰۱ و مرگ شیخ مقبل بن هادی الوادعی، حجوری جانشین وی برای اداره دارالحديث دماج شده بود.
- حجوری مورد تأیید ربیع المدخلی شیخ مشهور سلفی سعودی نیست و بر همین اساس دیگر شاگردان بارز وادعی از جمله محمد الامام و شیخ خالد الوصابی نیز رابطه خوبی با حجوری ندارند. همین اختلافات منجر به تضعیف موقعیت وی و دارالحديث الجوبه در بین سلفیه یمن شده بود.

^۱ <https://al-ain.com/article/emirates-fatwas-innovation-future-islamic-finance>

^۲ <https://twitter.com/ArchGreat/status/۱۴۴۱۷۷۵۷۸۱۹۲۳۸۱۱۳۴۰?s=۰۹>

تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اخوان المسلمین یمن با همکاری سعودی‌ها برای تغییر ترکیب جمعیتی - مذهبی استان صعده از طریق تأسیس و حمایت از دارالحديث دماج به همراه اختلافات عقیدتی جدی زیدیه با وهابیت موجب حساسیت جدی انصارالله بر فعالیت دارالحديث‌های مروج تفکر سلفیه در شمال یمن شده است. به همین دلیل همواره یکی از اصلی‌ترین اقدامات انصارالله در مناطق تازه فتح‌شده تعطیلی مراکز آموزشی و تبلیغی سلفیه بوده است.



دارالحديث الجوبه که پس از سال ۲۰۱۵ در منطقه الجوبه (تحت کنترل قبیله مراد از قبایل سنی استان مأرب) ساخته شد.

عربستان سعودی... تقاضای ازدواج زنان بدون نیاز به اذن سرپرست



با وجود واکنش‌های متفاوت اقشار مختلف جامعه و علی‌رغم اقدامات قبلی اعلام شده توسط دادگستری عربستان، بار دیگر درخواست‌هایی مبنی بر اجازه ازدواج زنان در موارد سرسختی و مخالفت والدین مطرح شده است!

در این باره کمپینی در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ «#تزوِیج_المراة_نفسها» از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی و علی‌رغم اقدامات انجام شده توسط وزارت دادگستری عربستان، راه‌اندازی شده است!

این وزارت در دسامبر ۲۰۱۹ قوانینی در حمایت از حقوق زنان و اینکه زنانی که مورد آزار و اذیت هستند، می‌توانند به‌تنهایی و بدون رضایت سرپرست خود، اقدام به ازدواج کنند را تصویب کرده است!

مخالفین این کمپین، معتقدند که این موضوع خلاف شرع است و ممکن است راه را برای فساد باز کند، درحالی‌که موافقان می‌گویند اجبار دختران بر اساس آداب و رسوم، نقض صریح اساسی‌ترین حقوق زنان است.

بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی قوانین خود در مسئله ازدواج زنان را مطابق با مذهب حنفی وضع کرده‌اند. بدین صورت که مذهب حنفی به یک زن بالغ عاقل، اعم از باکره و غیر باکره اجازه می‌دهد که عقد ازدواج خود را به تنهایی و مستقل از سرپرست خود و با اجازه تعیین شخصی غیر از سرپرست خود در ازدواج، انجام دهد.^۱

علمای بحرینی سفروزر خارجه صهیونیستی به منامه را محکوم کردند



بیش از ۲۴۰ نفر از علمای بحرینی با صدور بیانیه‌ای سفر وزیر خارجه رژیم صهیونیستی به منامه برای افتتاح سفارتخانه این رژیم و عادی‌سازی رسمی روابط دو طرف را محکوم کردند.

السماح-للمرأة-، <https://arabic.sputniknews.com/arab%۲۰world/۲۰۲۱۰۹۲۰۱۰۵۰۳۸۷۱/>

/بتزویج-نفسها-مطالب-بتشریعات-حاسمة-لأنصاف-النساء-فی-السعودية

علمای بحرین ضمن ابراز مخالفت شدید با هرگونه عادی‌سازی با رژیم غاصب صهیونیستی، بر پابندی کامل علما و ملت بحرین به آرمان و قضیه قدس و فلسطین تأکید نمودند.

در بیانیه علمای بحرینی آمده است: ما بر موضع ثابت خود در دفاع از ملت فلسطین و پابندی به همه خاک مبارک فلسطین تأکید می‌کنیم که در طول سال‌ها با جهاد فرزندان آن، مقاومت و پایداری کرده و با خون شهدای آن آبیاری شده است و همچنان هم خون فرزندان این سرزمین در قدس و جنین به دست متجاوزان قاتل ریخته می‌شود.

علمای بحرین گفتند: ما میزبانی بحرین از وزیر خارجه دشمن صهیونیستی را محکوم و تقبیح می‌کنیم و بار دیگر بر مخالفت خود با همه اشکال عادی‌سازی با رژیم غاصب صهیونیستی از جمله افتتاح سفارت این رژیم در منامه و برقراری روابط تجاری با آن تأکید می‌کنیم.^۱

- **ملاحظه:** در اواسط سپتامبر ۲۰۲۰، امارات و بحرین در یک مراسم رسمی که به میزبانی کاخ سفید برگزار شد، توافقنامه عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس موسوم به «توافق‌های آبراهام» را امضا و رسماً با تل‌آویو روابط دیپلماتیک برقرار کردند.

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۰۱۶۷۲>

در همین راستا، پنجشنبه ۸ مهرماه، یائیر لاپید، وزیر خارجه اسرائیل، سفارت تل‌آویو در منامه را افتتاح و با حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین و دیگر مقامات بحرین دیدار کرد.

در اعتراض به سفر وزیر رژیم صهیونیستی، تظاهرکنندگان اوایل روز پنجشنبه در خارج از منامه، لاستیک سوزاندند و کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتشار هشتگ‌هایی از جمله #البحرین_ترفض_الصهاینة و #البحرین_ترفض_التطبیع مخالفت خود را با این مسئله اعلام کردند. گروه‌های مبارز فلسطینی حماس، جهاد اسلامی، کمیته‌های مقاومت، مقاومت مردمی، جبهه مبارزه مردمی، مجاهدین و گروه آزادگان با صدور بیانیه مشترکی سفر یائیر لاپید، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی به بحرین و افتتاح سفارت صهیونیستی در خاک این بحرین را خیانت به اسلام، قومیت عربی و مردم فلسطین و بحرین برشمردند.

حوزه ترکی

پرونده خبری: توسعه پروژه‌های دینی فرامرزی در ترکیه



فعالیت بین‌المللی سازمان دیانت افزایش می‌یابد



بر اساس آنچه در روزنامه رسمی ترکیه منتشر شده است، به سازمان دیانت اجازه داده شده است تا در ۱۷ نقطه جهان حضور یابد. ۱۱ مورد از این ۱۷ نهاد جدید با عنوان مشاوره دینی و ۶ مورد با عنوان رایزنی دینی ترکیه در کشورهای مقصد فعالیت خواهند کرد.

آمریکای جنوبی و شمالی و اروپای مرکزی و شرقی اصلی‌ترین نقاط جدید فعالیت سازمان دیانت خواهد بود.

سازمان دیانت هم‌اکنون با عنوان‌های اداری مختلف در قریب به ۹۰ نقطه دنیا حضور و فعالیت دارد.

نشست مشورتی سران امور مذهبی کشورهای بالکان در ترکیه



شهر ادرنه، در شمال غربی ترکیه، روز جمعه ۱ اکتبر میزبان هشتمین نشست مشورتی روسای امور مذهبی کشورهای بالکان بود.

جلسه مشورتی به ریاست رئیس سازمان دیانت ترکیه، علی ارباش، برگزار شد و وی در این نشست به اهمیت یادگیری دین اسلام و گسترش آن در اقصی نقاط جهان اشاره کرد.

وی در سخنرانی خود بر لزوم پایبندی به ریسمان خداوند و تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی در جهت شکوفایی اسلام در گوشه و کنار جهان، تأکید کرد.

در این جلسه علاوه بر احمد اونسال، رئیس امور مذهبی در جمهوری قبرس شمالی، سران امور مذهبی ۱۰ کشور بالکان نیز حضور داشتند.^۱

شروع به کار اتحادیه بین‌المللی ناشران کتب اسلامی در استانبول



فعالیت‌های همایش تأسیس اتحادیه بین‌المللی ناشران کتب اسلامی در استانبول، در مقر دانشگاه صباح‌الدین زعیم، با حضور ناشران، نویسندگان و دانشگاهیان ۳۳ کشور جهان به پایان رسید و پس از آن اتحادیه بین‌المللی ناشران کتب اسلامی، کار خود را آغاز کرد.

ترکیا/ترکیا-تحتضن-الاجتماع-التشاورى-لرؤساء-الشؤون-الدینیة- <https://www.aa.com.tr/ar/>

لدول-البلقان/۲۳۸۰۷۷۷

این همایش روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ و با حضور رؤسای انتشارات و چهره‌های دانشگاهی و کارشناسان رسانه‌ای فعال در زمینه کتب اسلامی از ۳۳ کشور جهان برگزار شد.

هدف اصلی این انجمن، ایجاد یک نهاد جدید به‌منظور گرد هم آوردن ناشران کتاب‌های اسلامی در جهان و افزایش همکاری میان آنها اعلام شده است. برگزارکنندگان این رویداد اظهار داشتند که مقدمات ایجاد این نهاد تقریباً یک سال پیش آغاز شد و بر این اساس توافق شد که نشریات مذهبی باید راحت‌تر به همه نقاط جهان ارسال و از تحقیقات علمی و ارتقای کیفیت نشریات اسلامی از نظر شکل و محتوا حمایت شود.

همچنین در جریان این رویداد، موضوع انتشار کتاب‌های اسلامی در سراسر جهان و موانع پیش روی آن و نقش ناشران کتاب‌های اسلامی سراسر جهان در مقابله با اسلام‌هراسی، مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. تصمیم بر آن شد که مقر اتحادیه بین‌المللی ناشران کتب اسلامی در شهر استانبول ترکیه تأسیس شود.^۱

^۱ <https://www.turkpress.co/node/۸۵۵۲۸>

برگزاری همایش بین‌المللی بررسی اختلافات درباره تقویم اسلامی



جمعی از دانشمندان، کارشناسان و علمای مسلمان روز یکشنبه، چهار مهر در استانبول برای یک همایش دوازده روزه با هدف پایان دادن به اختلافات بر سر تقویم اسلامی گرد هم آمدند.

این کنگره که به‌طور مشترک از سوی شورای عالی امور مذهبی ریاست امور دینی ترکیه (دیانت) و شورای فتوای و تحقیقات اروپایی سازماندهی شده است، در پی برگزاری همایش سال ۲۰۱۶ در ترکیه برای اطمینان از تقویم یکپارچه برای اوقات نماز و تعطیلات مذهبی برگزار شد. گردهمایی سال ۲۰۱۶ به صدور بیانیه‌ای برای یکپارچه کردن تقویم منجر شد اما در برخی از کشورها عملی نشد.

علی ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه در مراسم افتتاحیه این رویداد در هتلی در استانبول اظهار امیدواری کرد که این کنگره بین‌المللی درباره اوقات نمازها به نتیجه‌ای برسد که اختلاف‌نظرها را در زمان نماز به حداقل برساند. وی گفت که آنها از سال ۲۰۱۶ برای یکپارچه کردن تقویم اسلامی و وحدت در اوقات نماز تلاش کرده‌اند.

ارباش گفت: اختلافات بر سر اوقات نماز و روزه جدید نیست اما بسیار مهم است. مشاهده تفاوت‌های قابل توجه در اوقات نماز که واضح‌ترین جلوه دین و اساسی‌ترین شکل عبادت است، نگران‌کننده است. در اینجا، دانشمندان کشورهای اروپایی و اسلامی در مورد آن بحث کرده و به نتیجه خواهند رسید. علی قره داغی، دبیرکل اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان در مراسم افتتاحیه این کنگره گفت که این رویداد نتیجه چهار سال کار است و یک کمیته علمی این موضوع را پیگیری خواهد کرد.

وی افزود: ما در مورد موضوعی صحبت می‌کنیم که نشان می‌دهد دامنه اسلام چقدر گسترده است. مردم می‌بینند که مسلمانان در همه چیز با یکدیگر اختلاف سلیقه دارند؛ اما ما می‌دانیم که هرگونه اختلاف درواقع یک نعمت است. به‌عنوان مثال، من در سفری به یک شهر کوچک در سوئیس، با یک خانواده مسلمان با ۱۶ تقویم اسلامی متفاوت برخورد کردم. هر یک از اعضای خانواده از تقویم متفاوتی پیروی می‌کردند.

قره‌داغی گفت که این همایش به این موضوع هم از نظر نجومی و هم از نظر فقه اسلامی می‌پردازد. (ترجمه: ایکنا)^۱

افزایش فشارهای دولت یونان بر مسلمانان تراکیای غربی



یونان در ادامه افزایش فشارها بر مسلمانان تُرک در تراکیای غربی، مفتی شهر گومولجینه را متهم به «غصب منصب» کرده است.

ابراهیم شریف، مفتی منتخب شهر گومولجینه (کوموتینی) یونان با اشاره به اینکه مقامات این کشور از مکانیسم قانونی به‌عنوان ابزار فشار علیه اقلیت تُرک مسلمان در تراکیای غربی استفاده می‌کنند، اظهار داشت: من در مراسمی دعای مولود خواندم، عملی که در سنت ما وجود دارد. حضور و دعای من در این مراسم به‌عنوان «غصب منصب» تعبیر شده و علیه من تحقیقات قضایی آغاز شد.

^۱ <https://www.dailysabah.com/turkey/muslim-community-gathers-in-istanbul-for-calendar-unity/news>

شریف در مصاحبه با خبرگزاری آناتولی با اشاره به شکایتی که در سال ۲۰۱۷ با اتهام «غصب منصب» علیه او شده و همچنین فشارهای مذهبی فزاینده بر مسلمانان ترک در یونان گفت: در منطقه ما برخی مفتی‌هایی منصوب و برخی دیگر منتخب هستند. مفتی‌های منصوب توسط دولت یونان تعیین می‌شوند و مفتی‌های منتخب نیز از طرف مسلمانان ترک در تراکیای غربی برگزیده می‌شوند. وی با تأکید بر اینکه از روزی که به‌عنوان مفتی انتخاب شده، به دلایل مختلف مورد بازجویی قرار گرفته و پرونده علیه او تشکیل شده و با بیان اینکه با دستور دادستان به کلانتری احضار و به او هشدار داده شده که حق این اقدام را ندارد، گفت: دادگاه مربوط به این پرونده مرتباً از سال ۲۰۱۷ به تعویق افتاده است. آخرین جلسه نیز که قرار بود دیروز برگزار شود بار دیگر به دلیل عدم مراجعه شاهدان دادستانی به تعویق افتاد. کارشناسان حقوقی یونانی که با آنها مشورت کرده‌ام اظهار داشته‌اند که اقدام مورد بحث در چارچوب «غصب منصب» قرار نمی‌گیرد.^۱

• **ملاحظه:** مناقشه ترکیه و یونان درباره ساکنان تراکیه غربی، کشمکش قدیمی درباره یونانی و یا ترک بودن مسلمانان این منطقه است.

جهان/افزایش-فشارهای-دولت-یونان-بر-مسلمانان-تراکیای- <https://www.aa.com.tr/fa/>

ترکیه غربی یک منطقه جغرافیایی و تاریخی در یونان و بین رودخانه‌های نستوس و گزارش ماریتسا در شمال شرق این کشور واقع شده است و شامل استان‌های مقدونیه شرقی و تراکیه می‌شود.

مسئله مسلمانان تراکیه غربی در شرق یونان در صدر اختلافات بین ترکیه و یونان است. مقامات ترکیه اصرار دارند که ساکنان تراکیه غربی را به‌عنوان یک اقلیت قومی ترک در نظر بگیرند و خواستار اعطای حقوق کامل به آنها هستند و یونان آنها را به‌عنوان یک اقلیت مسلمان یونانی می‌شناسد و برای اینکه ساکنان تراکیه غربی خود را ترک‌تبار ندانند، هرگونه محدودیتی علیه آنها اعمال می‌کنند.

پس از جنگ جهانی اول و تبادلات جمعیتی که بین دو کشور صورت گرفت، اقلیتی ترک همچنان در تراکیه غربی زندگی می‌کنند که طبق معاهده لوزان ۱۹۲۳ به‌عنوان اقلیت شناخته شد و ترکیه می‌گوید در این منطقه ۱۵۰ هزار ترکیه‌ای ساکن هستند، درحالی‌که یونان اصرار دارد که آنها ۱۲۰ هزار مسلمان یونانی هستند.

آنکارا، آتن را به افزایش تخلفات خود علیه ترک‌های تراکیه متهم کرده و می‌گوید که بر اساس توافقنامه لوزان، این رفتارهای آتن در تضاد با نقض وضعیت قانونی ساکنان تراکیه غربی است که بین دو کشور بسیار مورد تردید قرار گرفته است.

ترکیه می‌گوید که همه حقوق ترک‌های مسیحی با اصالت یونانی را در این کشور فراهم می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد تا در انتخاب ۳

کشیش و انتخاب نام‌های یونانی و سایر حقوق خود آزاد باشند؛ اما یونان را به نقض حقوق ترک‌های تراکیه با جلوگیری از انتصاب مفتی و حذف نام‌های ترکی در آنجا متهم می‌کند تا از این طریق آنها را از فرهنگ سرزمین مادری خود کاملاً جدا کند.

در ماه‌های گذشته رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، یونان را به نقض توافق لوزان متهم کرد و گفت: مفتی کل در تراکیه غربی باید توسط مسئولان فتوا یا ائمه جماعت آنها تعیین شود، اما یونان این قضیه را نمی‌پذیرد.

آفریقا

جنجال ارث زنان در مصر و عقب‌نشینی دارالافتاء



موضوع مساوات زن و مرد در ارث و نگاه قانون و شریعت در این باره، بار دیگر در مصر جنجال‌آفرین شده است.

علی جمعه مفتی سابق مصر در واکنش به مخالفان ارث گذاشتن پدرها برای دختران در زمان حیات، این مخالفت را شرم‌آور توصیف کرد!

مفتی اعظم سابق مصر و عضو هیئت کبار العلماء الأزهر در مصاحبه‌ای تلویزیونی در فتوایی گفت اسلام به پدر اجازه می‌دهد در دوران حیاتش اموال و پول خود را به‌منظور حفظ حقوق دخترانش به آنها اختصاص دهد.

اظهارات علی جمعه، موجب اعتراض برخی از اشخاص همچون مبروک عطیه مبلغ و استاد دانشگاه الازهر در این باره شد.

عطیه در یک گفتگوی تلویزیونی در واکنش به سخنان علی جمعه که هر شخصی در مصرف پول خود، به‌ویژه در مسئله ارث مختار است، گفت: در این باره احکام شرعی (اشاره به ارث بردن محدود دختران) محدودیت‌ساز نیستند بلکه ضامن منافع مالک می‌باشند.

برخی دیگر از متخصصان سخن علی جمعه را تفسیر و در این باره گفتند «بین وصیت و هدیه تفاوت وجود دارد». اولی در صورتی که متن شرع در توزیع ارث پس از مرگ وراثت نقض شود، حرام است. در مورد دوم، هیچ اشکالی ندارد زیرا این هدیه‌ای از سوی فردی به افراد خاصی در طول زندگی او است.

موضوع به همین جا ختم نشد و دکتر احمد کریمه، متخصص فقه تطبیقی و شریعت اسلامی، با ورود در بحث، گفته‌های عطیه را رد کرده و نوشتن اموال برای دختران را صحیح دانسته و از همین جا از سازمان‌های مدنی مربوط به مسائل زنان استفسار نظرات علماء در بحث ارث را خواستار شد.

سرانجام، دارالافتاء مصری در صفحه رسمی خود در فیس‌بوک تأکید کرد که مساوات بین فرزندان (دختر و پسر) در بخشش اموال، شرعاً مستحب است.^۱

• **ملاحظه:** موضع‌گیری همدلانه دارالافتاء با ارث دادن مساوی به دختران در حالی است که پیش از این در سال ۲۰۱۸، اعلام قانون

۱- a/فتوی -توریث-البنات-خطوة-نحو-المساواة-فی-المیراث-بمصر/ <https://www.dw.com/ar/>

مربوط به برابری ارث بین زن و مرد در تونس، جنجال آفرین شد و دارالافتاء آن را مغایر با قوانین اسلامی شمرد.

در آن سال، سعدالدین الهلالی استاد فقه مقارن الازهر با دفاع تمام‌قد از تصمیم پارلمان تونس در تساوی حقوق زن و مرد در ارث در فتوایی عجیب اعلام کرد که تساوی سهم الارث زن و مرد شرعاً صحیح و با کلام الهی متعارض نیست.

سخنان سعدالدین الهلالی، به دلیل انتساب به الازهر مخالفت گسترده‌ای را در پی داشته و هیئت کبار علمای الازهر به همراه برخی شخصیت‌های دینی دیگر مصر به صراحت با نظر هلالی به مخالفت برخاستند.

در همین راستا شوقی علام مفتی مصر با بیان آنکه تساوی سهم الارث زن و مرد مخالف شریعت و اجماع علما است، خاطر نشان کرد: مسئله سهم الارث از موضوعات قابل اجتهاد نیست بلکه حدود و میزان سهم الارث را خداوند در قرآن به صورت قطعی، ثابت و آشکار بیان کرده است.

مفتی مصر در پایان تصریح کرد: دارالافتاء همواره با صدور فتواهای دقیق و برخاسته از متن اسلام، بر احقاق تمامی حقوق زن چه در عرصه اجتماعی و سیاسی و چه در امور خانواده تأکید داشته است اما در برابر تلاش برخی برای تغییر احکام ثابت اسلام ایستادگی می‌کند.

اجرای شدن طرّح اذان واحد در مساجد مصر



عمرو شکری، رئیس بخش مرکزی مدیریت راهبردی وزارت اوقاف مصر، تأیید کرد که ۴۲۶ مسجد جدید در سه‌ماهه اول سال جاری در پروژه اذان واحد گنجانده شده و مجموع مساجدی که شاهد عملیاتی شدن اذان یکپارچه در آنها هستیم به ۳۵۳۸ مسجد می‌رسد.

که به دستور شخص عبداللطیف آل‌الشیخ، وزیر امور اسلامی عربستان به همه مساجد در این کشور ابلاغ شده است.

شیخ‌الازهر ماه آینده به عراق سفر و در آغاز با آیت‌الله سیستانی دیدار می‌کند



منابعی از حوزه علمیه نجف خبر دادند که احمد الطیب، شیخ‌الازهر، اوایل ماه آینده میلادی همراه با یک هیئت عالی‌رتبه از علمای‌الازهر به عراق سفر می‌کند.

یک روحانی برجسته در حوزه علمیه نجف گفت که‌الازهر این سفر را تأیید کرده است و «ما اکنون برای آن آماده می‌شویم».

به گفته همان منبع، قرار است اولین ملاقات شیخ‌الازهر با مرجعیت اعلی، آیت‌الله سیستانی باشد: «احمد الطیب در بدو ورود با آیت‌الله سیستانی ملاقات می‌کند. همچنین برای بازدید شیخ‌الازهر از مهم‌ترین زیارتگاه‌های اسلامی در شهرهای کربلا و نجف برنامه‌ریزی شده است».

یک منبع نزدیک به آیت‌الله سیستانی گفت: «برنامه دقیق و مشخصی برای این سفر در نظر گرفته شده است که در آغاز احمد الطیب با سید سیستانی ملاقات می‌کند و سپس در حرم امام علی بن ابی طالب (ع) اقامه نماز می‌کند».

این منبع افزود: «این دیدار تاریخی است و مدت‌ها به تأخیر افتاده است. از زمان سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳، هر دولت جدید عراق از شیخ الازهر دعوت کرده بود، اما این موضوع در آن زمان به نتیجه نرسید».

لازم به ذکر است که در مارس ۲۰۲۱، سعد کمبش، رئیس اوقاف اهل سنت، از قاهره دیدن کرد و با شیخ الازهر دیدار و از طرف دولت عراق، شیخ الازهر را برای دیدار از این کشور دعوت کرد.

به گفته منابع، شیخ الازهر همچنین به شهر موصل و سپس شهر اربیل در منطقه کردستان نیز سفر کرده و با روحانیون آنجا دیدار خواهد کرد.^۱

مصادر-شیخ-الآزهر-یزور-العراق-الشهر-المقبل-ویسته‌لها-بلقاء-
<https://alforatnews.iq/news/> ۱

دیدار اسماعیل هنیه با عبدالمجید الزندانی



اسماعیل هنیه دبیرکل جنبش حماس با عبدالمجید الزندانی شیخ مشهور اخوان یمن و حمید الاحمر سیاست‌مدار و سرمایه‌دار مشهور اخوانی یمنی در استانبول دیدار کرد.

عبدالمجید الزندانی رهبر معنوی اخوان المسلمین و حزب اصلاح یمن تا سال گذشته در عربستان مستقر بود ولی سال گذشته ناگهان ریاض با انتقال وی به استانبول موافقت کرد. به نظر می‌رسد این اقدام ریاض در راستای نزدیک شدن به محور ترکی-قطری اخوان در پرونده‌های سیاسی منطقه‌ای صورت گرفته باشد.^۱

^۱ <https://twitter.com/alrahbia/status/۱۴۴۳۸۶۶۷۱۰۳۷۳۸۱۴۲۹۳>

فرانسه عامل مصیبت الجزایر... واکنش جمعیه العلماء الجزایر به اظهارات مکرون



عبدالرزاق قسوم رئیس جمعیه العلماء المسلمین الجزایر در واکنش به اظهارات مکرون در توجیه استعمار فرانسه، با انتشار مقاله‌ای در روزنامه البصائر متعلق به انجمن علمای مسلمان الجزایر (بزرگ‌ترین نهاد علمای مسلمان در کشور الجزایر)، این کشور را عامل مصیبت‌های الجزایر توصیف کرد.

قسوم در این مقاله تأکید می‌کند که عثمانی‌هایی که به الجزایر آمدند، نه به‌عنوان اشغالگران استعمارگر، بلکه به دعوت الجزایری‌ها برای مقابله با تجاوز صلیبیان اسپانیا به الجزایر آمدند.

وی افزوده است که عثمانی‌ها مردم این کشور را قتل عام نکردند و آن را ویران نساختند و ثروت‌های آن را غارت نکردند، بلکه منشأ خیر فراوان برای الجزایر نیز بودند.

علاوه بر این تصریح کرده است که عثمانی‌ها زبان خود را به ما تحمیل نکردند و امروز در ما کسی نیست که به زبان آن‌ها سخن بگوید و با دین و مذهب ما نیز دشمنی نداشتند، پیش از ورود آن‌ها به الجزایر مردم ما بر مذهب مالکی بودند و بعد از آن نیز بر همان مذهب باقی ماندند.

وی از سویی دیگر استعمار فرانسه را منشأ فاجعه و ریشه مصیبت و مشکلات الجزایر توصیف کرد و خواهان لغو توافقنامه‌های اقتصادی و تجاری با شرکت‌های فرانسوی شد.^۱

• **ملاحظه:** مقاله قوم درواقع پاسخی به اظهارات چندی پیش امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه است که روزنامه لوموند فرانسه آن را منتشر کرد. در این اظهارات مکرون ادعا می‌کرد الجزایر پیش از استعمار فرانسه نیز مستعمره بوده است و به حضور خلافت عثمانی در این کشور اشاره داشت. مکرون، مقامات الجزایر را به کینه نسبت به فرانسه متهم و وجود ملت الجزایر را پیش از استعمار فرانسه (۱۸۳۰-۱۹۶۲) انکار کرد.

ریاست جمهوری الجزایر در ۲ اکتبر با اعلام احضار سفیر الجزایر در پاریس، به این اظهارات که به گفته او «توهین‌آمیز» و «توهینی

فرنسا-سبب-شقائنا-جمعیة-إسلامیة-جزائریة-تفند-مزاعم- <https://www.trtarabi.com/now/>

مکرون-بحق-العثمانیین-۶۸۴۱۴۲۰

غیرقابل قبول» بود، واکنش نشان داد و بازگشت سفیر به پاریس را منوط به احترام کامل به الجزایر، نهادها و تاریخ این کشور دانست. الجزایر همچنین حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای نظامی فرانسه که در چارچوب عملیات بارخان در منطقه ساحل آفریقا فعالیت می کردند، بست.

انجمن پیمانکاران الجزایری (سازمان خصوصی ویژه کارفرمایان) با محکوم کردن اظهارات مکرون، در بیانیه‌ای خواستار بازنگری در روابط اقتصادی با دولت فرانسه شده و اعلام کرد که شرکت‌های داخلی واردات از ۵۰۰ شرکت فرانسوی را به دلیل اهانت «امانوئل مکرون» رئیس جمهور فرانسه به تاریخ الجزایر، تحریم کردند.

واکنش به اظهارات رئیس جمهور فرانسه، محدود به کشور الجزایر نشده و در این میان، چاوش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه، اظهارات «امانوئل مکرون» رئیس جمهور فرانسه درباره نقش حکومت عثمانی در تاریخ الجزایر را محکوم و گفت: «بسیار اشتباه است که ترکیه را که لکه ننگی مانند استعمار را در تاریخ خود ندارد، وارد چنین بحث‌هایی کرد».

الجزایر به مدت ۱۳۲ سال تحت استعمار فرانسه بود. این کشور بارها از پاریس خواهان عذرخواهی در قبال جنایت‌های ضد بشری در دوران استعمار شده است؛ خواهسته‌ای که هرگز محقق نشد.

مکرون با وجود آنکه پیش‌تر به ایجاد نظام شکنجه در دوران استعمار در الجزایر اعتراف داشته، تصریح کرده که هرگونه عذرخواهی از جنایات این کشور در الجزایر در دوره اشغال را منتفی می‌داند و هرگز از اشغال الجزایر به دست ارتش فرانسه در قرن بیستم عذرخواهی نخواهد کرد.

هشت شهید و ده هازخمی در حمله نظامیان به راهپیمایی اربعین در نیجریه



پلیس نیجریه روز سه‌شنبه ۲۸ سپتامبر اعلام کرد که راهپیمایی مذهبی سازماندهی شده توسط «جنبش اسلامی نیجریه» را متفرق کرده و ۵۷ تن از اعضای این گروه شیعی «غیرقانونی» را در این کشور دستگیر کرده است.

پلیس در حالی اعلام کرد که «پراکندگی راهپیمایی آسیبی به همراه نداشت» که «جنبش اسلامی» از کشته شدن هشت نفر از شیعیان توسط نیروهای امنیتی خبر داده است.

ویدیوها و تصاویری که در رسانه‌های اجتماعی و وبسایت‌های خبری نیجریه منتشر شده‌اند نشان می‌دهد که اجساد روی زمین افتاده‌اند و افرادی از ابرهای گاز اشک‌آور فرار می‌کنند.

حمله به شیعیان در حالی صورت گرفته که آنها در حال پیاده‌روی مسالمت‌آمیز به مناسبت اربعین در ابوجا، پایتخت نیجریه بودند.

الحركة الإسلامية فی نیجیریا یا جنبش اسلامی نیجریه، عنوان جنبش شیعیان نیجریه است که رهبری آن را شیخ ابراهیم زکزاکی بر عهده دارد. نیروهای ارتش نیجریه بارها به طرفداران این جنبش در زاریا و کانو حمله کرده‌اند که در پی این حملات شماری از شیعیان از جمله چهار فرزند شیخ زکزاکی کشته و برخی از مراکز متعلق به این جنبش مانند حسینیه بقیة‌الله تخریب شده است.^۱

۱ <https://www.reuters.com/world/africa/nigerian-security-forces-kill-eight-shiite-march-participant-says-۲۰۲۱-۰۹-۲۸>

شیخ زکزاکی: صدای انقلاب اسلامی ایران در نیجریه هستیم



رهبر جنبش اسلامی نیجریه با اعلام اینکه جنبش اسلامی نیجریه صدای انقلاب اسلامی ایران در نیجریه است، تأکید کرد که اگر مردم کشورش در تصمیم‌گیری آزاد بودند، نظام اسلامی را انتخاب می‌کردند.

شیخ ابراهیم زکزاکی رهبر جنبش اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی، جنبش اسلامی نیجریه را «صدای انقلاب اسلامی ایران در نیجریه» خواند و تأکید کرد که این جنبش شاهد رشد و شکوفایی است.

وی تصریح کرد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پی بردیم اندیشه‌های این انقلاب با اندیشه‌های ما دانشجویان در دانشگاه مشابهت دارد.

شیخ زکزاکی اوضاع اجتماعی در نیجریه را نشان از تداوم استعمار دانست و گفت، اگر مردم در تصمیم‌گیری آزاد باشند نظام اسلامی را انتخاب می‌کنند.

وی که با شبکه بین‌المللی پرستی‌وی گفتگو می‌کرد، در معرفی خود گفت: دانشجوی رشته اقتصاد بودم، در نشست‌های اسلامی حاضر می‌شدم و ترویج آموزه‌های اسلام را، تبلیغ می‌کردم.

رهبر جنبش اسلامی نیجریه ادامه داد: وقتی در دانشگاه بودیم فعالیت‌های اسلامی داشتیم، من نه سال در زندان بودم که هفت سال آن در دهه هشتاد قرن گذشته بود، در دانشگاه مناسبت‌های دینی برپا می‌کردیم و مقامات هم بر حاضران در این نشست‌ها سخت می‌گرفتند و آنان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند.

در حمله به منزل ما چند تن از فرزندانم نیز کشته شدند

شیخ زکراکی در بخش دیگری از این گفتگو گفت: مقامات نیجریه به منزل من یورش بردند و بسیاری از افراد حاضر در منزل و خارج از منزل را کشتند، چند تن از فرزندان من نیز کشته شدند، اما آنچه مرا غمگین‌تر می‌کند این‌که مقامات کورکورانه تیراندازی می‌کردند.

وی افزود: همسر من در آن حمله زخمی شد و هنوز هم گلوله از بدنش خارج نشده است، در بدن من هم گلوله است ضمن اینکه از کم‌بینایی رنج می‌برم. رئیس جنبش اسلامی نیجریه افزود: همچنان تحت نظارت مقامات زندگی می‌کنیم و اجازه نداریم درباره حملاتی که به ما شد صحبت کنیم.

وی ادامه داد: خواستار آن شدیم درباره کشتاری که به‌راه انداخته بودند تحقیق شود، چون مقامات بیش از هزار نفر را کشتند، خانه‌ها و مدارس را ویران کردند و حتی بیش از صد نفر از مجروحان را بازداشت کردند، اما تا امروز

مقامات کشور احکام دادگاه را هم اجرایی نکرده‌اند. دادگاه ژوئیه امسال در حکمی به ما حق داد تا خواستار غرامت شویم، اما تا امروز غرامتی به من پرداخت نشده است.

شیخ زکراکی اضافه کرد: به دلیل اینکه در بدن من و همسرم گلوله است خواستار آن شدیم برای معالجه به خارج از کشور سفر کنیم به همین منظور پس از آزادی از زندان، خواستار صدور گذرنامه شدیم.

پیام امام حسین (ع) پیروزی خون بر شمشیر است

شیخ ابراهیم زکراکی تأکید کرد: پیام روشن امام حسین (ع)، این است که خون بر شمشیر پیروز است، مراسم عاشورا و اربعین تا ظهور امام زمان (عج) ادامه خواهد داشت.

وی درباره حمله به عزاداران حسینی در نیجریه ابراز کرد: آنچه در ابوجا اتفاق افتاد حمله مقامات کشور به راهپیمایی‌های نمادین احیای اربعین امام حسین علیه‌السلام بود، در آن حمله ده‌ها نفر به شهادت رسیدند یا زخمی شدند، البته آمار شهدا و زخمی‌ها دقیق نیست ولی به‌زودی آمار دقیق را اعلام خواهیم کرد، البته برخی از کشته‌شدگان از افراد حاضر در راهپیمایی نبودند بلکه از عابران بودند.

باید در مسیر جهاد و راه‌ورسم اهل‌بیت (ع) باشیم

شیخ زکراکی خاطرنشان کرد: وظیفه داریم در مسیر جهاد و راه‌ورسم اهل‌بیت علیهم‌السلام باشیم. وی افزود: نلسون ماندلا که سال‌های زیادی از عمرش را در زندان به‌سر برد، گفت، به راه‌ورسم امام حسین (ع) می‌اندیشید.^۱

ابومصعب البرناوی، رهبر داعش در نیجریه کشته شد



منابع رسانه‌ای غربی از مرگ سرکرده تروریست‌های داعش در نیجریه خبر دادند.

^۱ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۵۸۱۳۱۵/۰۷/۰۷/۱۴۰۰>

خبرگزاری فرانسه در گزارشی به نقل از ارتش نیجریه از کشته شدن رهبر داعش در نیجریه خبر داد. طبق گزارش این رسانه غربی، «ابومصعب البرناوی» رهبر شاخه داعش در غرب آفریقا کشته شد.

ابومصعب البرناوی که نام اصلی او «حبيب يوسف» است، رهبر داعش در غرب آفریقا بود. طبق گزارش‌ها، وی تا پیش از پیوستن به گروه تروریستی داعش، سخنگوی گروه تروریستی «بوکوحرام» بود.

خبرگزاری فرانسه جزئیات بیشتری درباره نحوه کشته شدن رهبر شاخه داعش در غرب آفریقا منتشر نکرده است. داعش و بوکوحرام سابقه درگیری‌های شدید در نیجریه را دارند.

اواسط خردادماه سال جاری بود که خبرگزاری رویترز از کشته شدن «ابوبکر شیکاو» سرکرده بوکوحرام در نیجریه خبر داد.

گفته شده که شیکاو پس از منفجر کردن یک وسیله انفجاری در نبرد با شاخه داعش در غرب آفریقا، در جنگل‌های شمال شرق نیجریه کشته شد.^۱

^۱ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۰۰۷۲۲۰۰۰۵۶۸>

شبه‌قاره

پرونده خبری: روزهای خونین مسلمانان شبه‌قاره



واکنش‌های گسترده جهانی به کشتار شیعیان افغانستان



حمله انتحاری روز جمعه، ۱۶ مهرماه در مسجد «سیدآباد» شیعیان در شهر قندوز افغانستان که منجر به شهادت تعداد زیادی از شیعیان شد، واکنش‌های زیادی را در داخل و خارج این کشور برانگیخته است. بسیاری از علما، نهادهای دینی و سیاسی در پیام‌های جداگانه‌ای ضمن محکومیت این اقدام، خواهان مجازات عاملان آن شدند.

در این بین مراجع و علمای شیعه نظیر آیات عظام خامنه‌ای، صافی گلپایگانی، سیستانی، نوری همدانی، جوادی آملی، مکارم شیرازی، مظاهری، شبیری زنجانی، سبحانی، علوی گرگانی، فیاض، مدرسی، اعرافی و... در پیام‌هایی این اقدام هولناک را محکوم کرده و خواستار پاسخگویی حاکمان افغانستان در این باره شدند.

الازهر و مفتی اعظم مصر، اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان، موسسه حضرت آیت‌الله خویی انگلستان، انجمن علمای مسلمان لبنان، دبیرخانه کنگره مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، شورای علمای شیعه افغانستان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بیانیه‌های جداگانه‌ای، حمله وحشیانه به نمازگزاران شیعه در مسجدی در ولایت قندوز در افغانستان را محکوم کردند.

روسای جمهور فعلی و سابق جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، سخنگوی جبهه مقاومت ضد طالبان، حامد کرزی رئیس جمهوری پیشین افغانستان، عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه افغانستان، وزارت امور خارجه ایران، پاکستان، ترکیه، قطر، مصر، اردن، بحرین، امارات، کویت و مصر، انفجار مسجدی در قندوز افغانستان را به شدت محکوم کردند.

کشتار و کوچاندن مسلمانان ایالت آسام هند



پلیس هند با همکاری افرادی از حزب «هندوسی»، حزب حاکم هند به شهر «دیسپور» پایتخت ایالت آسام حمله کرده و با آتش زدن مساجد و خانه‌های این روستا سه مسلمان را به قتل رساندند. این اقدام به بهانه مخالفت این مسلمانان به ترک خانه‌های خود که ۵۰ سال پیش بر اساس قانون ساخته شده، رخ داده است. انتشار عکس‌ها و فیلم‌های ویدیویی از این واقعه در شبکه‌های اجتماعی، خشم کاربران و انتقاد گسترده آنها را به دنبال داشت و هشتگ‌های #الهند_تقتل_المسلمین «هند مسلمانان را می‌کشد» و #مقاطعة_المنتجات_الهندیة «تحریم کالاهای هندی» در شبکه‌های اجتماعی برخی از کشورهای عربی و اسلامی منتشر و خواستار برخورد با این مسئله شدند.

در همین میانه، شیخ محمد کلیم صدیقی، یکی از مشهورترین واعظان هند، هم‌زمان با موج آزار و اذیت علیه مسلمانان در هند، توسط نیروهای امنیتی آن کشور، دستگیر شد.

این حمله وحشیانه پلیس هند به مسلمانان آسام محکومیت‌های گسترده‌ای را در میان علمای مسلمان در پی داشت.^۱

دبیر اتحاد العلماء: کشتن و آواره کردن مسلمانان در هند تروریسم دولتی است

دبیر العالمی لعلماء المسلمین در بیانیه‌ای کشتار و آوارگی هزاران مسلمان در ایالت آسام هند را به‌شدت محکوم و آن را جنایت و تروریسم دولتی توصیف کرد.

شیخ علی قره داغی دبیرکل اتحادیه علمای مسلمان، خشونت سیستماتیک، کشتار، شکنجه و آوارگی‌های تحمیلی علیه مسلمانان هند، به‌ویژه ایالت آسام را محکوم و بر این نکته تأکید کرد که چنین اقداماتی مغایر با قوانین بین‌المللی، غرایز بشری و همه ادیان آسمانی است.

دبیر اتحادیه علمای مسلمان ضمن درخواست از سازمان ملل، کشورهای اسلامی و عربی برای پایان دادن به این جنایت جنگی علیه بشریت، از دولت هند خواست به همه حقوق و آزادی‌های دینی و اجتماعی اقلیت مسلمان احترام

^۱ <https://www.bbc.com/arabic/trending-58711435>

بگذارد، زیرا این جنایات با وظیفه دولت برای حفظ امنیت شهروندان و روابط تاریخی با جهان اسلام در تضاد است و تأکید کرد: جهان اسلام آنچه در آسام هند رخ داده است را نمی‌پذیرد و با اقدامات مختلفی از جمله تحریم اقتصادی به آن پاسخ خواهد داد.

وی همچنین خواستار همکاری سازنده و صادقانه همه جهان برای تحقق صلح شد و سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی را به انجام وظایف انسانی خود در برابر اقلیت مسلمان در هند فراخواند.^۱

محمد الصغير: تحریم کالاهای هندی کمترین واجب بر عهده ماست



فكرة المقاطعة هي أقل درجات تغيير المنكر، ووسيلة الشعوب المقهورة التي لا تملك إلى الاعتراض والامتناع، وهي أبسط مشاعر التضامن، حيث خذلتنا الحكومات في نصره رسول الله ﷺ، أو الدفاع عن قضايا المسلمين، ومن هنا كانت #مقاطعة_المنتجات_الهندية أقل الواجب، بعدما رأينا #الهند_تقتل_المسلمين .

محمد الصغير، عضو هیئت امنای اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان، در محکومیت اقدام دولت هند در کشتار مسلمانان در توئیتر خود نوشت:

ایده «تحریم» کمترین اقدام برای تغییر منکر است و وسیله‌ای برای مردم مظلومی است که قدرت اعتراض و اظهار خشم را ندارند. این ساده‌ترین کار

^۱ <https://iumsonline.org/ar/ContentDetails.aspx?ID=۲۱۱۲۸>

برای ابراز همبستگی است؛ زیرا دولت‌ها ما را در حمایت از رسول خدا، صلی الله علیه و آله یا دفاع از آرمان‌های مسلمانان تنها گذاشته‌اند. از این رو تحریم کالاهای هندی (مقاطعة المنتجات الهندية) کمترین واجب بر عهده ماست، پس از اینکه می‌بینیم هند مسلمانان را می‌کشد (الهند تقتل المسلمین).

مفتی اعظم عمان: کل امت اسلامی در حمایت از مسلمانان هند متحد باشند



شیخ احمد الخلیلی، مفتی اعظم عمان، در واکنش به حمله پلیس هند به مسلمانان آسام بیانیه‌ای صادر و گفت:

تجاوز آشکاری که در هند علیه شهروندان مسلمان به دست گروه‌های افراطی - با حمایت نهادهای رسمی - در حال رخ دادن است، تأمل هر انسان باوجدانی را برمی‌انگیزد؛ بنابراین، من - به نام بشریت - همه کشورهای

دوستدار صلح را سوگند می‌دهم که برای جلوگیری از این تجاوز مداخله کنند و از کل امت اسلامی می‌خواهم که در این مورد متحد باشند.^۱

مفتی سلطنة عمان - /۲۰۲۱/۹/۲۹ <https://mubasher.aljazeera.net/news/politics/> ۱

یدعو لموقف دولي تجاه

توصیه اتحاد العلماء به طالبان در تشکیل يك حكومت عادلانه



روز یکشنبه ۱۹ سپتامبر احمد ریسونی ریاست الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین به همراه علی قره داغی و محمد یافعی، با هیئتی از دفتر سیاسی امارت اسلامی افغانستان به ریاست عباس استانکزی، رئیس دفتر سیاسی طالبان در دوحه قطر دیدار کرد. علی قره داغی دبیرکل اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان، به دولت افغانستان که توسط طالبان تشکیل شده، توصیه کرد «یک حکومت عادلانه» ایجاد کنند.

قره داغی به دولت طالبان گفت: اولویت خود را در ایجاد یک حکومت عادلانه قرار دهید که به‌عنوان اسلام عدالت و اسلام رحمت‌الگو قرار گیرد. وی افزود: ما می‌توانیم یک کمیته اقتصادی تشکیل دهیم و تجربیات را جمع‌آوری و خلاصه آنها را در اختیار شما قرار دهیم... و برای اصلاح آموزش و پرورش و همچنین سازماندهی سمینارهای سیاسی کمک کنیم.

ریسونی نیز تأکید کرد که اتحادیه برای اجرای هرگونه پیشنهادی از سوی دولت طالبان در زمینه‌های آموزشی، سیاسی و اقتصادی با برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های مختلف، اعلام آمادگی می‌کند.

رئیس هیئت دولت طالبان، توضیح داد که «دلیل این دیدار تشکر رو در رو از اتحادیه به جهت پیام تبریک به نخست وزیر امارت اسلامی (محمد حسن آخوند) است».

استانکزی رئیس هیئت طالبان با اشاره به اینکه «افغانستان به مشاوره و راهنمایی علما نیاز دارد» از اتحادیه خواست تا این نقش را ایفا کند.

وی افزود: ۷۰ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ما با خصومت رسانه‌ای و محدودیت‌های اقتصادی روبرو هستیم.

این مقام افغان آرزوی دولت خود را برای «ایجاد یک سیستم اسلامی که با نظام بین‌المللی جهانی منافات ندارد» ابراز کرد.^۱

۱ <https://arabi۲۱.com/story/۱۳۸۶۰۴۰>

مولانا فضل الرحمان: پاکستان باید طالبان را به رسمیت بشناسد



رهبر حزب «جمعیه علماء الاسلام» از مخالفان اصلی دولت پاکستان خواستار اقدام فوری اسلام‌آباد برای به رسمیت شناختن دولت موقت طالبان به دلیل آنچه وی همکاری برای صلح و تشکیل یک نظام پایدار در افغانستان خواند، شد.

رسانه‌های پاکستانی روز دوشنبه این اظهارات را به نقل از مولانا «فضل الرحمان» عنوان کردند که رهبری جنبش دمکراتیک پاکستان ائتلافی متشکل از احزاب مخالف دولت را نیز برعهده دارد.

این رهبر حزب اسلام‌گرا طی گفت‌وگو با رسانه‌های محلی در شهر «لاهور» گفت: دولت پاکستان با ابراز همدردی با افغانستان و همبستگی با طالبان باید این گروه را به رسمیت بشناسد.

رهبر حزب جمعیت علمای اسلام به رسمیت شناختن دولت موقت طالبان را به مثابه به رسمیت شناختن افغانستان دانست و گفت: هرگونه همکاری و

کمک به طالبان در درجه اول مستلزم به رسمیت شناختن فوری دولت موقت آنان است.

وی مدعی شد که وقتی چین و روسیه علاقه‌مند به برقراری ارتباط با حاکمان جدید افغانستان هستند، اسلام‌آباد نیز باید روابط خود را با طالبان حفظ کند زیرا پاکستان از روابط تاریخی با مردم افغانستان برخوردار است.

این اظهارات در حالی عنوان می‌شود که دولت اسلام‌آباد شرط به رسمیت شناختن دولت موقت طالبان را تعهد این گروه به عمل به وعده‌های خود از جمله حقوق بشر و تأمین حقوق زنان، اعلام کرد.

سفیر پاکستان در آمریکا هفته گذشته اعلام کرد که اگر طالبان به وعده‌های خود عمل کند، اسلام‌آباد آن را به رسمیت خواهد شناخت.

پیش‌تر وزارت امور خارجه پاکستان در واکنش به تشکیل دولت موقت در افغانستان اعلام کرد که اسلام‌آباد همچنان تحولات در حال تغییر در این کشور را از نزدیک دنبال می‌کند و امیدوار است که تمامی اقدام‌ها بر پاسخگویی به نیازهای فوری مردم افغانستان متمرکز شود.

در عین حال، سخنگوی دولت پاکستان گفت که هنوز اعلام موضع و واکنشی به تشکیل دولت موقت توسط طالبان در افغانستان زود بوده و اسلام‌آباد در حال بررسی تمامی تحولات است.^۱

۱ <https://af.shafaqna.com/FA/۴۷۸۹۷۹>

مولوی عبدالحمید: حکومت طالبان را به رسمیت بشناسید



مولوی عبدالحمید ۲۳ مهرماه در مراسم نماز جمعه اهل سنت زاهدان، تحریم افغانستان از سوی برخی قدرت‌ها را «ظلم»، «بی‌انصافی» و «بر خلاف عرف جهانی و قوانین بین‌المللی» دانست و از جامعه جهانی به‌ویژه کشورهای اسلامی خواست حکومت جدید افغانستان را به رسمیت بشناسند و با این کشور روابط دیپلماتیک برقرار کنند.

مولوی عبدالحمید اظهار داشت: متأسفانه همان‌گونه که برخی از قدرت‌های جهانی با تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران این ملت را در تنگنا و مشکلات قرار دارند، اکنون این قدرت‌ها در کشور همسایه ما؛ افغانستان، شرایط بسیار بدتری را به وجود آورده‌اند.

وی افزود: افغانستان نزدیک به چهل میلیون نفر جمعیت دارد. مردم این کشور غیر توسعه‌یافته از امکانات و صنعت و تکنولوژی‌های روز بی‌بهره هستند

و با مشغولیت‌هایی همچون دامداری و کشاورزی در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند.

خطیب جمعه اهل سنت زاهدان اظهار داشت: نزدیک به دو ماه است که نظام قبلی در افغانستان سقوط کرده و نظام و حکومتی جدید در این کشور روی کار آمده است، اما قدرت‌های جهانی علاوه بر اینکه حکومت جدید را به رسمیت نمی‌شناسند، دارایی‌های افغانستان را نیز بلوکه کرده و ملت این کشور را هم تحریم کرده‌اند، درحالی‌که این تحریم متوجه مردمی فقیر و تهیدست است و ظلمی بزرگ محسوب می‌شود.

وی در ادامه گفت: اینجا بحث یک ملت است؛ نباید یک ملت مورد تحریم قرار بگیرد و دارایی‌ها و سرمایه‌هایش ضبط شوند. بار تحریم افغانستان از سوی قدرت‌های جهانی درواقع بر دوش کشاورزان و دامداران و مردم فقیر این کشور است. همین تحریم‌ها سبب افزایش مهاجرت مردم افغانستان می‌شوند که این امر علاوه بر افغانستان، برای کشورهای هم‌جوار و سایر کشورها نیز مشکلات و دغدغه‌هایی را به وجود می‌آورد.

مولوی عبدالحمید تأکید کرد: جامعه جهانی انتظاراتی از قبیل رعایت حقوق بشر، حق زنان و سایر انتظارات قانونی خود را از حکومت جدید افغانستان مطرح کند و به این حکومت نیز فرصت داده شود تا عملکرد خودش را نشان دهد، اما تحریم ملت‌ها نوعی زورگویی و بی‌انصافی و بر خلاف عرف جهانی و قوانین بین‌المللی است.

امام‌جمعه اهل سنت زاهدان در ادامه خواستار برقراری روابط دیپلماتیک جامعه جهانی با افغانستان شد و گفت: ما از جامعه جهانی و تمام کشورها به‌ویژه از کشورهای اسلامی می‌خواهیم که با افغانستان روابط دیپلماتیک برقرار کنند و حکومت جدید این کشور را به رسمیت بشناسند. کشورهای اسلامی نباید اسیر قدرت‌ها باشند و چین و روسیه هم نباید اسیر اروپا باشند، بلکه کشورهای اسلامی باید منافع جهان اسلام را مدنظر قرار دهند و اجازه ندهند ملت مسلمان افغانستان در گرسنگی و فقر و رنج و مشکلات زندگی کند.^۱

۱ <https://www.entekhab.ir/fa/news/۶۴۲۶۳۹>

طالبان با تأخیر مرگ ابوعمر خراسانی رهبر سابق داعش خراسان را تأیید کرد

پس از تصرف پایتخت افغانستان توسط طالبان در ۱۵ اوت، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد ابوعمر خراسانی به همراه صدها عضو دیگر داعش هنگام فرار از زندان بگرام، کشته شده‌اند. این گزارش‌ها در مورد روز دقیق کشته شدن خراسانی (۱۵ یا ۱۷ اوت) و چگونگی آن (از سوی طالبان یا پهلپادهای آمریکایی) هم‌داستان نبودند.^۱

ابو عمر خراسانی، در اصل مولوی ضیاء الحق نام داشت و اهل ولایت کنر در افغانستان بود. برادر وی، از ۲۰۰۱ در دولت قبلی افغانستان پست‌های مهمی برعهده داشت و برادر دیگرش قاضی داعش خراسان بود که توسط دولت افغانستان دستگیر شد.

خراسانی جانشین شیخ عبدالحسیب لوگری، دومین امیر داعش شده بود که در آوریل ۲۰۱۷ در حمله نیروهای ویژه آمریکا کشته شد. در دوران رهبری وی، داعش خراسان با شکاف‌های داخلی قابل توجهی مواجه شد و به همین خاطر پس از حدود یک سال و نیم، رهبری مرکزی داعش او را از مقام خود برکنار کرد، اما وی همچنان وابسته به داعش خراسان بود.^۲

^۱ <https://www.bbc.com/urdu/regional-58276102>

^۲ <https://www.samaa.tv/news/2021/09/taliban-confirm-they-killed-iskp-chief-khorasani>

طالبان علمای داعشی را هدف قرار می‌دهد



به گفته روزنامه وال استریت ژورنال^۱، افغانستان از زمان تسلط طالبان بر پایتخت کابل، شاهد یک سری کشتار شخصیت‌های دینی مرتبط با شاخه داعش در این کشور، موسوم به «داعش خراسان»، بوده است.

مقامات غربی و برخی ساکنان مناطق آسیب‌دیده افغانستان، معتقدند طالبان این قتل‌ها را انجام داده است، اما با وجود اعتراف یکی از افسران به انجام این عملیات، طالبان این امر را رد می‌کند.

این روزنامه آمریکایی خاطرنشان کرد که هم طالبان و هم گروه داعش خراسان می‌خواهند حکومت سخت‌گیرانه اسلامی را بر افغانستان اعمال کنند، درحالی‌که اختلافات مذهبی و سیاسی عمیقی با یکدیگر دارند و بارها در افغانستان با هم درگیر شده‌اند.

^۱ https://www.wsj.com/articles/killings-of-islamic-state-militants-highlight-power-struggle-with-afghanistans-taliban-11632650997?mod=hp_lead_pos7

داعش در هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از حملات را با هدف تضعیف قدرت طالبان انجام داده است. به‌عنوان نمونه، در ۲۶ اوت، بمب‌گذار انتحاری داعش خراسان دروازه فرودگاه کابل را در جریان تخلیه‌های گسترده انجام شده توسط وزارت دفاع آمریکا، هدف قرار داد. در نتیجه، حدود ۲۰۰ غیرنظامی افغان که قصد فرار از کشور را داشتند و ۱۳ سرباز آمریکایی کشته شدند.

داعش خراسان که پشت برخی از وحشیانه‌ترین حملات در افغانستان در سال‌های اخیر بوده است، به‌ویژه علیه اقلیت شیعه، مخالف ایده دولت-ملت یا صلح با کسانی است که آنها را کافر می‌شمرد.

«ما آنها را خواهیم کشت»

ابوعبیدالله متوکل و محمد النبی محمدی دو روحانی برجسته که گمان می‌رود به داعش نزدیک باشند، این ماه در کابل کشته شدند.

در حادثه دیگری در اوایل ماه جاری، ملا ابراهیم توسط سه مهاجم در روستای ولایت زابل مورد اصابت گلوله قرار گرفت. یکی از ساکنان منطقه در این باره گفت: «داعش در حال تجدید قوا است، به همین دلیل طالبان در تلاش برای کشتن آنها هستند».

این در حالی است که طالبان مسئولیت این قتل‌ها را رد کرده است. حمیدالله فترات، سخنگوی طالبان در زابل، گفت: «جنبش طالبان ملا ابراهیم را نکشته است و در حال بررسی این حادثه است».

از سوی دیگر داعش خراسان در مورد کشته شدن ملا ابراهیم اظهار نظری نکرده است.

صفی الله هارون، افسر اطلاعاتی طالبان در زابل در مصاحبه‌ای با وال استریت ژورنال گفت: «ما بین داعش و آمریکایی‌ها تفاوتی قائل نمی‌شویم». وی افزود: «هر جا که ظاهر شوند، آنها را از بین خواهیم برد». وی درباره مبارزان داعش خراسان گفت: «ما همه آنها را کشتیم» اما هرگونه دخالت در کشتن ملا ابراهیم را تکذیب کرد.^۱

دستور تخلیه شهرک شیعه‌نشین در مزار شریف توسط طالبان



ساکنان یک شهرک عمدتاً «شیعه و هزاره‌نشین» در حومه شهر مزار شریف در شمال افغانستان می‌گویند مقامات محلی طالبان به آنها «سه روز مهلت» داده است که این محل را تخلیه کنند.

۱ <https://www.alhurra.com/arabic-and-international/۲۶/۰۹/۲۰۲۱/> - صحیفه طالبان -

این شهرک به نام «ولیعصر» در ناحیه پنج، شهر مزارشریف قرار دارد و به گفته آنها، اکنون «حدود ۴۰۰۰ خانواده بیش از دو دهه» است که در این شهرک زندگی می‌کنند.

یکی از سخنگویان طالبان در کابل به بی‌بی‌سی گفت که از این موضوع «باخبر هستیم و تحقیق می‌کنیم».

یکی از بزرگان محلی که درخواست نامش فاش شود، به بی‌بی‌سی گفت که صبح شنبه، افرادی که مدعی مالکیت بر زمین‌های این منطقه هستند، همراه با نیروهای طالبان و بولدوزر آمدند و گفتند که بنا به حکم دادگاه طالبان باید منطقه را تخلیه کنید، حکم دادگاه را به آنها نشان ندادند و یک منطقه را نیز تخریب کردند.

او افزود که مقام‌های محلی طالبان به بزرگان محل گفتند که یک هفته مهلت برای رسیدگی به این موضوع در دادگاه دارند، اما پس از چند بار مراجعه به دادستان و قاضی طالبان دسترسی پیدا نکرده‌اند. به گفته او، آنها اسنادی در دست دارند که نشان می‌دهد در ۸۰ سال گذشته زمین زراعتی آنها بوده است.

به گفته یکی دیگر از ساکنان، محکمه محلی طالبان بدون توجه به اسناد حدود دو هزار خانواده در این محله و تنها بنا به شکایت افراد نزدیک به طالبان حکم صادر کرده و از نیروهای امنیتی خواسته‌اند که مردم را از خانه‌هایشان آواره کنند.^۱

^۱ <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۸۸۵۸۳۳۷>

ملاحظه: در ابتدای مهرماه سال جاری نیز، چندین روستای ولایت دایکندی از «مهلت سه‌روزه طالبان» برای ترک خانه‌هایشان گفتند.

بیش از ۸۰۰ خانواده در شهرستان‌های گیزاب و پاتوی ولایت دایکندی، از سوی مقامات محلی طالبان دستور کوچ اجباری دریافت کرده‌اند. ساکنان روستاهایی که به اجبار باید خانه‌هایشان را ترک کنند، از قوم هزاره و پیرو مذهب شیعه هستند.

محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، در پیوند با این رخداد در صفحه رسمی فیس‌بوک خود با انتشار عکس فرمانی منسوب به والی طالبان در ولایت دایکندی نوشته است که «آنها به حدود ۸۰۰ خانواده هزاره هشدار داده‌اند تا مناطقتان را ترک کنند و در غیر این صورت با برخورد نظامی مواجه خواهند شد».

محقق نوشت: «دایکندی در آستانه یک فاجعه است»، چون به گفته ایشان، «طالبان نیروهای ضربتی‌شان را وارد منطقه کندیرگ و دهن‌ناله کرده‌اند تا مردم هزاره را از مناطق حاصل‌خیزشان کوچ داده و زمین‌هایشان را به هواداران طالبان توزیع کنند».

عبدالحکیم حقانی، قاضی القضاات طالبان شد



دادگاه عالی طالبان بنا به حکم هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان عبدالحکیم حقانی را به‌عنوان «قاضی القضاات امارت اسلامی» معرفی کرده است. بر اساس آژانس خبری دولتی باخترا او به‌عنوان سرپرست این نهاد به کارش آغاز خواهد کرد.

همچنین بر اساس این حکم رهبر طالبان، محمدقاسم ترکمن به‌عنوان معاون اول و عبدالمالک به‌عنوان معاون دوم قاضی القضاات طالبان تعیین شده‌اند. عبدالحکیم حقانی در سال ۱۳۳۶ در ولسوالی میوند ولایت قندهار در جنوب افغانستان به دنیا آمده است. او از دوستان نزدیک ملامحمد عمر، رهبر پیشین و بنیان‌گذار این گروه بوده است و در پایه‌گذاری گروه طالبان نیز نقش مهمی داشته است.

عبدالحکیم حقانی، قبلاً رئیس گروه مذاکره‌کننده طالبان تعیین شده بود و در گذشته از نزدیکان ملا اختر محمدمنصور، رهبر پیشین طالبان نیز بوده است.

آقای منصور مدتی پس از آن که رهبری طالبان را برعهده گرفت در حمله هوایی نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۶ کشته شد.

او متعلق به قومیت پشتون از شاخه درانی اسحاقزی است. گفته شده است که پس از کشته شدن آقای منصور، او یکی از گزینه‌ها برای رهبری طالبان بوده است. از دید طالبان، او از جایگاه علمی خاصی برخوردار است.

در همین حال طالبان در یک اطلاعیه جداگانه به تمامی مقامات محلی خود دستور داده‌اند از صدور و اجرای احکام شرعی در ملأ عام بدون دستور دادگاه‌های دولتی طالبان خودداری کنند.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان در حساب توئیتر خود نوشته است که شورای وزیران طالبان تصمیم گرفته است که مجازاتی که نیازی به تشهیر مجرم ندارد از جمله از به دار آویختن مجرمان در محضر مردم اجتناب شود.

ماه گذشته، طالبان اجساد چهار مرد متهم به «آدم‌ربایی» را در میدان مرکزی هرات آویزان کردند.

رسانه‌ها پیش‌تر به نقل از مقامات محلی طالبان در هرات گزارش داده بودند که این افراد ابتدا در درگیری با طالبان کشته شده و بعد از سوی طالبان به دار آویخته شده بودند.

سخنگوی طالبان اظهارات در مورد منع محاکم صحرایی را در حالی بیان کرده است که قبلاً ملا نورالدین ترابی، رئیس زندان‌های طالبان به آسوشیتدپرس گفته بود که مجازات شرعی در ملا عام «برای امنیت» ضروری است.^۱

دیدار پیشوای شیعیان بَهره‌داودی با عمران خان



«مفضل سیف الدین» پیشوای فرقه شیعه بَهره‌داودی که برای برگزاری مراسم اربعین حسینی در کراچی، به پاکستان سفر کرده بود، با «عمران خان» نخست‌وزیر و برخی دیگر از مقامات این کشور دیدار و گفتگو کرد.

^۱ <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۵۸۹۲۶۵۵۲>

در این دیدار نیز همانند دیگر دیدارهای سیف الدین با مقامات کشورها، او به قدردانی از سیاست تساهل مذهبی نسبت به پیروانش پرداخت و برای دومین بار جامه و ردای مخصوص فرقه بُهره را بر عمران خان پوشاند.

عمران خان نیز نقش و مشارکت جماعت بهره در فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه را ستود.

قابل توجه آنکه سفرهای پیشوای فرقه شیعه بهره داودی (ساکن هندوستان) به کشورهای دیگر معمولاً به علت ۱. شرکت در مراسم مذهبی (مانند دهه اول محرم یا چهلم) ۲. افتتاح یک زیارتگاه، مسجد و مکان مذهبی متعلق به این فرقه (مانند سفر اخیر به لستر انگلستان برای افتتاح مسجد بهره‌ها) و یا ۳. زیارت بقاع متبرکه شیعی و زیارتگاه مختص این فرقه (عراق، مصر، اردن و یمن) است.^۱

- **ملاحظه:** مفضل سیف الدین در این سفر با شیخ رشید، وزیر کشور پاکستان، نیز دیدار کرد. شیخ رشید از سیف الدین دعوت کرد تا با محمدتقی عثمانی، مفتی اعظم پاکستان و چهره بارز دیوبندیه، دیدار کند تا این تصور از بین برود که جز قرآن و سنت قانون دیگری در میان مسلمانان وجود دارد.^۲

۱ <http://fa.abna.cc/۹Ngw>

۲ <https://jang.com.pk/news/۹۹۳۱۷۴>

غرب

گردهمایی زیست‌محیطی رهبران ادیان جهان در واتیکان



به دعوت پاپ فرانسیس، رهبران تمامی ادیان اصلی دنیا در واتیکان گرد هم آمدند تا با رایزنی با یکدیگر و تبادل آرا با دانشمندان برجسته جهان، بیانیه‌ای عملی درباره مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی صادر و رهبران سیاسی شرکت‌کننده در کنفرانس COP ۲۶ تسلیم کنند.

سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی از ایران در این گردهمایی شرکت و همانند دیگر مدعوین، بیانیه مشترک ادیان را امضا کرد.

احمد الطیب، شیخ الازهر، شخصیت برجسته اهل سنت نیز در این گردهمایی حضور داشت. پاپ فرانسیس و احمد الطیب، ملاقات ویژه‌ای نیز با یکدیگر داشته و هدایایی را ردوبدل کردند.

بیست و ششمین کنفرانس جهانی تغییر اقلیم، COP۲۶ در ماه نوامبر امسال در شهر گلاسکو اسکاتلند برگزار خواهد شد و پس از کنفرانس پاریس در سال ۲۰۱۶ که منجر به توافق اقلیمی جهانی شد، مهم‌ترین نشست رهبران سیاسی دنیا برای مواجهه با مشکلات اقلیمی خواهد بود.^۱

^۱ <https://gate.ahram.org.eg/News/۲۹۸۵۰۶۰.aspx>

مواقت مقامات با پخش صدای اذان در مساجد شهر کلن آلمان و جنجال هابر سران



بنا بر تصمیم مقام‌های شهر کلن آلمان، مساجد این شهر اجازه خواهند یافت روزهای جمعه اذان پخش کنند.

کاتیا رویتر، سخنگوی شهر، روز دوشنبه اعلام کرد که ۳۵ مسجد کلن می‌توانند هر جمعه حوالی ظهر، به مدت پنج دقیقه اذان پخش کنند.

هر مسجدی باید برای پخش اذان مجوز ویژه درخواست کند، از پیش به همسایگان اطلاع دهد و محدودیت‌های مربوط به بلندی صدا را رعایت کند.

در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک آلمان ناقوس کلیساهای مسیحی همه‌روزه به صدا درمی‌آیند.

شهر کلن بیشترین جمعیت مسلمان در آلمان را دارد و مسجد جامع کلن، بزرگ‌ترین مسجد این کشور، آنجا قرار دارد.

در جریان بحث و جدل‌ها پیرامون ساخت این مسجد بزرگ، دست‌اندرکاران آن به مردم اطمینان خاطر دادند فراخوان نماز یا اذان که در بسیاری از کشورهای مسلمان پنج بار در روز شنیده می‌شود، به طور منظم از مسجد کلن پخش نخواهد شد.

شهردار این شهر ضمن استقبال از این تصمیم گفت: «اگر ما علاوه بر صدای ناقوس کلیسا صدای اذان مسجد را هم بشنویم، نمایانگر آن است که تنوع (سلیقه‌ها و عقاید) در شهر کلن زنده است و به آن ارج گذاشته می‌شود.»
خانم هنرینه رِکر، شهردار کلن، هفته گذشته در توییتی نوشت: «اجازه پخش اذان نشانه احترام است.»

پیش از این، تنها تعداد کمی از مساجد آلمان از جمله مساجد شهرهای کوچک اوِر-ار-کنشویک و دویِرِن در غرب این کشور گاه به‌رغم اعتراض همسایگان مسیحی، مجوز پخش اذان داشتند.^۱

• **ملاحظه:** بر اساس توافق بین شهر کلن و جامعه مسلمانان محلی، مساجد شهر می‌توانند جمعه‌ها اذان پخش کنند.

در پی این تصمیم، جنبش‌های اسلام‌هراسی و حزب راست افراطی AfD به‌شدت از شهردار کلن، به دلیل تصمیم او انتقاد کردند و این اقدام را نشانه دیگری از «اسلامی شدن آلمان» دانستند.

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۱۸۳۹۰۱>

این مسئله همچنین در شبکه‌های اجتماعی آلمان جنجال‌برانگیز شده و موافقان این طرح می‌گویند که این مسئله موقعیت شهر کلن را به عنوان یک شهر لیبرال برای همه اقلیت‌ها تقویت می‌کند و پخش اذان در آلمان را چیز جدیدی ندانسته و در برخی شهرهای آلمان همچون گلزنکیرشن و دورن همه‌روزه و در سه نوبت اذان پخش می‌شود! در حالی که مخالفین معتقدند، اذان در اسلام را نمی‌توان با نواختن زنگ کلیساهای مسیحی مقایسه کرد. چرا که زنگ‌های کلیسا عاری از هرگونه متن یا دعوت است. همچنین در عصر ما که با پیشرفت فوق‌العاده‌ای در سطح ارتباطات فنی روبرو هستیم، نیازی به یادآوری زمان نماز به مسلمانان نیست و باید از هرگونه آلودگی صوتی جلوگیری کرد!

این مخالفت‌ها در حالی رخ می‌دهد که قانون اساسی آلمان، آزادی مذهبی را تضمین می‌کند، اما پخش اذان از مساجد به دلیل چارچوب‌های مختلف قانونی در برخی شهرها بحث‌برانگیز بوده است. آلمان با کشوری با بیش از ۸۰ میلیون نفر جمعیت، پس از فرانسه دارای دومین جمعیت مسلمان در اروپای غربی است. در بین نزدیک به ۴,۷ میلیون مسلمان این کشور، ۳ میلیون نفر ترک‌تبار هستند. این کشور در سال‌های اخیر و پس از تبلیغات گروه‌ها و احزاب راست افراطی شاهد افزایش و تشدید نژادپرستی و اسلام‌هراسی بوده است.

تعیین ماه اکتبر به عنوان ماه تاریخ اسلام، در کانادا



کانادا تصمیم گرفته است ماه اکتبر را به عنوان ماه تاریخ اسلام طبق مصوبه پارلمان در ۲۰۰۷ با توجه به افزایش جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان تصویب کند.

در بیانیه‌ای که توسط اداره میراث کانادا منتشر شده است، این ماه برای مردم تعیین شده است تا با تاریخ جامعه اسلامی در کانادا آشنا شوند و دستاوردهای متعدد مسلمانان کانادایی در هنر، ورزش علوم و ادبیات را مشاهده کنند.

این ماه همچنین به کانادایی‌ها اجازه می‌دهد تا با چالش‌ها و موانع مداوم پیش روی بیش از یک میلیون مسلمان کانادایی را که بر اساس آمار سال ۲۰۱۱ حدود ۳۶۲ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند، آشنا شوند.

در بیانیه اداره میراث کانادا آمده است: امسال برای جوامع مسلمان در سراسر کانادا سخت بود، زیرا ما شاهد نتایج وحشتناک نژادپرستی و نفرت بودیم.

این بیانیه می‌افزاید: ما باید با همدیگر با همه انواع تبعیض، اسلام‌هراسی و خشونت‌های ناشی از نفرت علیه جوامع مسلمان در سراسر کشور مبارزه کنیم و ماه اکتبر که به‌عنوان ماه تاریخ اسلام شناسایی شده است فرصتی مناسب برای ادامه کار برای ایجاد کانادایی دلسوز، فراگیر و ایمن برای همه است.

در ماه ژوئن، چهار نفر از یک خانواده از جمله یک دختر ۱۵ ساله هنگام قدم زدن در شهر لندن در ایالت انتاریو کشته شدند که به گفته پلیس این حادثه یک حمله برنامه‌ریزی شده و عمدی بوده که مسلمانان را هدف قرار داده بود. ماه بعد مسجدی در کمبریج در همان ایالت مورد تخریب قرار گرفت. در ژانویه ۲۰۱۷ هم شش مرد مسلمان در حمله به مسجد شهر کبک کشته شدند.

در همان سال کانادا لایحه‌ای را در محکومیت اسلام‌هراسی و سایر اشکال نژادپرستی سیستمی، تصویب کرد و اظهار داشت که دولت باید جو عمومی نفرت و ترس علیه مسلمانان را به رسمیت بشناسد و برای از بین بردن آن کاری انجام دهد. (ترجمه: شیعه نیوز)^۱

^۱ <https://english.alaraby.co.uk/news/canada-marks-islamic-history-month>

سایر ادیان

مخالفت کلیسای کاتولیک آمریکا با نظر واتیکان درباره لزوم واکسن زدن

سراسقف کلیسای کاتولیک آمریکا بر خلاف توصیه صریح پاپ فرانسیس رهبر واتیکان گفته است که نظامیان باورمند به این مذهب، اجباری به دریافت واکسن کووید-۱۹ ندارند.

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در ۲۴ اوت (۱۱ شهریورماه) به همه نزدیک به ۲ میلیون عضو ارتش ابلاغ کرد که باید واکسن دریافت کنند یا درخواست معافیت از اجرای این دستور را به دلایل پزشکی یا مذهبی بدهند.

اما تیموتی پی بروجلیو در بیانیه‌ای به نیروهای مسلح اعلام کرد که نظامیان کاتولیک مذهب، اجباری به دریافت واکسن ندارند. پاپ فرانسیس که در ژانویه واکسینه شد، در ماه اوت از همه پیروانش درخواست کرد که واکسن دریافت کنند.

بروجلیو از همه نیروهای نظامی که از واکسن زدن خودداری می‌کنند، خواست که با پوشاندن دهان و صورت، رعایت فاصله‌گیری اجتماعی و تست دادن، کاملاً از گسترش کووید ۱۹ جلوگیری کنند.

کارکنان نیروی هوایی آمریکا تا ۲ نوامبر (۱۱ آبان)، کارکنان نیروهای دریایی و تفنگداران دریایی تا ۲۸ نوامبر (۷ آذر) و کارکنان نیروی زمینی تا ۱۵

دسامبر (۲۴ آبان) برای اجرای این فرمان مهلت دارند و صدها هزار تن از کارکنان باقیمانده نیروهای مسلح تا ۱۰ اکتبر (۱۹ آذر) واکسن دریافت کرده‌اند. هرچند برخی از کارکنان ارتش ایالات متحده به دلیل باورهای مذهبی، درخواست مستثنا شدن از این دستور را داده‌اند، اما شماری نیز در اعتراض به آن از ارتش خارج شده‌اند.

بسیاری از باورمندان به شاخه کاتولیک مسیحیت، در پی تصور کاربرد سلول جنین سقط شده برای تولید واکسن ویروس کرونا، با دریافت آن مخالفت می‌کنند؛ اما هیچ گونه نشانه‌هایی مرتبط با سلول‌های جنین در هیچ یک از واحدهای واکسن‌های تولیدشده، باقی نمی‌ماند و کاربرد سلول‌ها برای ساخت و تولید داروها مانند واکسن‌ها، در رشته پزشکی، امری مرسوم و معمول است. سران مذهب کاتولیک، واکسن‌های فایزر و مدرنا را از این نظر، قابل قبول دانسته‌اند، زیرا از سلول‌های جنین تنها برای ساخت واکسن اولیه استفاده می‌کنند و نه تولید آن.^۱

۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۲۴۲۶۱۶>

جدایی دین از سیاست؛ توجیه پاپ برای دیدار با ناسی پلوسی

رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا، ناسی پلوسی در واتیکان به دیدار پاپ فرانسیس رهبر مسیحیان کاتولیک جهان رفت.

این ملاقات در حالی برگزار شد که دغدغه اصلی اسقف‌های آمریکایی، مسئله فشار روی آموزه‌های کلیسا در قضیه سقط جنین بود. این اسقف‌ها دولت دموکرات را طرفدار حق سقط جنین می‌دانند.

ناسی پلوسی اواخر ماه گذشته برای شرکت در گردهمایی رهبران قانون‌گذار کشورهای گروه ۲۰ و بررسی تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد در اسکاتلند، وارد رم شد.

او درباره این سفر گفت: این افتخار معنوی، شخصی و رسمی بود که در محضر حضرت پاپ فرانسیس حضور داشتم.

این ملاقات خصوصی در حالی صورت گرفت که ناسی پلوسی از موافقان حقوق سقط جنین بوده و در همین حین اسقف‌های آمریکایی در حال بررسی فشارهای دولت دموکرات بر آموزه‌های کلیسا در این زمینه بودند. این در حالی است که جو بایدن به‌عنوان دومین رئیس جمهور کاتولیک آمریکا به شمار می‌آید.

پاپ فرانسیس به اسقف‌های آمریکا درباره اقدام‌های نسنجیده هشدار داده است. او پیش از این هم اعلام کرده بود که نمی‌خواهد مراسم عشای ربانی به یک سلاح سیاسی تبدیل شود.

در نشست ملی اسقفان در ماه ژوئن، این اتفاق مورد واکنش عده‌ای از آنها قرار گرفت. اسقف اعظم سالواتوره کوردی لئون از سائفرانسیسکو از چهره‌های برجسته‌ی این اعتراض بود. او پس از آنکه در ۲۹ سپتامبر، لایحه‌ی جنجالی حمایت از حق سقط جنین در تگزاس تصویب شد، از مردم خواست برای تغییر خواسته‌های قلبی پلوسی و دیگر نماینده‌ها دعا کنند.

سخنگوی مجلس نمایندگان در بیانیه خود از دغدغه‌های پاپ فرانسیس در مورد مسئله بحران شرایط آب و هوایی تمجید کرد.

فرانسیس اوایل امسال قصد خود را برای شرکت در کنفرانس آینده COP۲۶ اعلام کرده بود، اما واتیکان چند روز قبل بدون توضیح اعلام کرد که پاپ ۸۴ ساله، در حال بهبودی از جراحی روده است و در این مراسم شرکت نخواهد کرد. جالب است بدانید، این دیدارها در حالی صورت گرفت که رئیس جمهور جو بایدن قصد خود را برای معرفی جوزف دانلی، قانونگذار سابق و دموکرات ضد سقط جنین به عنوان سفیر واتیکان اعلام کرد.

خبرگزاری‌ها از احتمال دیدار جو بایدن و پاپ در ۲۹ اکتبر خبر می‌دهند. (ترجمه ردنا)^۱

^۱ <https://religionnews.com/۰۹/۱۰/۲۰۲۱/pope-francis-meets-with-u-s-house-speaker-nancy-pelosi-at-the-vatican>

پاپ فرانسیس خواستار لغو هرگونه تحریم علیه کشورها شد



پاپ فرانسیس در نشست جهانی جنبش‌های مردمی خواستار پایان محاصره و تحریم‌ها علیه هر کشوری شد.

پاپ فرانسیس یکشنبه ۱۷ اکتبر خواستار توقف تجاوزها، محاصره و تحریم‌های کشورهای قدرتمند علیه هر ملتی در هر نقطه از کره زمین شد. در یک پیام ضبط‌شده ویدیویی به شرکت‌کنندگان در دومین نشست چهارمین نشست جهانی جنبش‌های مردمی، پاپ به استعمار نو نه گفت و افزود که منازعات باید در نهادهای چندجانبه مانند سازمان ملل حل و فصل شود. او گفت که تغییر شخصی ضروری است، اما همچنین ضروری است که مدل‌های اقتصادی و اجتماعی خود را طوری تنظیم کنیم که چهره انسانی داشته باشند، زیرا بسیاری از مدل‌ها این وجهه انسانی را از دست داده‌اند.

در همین راستا، پاپ گفت که با فکر کردن در مورد این شرایط، او فهرستی از درخواست‌های خطاب به بخش‌های مختلف را به نام خدا ارائه کرد. وی از آزمایشگاه‌های بزرگ خواست تا حق ثبت اختراع را منتشر کنند و به هر کشور، به هر قوم، به هر انسانی اجازه دسترسی به واکسن‌ها را بدهند. وی از گروه‌های مالی و سازمان‌های اعتباری بین‌المللی خواست تا بدهی‌های ملت‌های فقیر را ببخشند.

پاپ فرانسیس همچنین خواسته‌های دیگری را با حس عمیق انسانی و در دفاع از محیط زیست، با شرکت‌های بزرگ تولیدی و مواد غذایی، از تولیدکنندگان سلاح، غول‌های فناوری و مخابرات و رسانه‌ها مطرح کرد.

بالاترین مقام کلیسای کاتولیک گفت سیستم کنونی حاکم بر جهان با منطق سودجویی بی‌امان خود از هرگونه نظارت انسانی شانه خالی می‌کند. وقت آن رسیده است که این لوکوموتیو را نگه داریم، یک لوکوموتیو فراری که ما را به ورطه می‌کشانند. پاپ تأکید کرد که ما هنوز وقت داریم.^۱

پاپ در این ویدیو با صراحت بی‌سابقه‌ای خواستار تعیین یک درآمد پایه برای همه شهروندان جهان شد.

پاپ فرانسیس گفت باید این امکان بررسی شود که چگونه می‌توان با کاهش ساعت کار روزانه اشتغال بیشتری تولید کرد. او افزود این قابل قبول نیست که

^۱ <http://www.cubadebate.cu/noticias/۱۷/۱۰/۲۰۲۱/papa-francisco-pide-cese-de-bloqueos-y-sanciones-contr-a-cualquier-pais-en-encuentro-mundial-de-movimientos-populares/>

درحالی که عده‌ای بیش از حد کار می‌کنند افراد بسیار دیگری از بیکاری در عذاب باشند.

پاپ گفت آگاه است که برخی شهروندان و حتی افرادی در داخل کلیسای کاتولیک او را یک «آفت» می‌دانند چون از حقوق فقیران و محرومان دفاع می‌کند، اما با سماجت به «مزاحمت» ادامه می‌دهد.^۱

- ملاحظه: پیام ویدیویی پاپ خطاب به چهارمین «نشست جهانی جنبش‌های مردمی» ایراد شده که به صورت دیجیتالی برگزار شد. شعار اصلی این دوره مانند سه دوره قبل «زمین، سرپناه، کار» بود. حدود دو دهه پیش سازمان ملل متحد روز ۱۷ اکتبر را به‌عنوان روز جهانی ریشه‌کنی فقر نام‌گذاری و ثبت کرد. مبارزه برای فقرزدایی از آغاز پاندمی کرونا دشوارتر از پیش شده است.

۱ <https://www.reuters.com/world/europe/pope-pledges-continue-being-pest-defence-poor-۱۶-۱۰-۲۰۲۱/>



بخش دوم: تحلیل ها

پشت صحنه اقدامات تازه برای برکناری شیخ الازهر



منابعی در دانشگاه الأزهر مصر و نزدیک به شیخ احمد الطیب گفته‌اند که نوعی تحرکات سازمان‌یافته به‌منظور برکناری شیخ احمد طیب از ریاست این مرکز دینی وجود دارد.

این منابع همچنین گفته‌اند که این تحرکات از طریق درز اطلاعات غلطی درباره وضعیت سلامتی او و ترویج این موضوع صورت می‌گیرد که وضعیت جسمی احمد الطیب مانع انجام وظایف محوله به‌عنوان شیخ الازهر می‌شود.

این منابع به العربی الجدید گفته‌اند: در پی اظهارات اخیر عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر درباره قضیه مستندسازی طلاق و اشاره مجدد وی به اختلافش با شیخ الازهر و تأکید بر اینکه قانون اجازه مستندسازی طلاق را بدون

درگیری با هر موسسه‌ای (الازهر) به او می‌دهد، روشن است که نوعی گرایش علیه شیخ احمد طیب وجود دارد.

همین منابع افزوده‌اند که ازجمله نشانه‌های این رویکرد، نادیده گرفتن حضور احمد الطیب در مراسم تشییع جنازه مشیر محمد حسین طنطاوی و صدور دستوراتی به رسانه‌ها مبنی بر عدم اشاره به الطیب و یا نشان دادن او در کنار السیسی در این مراسم است.

مستندسازی طلاق به صورت مستقیم و در قانون جدید احوال شخصیه از سوی دولت به مجلس ارائه شده و قرار است در دوره جدید مجلس این کشور بررسی شود. السیسی پیش‌تر در سخنانی به اختلاف نظر خود با الطیب درباره این مسئله سخن گفته و عنوان کرده بود: «اوضاع را درک کردم. قانون احوال شخصیه به من به عنوان دولت مصر اجازه می‌دهد که نسبت به مستندسازی طلاق اقدام کنم زیرا حقوق و وظایفی بر آن مترتب می‌شود».

این منابع تصریح کردند: نبردی که بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده و دستگاه‌های وابسته به رئیس جمهوری از لابه‌لای آن برای کنار زدن الطیب تلاش می‌کنند، درواقع همان نبرد «تجدید گفتمان دینی» است که احمد الطیب نسبت به آن موضع سخت‌گیرانه‌ای دارد و معتقد است که نگرش رسمی طرح‌شده از سوی نهادهای رژیم این کشور که از حمایت برخی نهادهای دینی وابسته به دولت نیز حمایت می‌شود، به‌طورکلی با روش اسلام منافات دارد و باعث اهانت به شریعت می‌شود.

شیخ الازهر هیچ گونه همراهی با کنفرانس‌ها و گفتمان‌های ویژه ایده تجدید گفتمان را که رئیس جمهوری مصر به آن اشاره می‌کند، نمی‌پذیرد.

براساس گفته این منابع، در برابر موضع احمد الطیب که تنها طرف مخالف دیدگاه رئیس جمهوری در این خصوص است و در سایه همراهی همه نهادهای دولتی با خواسته‌های السیسی، موضوع برکناری شیخ الازهر مطرح شده است.

این منابع موقعیت شیخ الازهر در حال حاضر خوب توصیف نکرده و با اشاره به اینکه این موضوع دلایل مختلفی دارد، خاطرنشان کرده‌اند: در مقدمه این دلایل تغییراتی است که اخیراً در اوضاع منطقه به‌ویژه در خصوص همگرایی بین مصر، عربستان، امارات و بحرین با قطر ایجاد شده است زیرا این موضوع اشتیاق ابوظبی در قبال شورای حکمای مسلمان را که زیر نظر محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی حمایت می‌شود، به‌عنوان نهادی موازی با اتحادیه جهانی علمای مسلمان که مقر آن در دوحه قرار دارد، تضعیف می‌کند.

منابع یادشده ادامه دادند: موضوع دیگری که بر قدرت موضع الازهر تأثیر می‌گذارد، کاهش ابزارهای فشار امارات بر رژیم مصر پس از توقف حمایت مالی ابوظبی از این رژیم است. همان فشاری که در گذشته بارها تلاش‌ها برای سرنگونی احمد الطیب را متوقف کرده بود و مهم‌ترین آنها تمجید السیسی از اصلاحات قانون اساسی بود که به رئیس جمهوری اجازه می‌داد، شیخ الازهر را برکنار کند.

منابع مصری خاطرنشان کردند: در برابر متن قانون اساسی فعلی که الطیب را از برکناری توسط سیسی مصون می‌دارد، به نظر می‌رسد کسانی هستند که

مسئله «وضعیت جسمی» او را به سبسی یادآوری کرده‌اند و اکنون در سطوح روشنی نسبت به آن ترویج می‌شود تا مقدمه‌ای برای وادار کردن احمد الطیب به استعفا و یا بازنشستگی او به دلایل جسمی باشد.

با این حال یک منبع دیگر در داخل الازهر گفته است که احمد الطیب به‌خوبی از تلاش‌ها برای فشار بر او جهت کناره‌گیری واقف است و به‌خوبی قدرت این مرکز و پست خود را می‌داند به همین دلیل هرگز کناره‌گیری نخواهد کرد. در همین راستا محمد الطیب برادر شیخ الازهر شایعات مرتبط با سلامتی شیخ الازهر را تکذیب کرده و گفته است که حالش خوب است و ما به شایعات مرتبط با حال او عادت داریم. (ترجمه: شفقنا)^۱

کوالیس-تحركات-جديدة-للإطاحة-بشیخ-الازهر/ <https://www.alaraby.co.uk/politics/>

سودان پسا کودتا؛ اسلام معتدل، اسلام دولتی

حامد دهقانی فیروزآبادی



وزیر جوان امور دینی سودان با شتاب به دنبال الگوگیری از طرح‌های رسمی‌سازی دینی کشورهای عربی است.

نصرالدین مفرح احمد، وزیر امور دینی و اوقاف سودان روز یکشنبه ۲۶ سپتامبر با محمد الخلايله، مفتی و وزیر امور دینی و اوقاف اردن دیدار کرد. در این دیدار که کلیدواژه‌های چون «مبارزه با افراط‌گرایی»، «ایجاد گفتمان دینی معتدل»، «وسطیه» و مانند اینها نقل سخنان دو طرف بود، وزیر سودانی به صراحت از استراتژی دولت برای کنترل تمامی امور و نهادهای دینی سخن گفت.

در این دیدار نصرالدین مفرح تأکید کرد که «وزارت امور دینی سودان به دنبال ایجاد یک استراتژی مشخص برای امور دینی است و این ما را ترغیب می‌کند تا از تجربه اردن در این زمینه بهره‌مند شویم، چرا که ما به دنبال تحول در همه

چیز از جمله مساجد، امور مذهبی و گفتمان دینی هستیم؛ ما می‌خواهیم تمام آنها را پیرو وزارت امور دینی کنیم تا تبلیغ «پیام واقعی اسلام» تضمین شود.^۱

روز پیش از این دیدار، شنبه ۲۵ سپتامبر، نیز نصرالدین مفرح دیدار مشابهی را با وزیر اوقاف مصر داشت. در این دیدار نیز که تأکید بر اندیشه وسطیه و اعتدال محور گفتگو بود، مفرح گفت که وزارت امور دینی و اوقاف سودان به‌سختی در حال گسترش افکار میانه‌رو و رد خشونت و افراط‌گرایی است و برای دستیابی به این هدف، ما با برادران خود در کشور مصر همکاری می‌کنیم و درهای خود را برای کاروان‌های آموزشی، فرهنگی و حمایتی آنها باز کرده‌ایم. در این دیدار محمد مختار جمعه، وزیر اوقاف مصر، کتاب تازه خود، «الجاهلیة و الصحوة» را به مفرح اهدا کرد که در آن از «ایدئولوژی مسموم» اخوان پرده برداشته و «خطر منافقین جدید» را برجسته کرده و بر لزوم مقابله با این افراد ضرور و محافظت جوامع در برابر افراط‌گرایی تأکید کرده است.^۲

• ملاحظه: سودان پس از کودتای نظامیان در آوریل ۲۰۱۹ م و کنار گذاشته شدن عمر البشیر، با شتاب الگوی مصر پساکودتا را دنبال می‌کند؛ حذف نیروهای اخوانی و اسلام‌گرا، بوروکراتیزه کردن و رسمی‌سازی گسترده نهادهای دینی، ایدئولوژی وسطیه و اسلام معتدل، ادعاهای مبارزه با افراط‌گرایی و تجدید گفتمان دینی.

۱ <https://www.dostor.org/۳۵۸۲۱۴۵>

۲ <https://www.mobtada.com/details/۱۰۹۰۰۲۴>

برای این منظور سودان حساب ویژه‌ای بر کمک‌های کشورهای عربی دارای پروژه‌های مشابه باز کرده است و مصر در این میان جایگاه ویژه‌ای داشته است و تنها در همین یک سال گذشته دیدارهای مشترک میان وزرای امور دینی طرفین بارها و بارها تکرار شده و دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی متعددی را «مصری‌های پیشرو» برای «سودانی‌های پیرو» برگزار کرده‌اند.^۱

استعفایه‌های تجدید قوا؛ از لیبی تا تونس

حامد دهقانی فیروزآبادی



شنبه ۲۵ سپتامبر بیش از صد تن از رهبران جنبش «النهضة» تونس، از جمله معاونان، اعضای سابق مجلس مؤسسان، اعضای مجلس شورا و مقامات منطقه‌ای، استعفای خود را اعلام کردند.

^۱ نصر-الدین-مفرح/ <https://www.mobtada.com/tag/>

این ۱۱۳ عضو ارشد حزب تأکید کردند که دلیل اصلی استعفای جمعی آنها این است که دیگر حزب از درون امکان اصلاح ندارد.

آنها همچنین اذعان کردند این رهبری فعلی حزب، راشد الغنوشی، است که مسئولیت کامل انزوای جنبش در عرصه ملی را بر عهده دارد و همچنین «مسئولیت قابل توجهی از شرایط عمومی کشور که منجر به لغو قانون اساسی و نهادهای ناشی از آن شد، بر دوش اوست».

در این بیانیه آمده است که «انتخاب‌های سیاسی اشتباه رهبری جنبش النهضة» منجر به «انزوای حزب و عدم مشارکت فعالانه آن در هر جبهه مشترکی شد که برای مقاومت در برابر خطر قریب‌الوقوع اقتدارگرایی که در تصمیمات ۲۲ سپتامبر قیس سعید نشان داده شد، لازم بود».^۱

در خبری دیگر روزنامه الشروق روز گذشته اعلام کرد که اعضای مخالف النهضة در حال آماده‌سازی برای ایجاد یک حزب جدید هستند که ممکن است شامل چهره‌هایی باشد که جایگاه رهبری دینی و اسلامی ندارند.^۲

قیس سعید، رئیس جمهور تونس که در سوم مردادماه گذشته با صدور فرمانی فعالیت پارلمان این کشور را به حالت تعلیق درآورده بود، چهارشنبه گذشته فرمان جدیدی را صادر کرد که بر اساس آن عمل کردن به بیشتر فصول قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد.

۱ <https://www.alchourouk.com/article/النهضة-قيادي-من-۱۰۰-حركة-النهضة>

۲ <https://www.alchourouk.com/article/النهضة-يستعدون-لتأسيس-حزب-المنشقون-عن-النهضة>

جدید-قد-یضم-شخصیات-لا-مرجعية-إسلامية-لها

شکاف در حزب النهضة در اعتراض به اقدامات و سیاست‌گذاری‌های رهبری این حزب تازگی ندارد و دست‌کم از ماه‌ها قبل پدیدار شد؛ اما این استعفای دسته‌جمعی بی‌شک «زلزله‌ای» در حزب النهضة تونس خواهد بود و اگر آن را به فروپاشی کامل نکشاند، به انشقاق آن خواهد انجامید.

استعفا و تجدید قوا در پوششی تازه رویه جدیدی در احزاب و جریان‌های اخوانی نیست؛ در اردیبهشت‌ماه گذشته نیز اخوان لیبی در پی انحلال برخی شعب آن و استعفای جمعی تعدادی از اعضا و رهبران آن، اعلام کرد که نام خود را از «جماعة الاخوان المسلمین» به «جمعية الاحیاء و التوحید» تغییر داده است. در همین راستا یکی از اعضای سابق این جماعت گفت که این گروه به انجمنی تبدیل شده است که فقط در داخل کشور فعالیت می‌کند و دیگر از سازمان جهانی اخوان المسلمین پیروی نمی‌کند.^۱

بسیاری از ناظران این اقدام اخوان لیبی را در راستای آماده‌سازی خود برای انتخابات دسامبر پیش‌رو تحلیل کردند، آن‌هم در شرایطی که اغلب برآوردها از کاهش حمایت مردمی از ایشان حکایت دارد.

در مراکش نیز پس از شکست سنگین اخوان در انتخابات چندی پیش، حزب عدالت و توسعه خانه‌تکانی کاملی انجام داد و دبیرکل، سعدالدین عثمانی و تمامی اعضای دبیرخانه عمومی حزب عدالت و توسعه استعفا دادند.

الدول - العربية / لیبیا - الإخوان - المسلمین - تتحول - إلى - جمعية - الاحیاء - <https://www.aa.com.tr/ar/> ۱

سرمقاله نشریه وابسته به داعش: شیعیان از بغداد تا خراسان، در امان نخواهند بود

گروه داعش بار دیگر در جریان تبلیغات مذهبی‌اش، شیعیان را «خطرناک» توصیف کرده و آنها را تهدید کرده که از «بغداد تا خراسان» هدف حمله قرار خواهد داد.

در سرمقاله تازه‌ترین شماره نشریه هفتگی «النبا» که توسط کانال تلگرام این گروه منتشر می‌شود، تأکید شده که اعضای این گروه به «اماکن نیایش و مراکز» شیعیان نیز حمله خواهند کرد.

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، گروه داعش در این کشور که با نام «داعش خراسان» فعالیت می‌کند، حملاتی علیه شیعیان این کشور انجام داده است.

در یکی از مرگبارترین این حملات که حدود یک هفته پیش رخ داد، دستکم ۵۰ نفر که برای شرکت در نماز جمعه در مسجدی در کندز جمع شده بودند، کشته شدند.

تهدیدهای جدید داعش نیز ساعتی قبل از حمله تازه این گروه به نمازگزاران شیعه در قندهار منتشر شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم العدد ۴۰۸ الخامس ۷ ربيع الأول ۱۴۴۲ هـ الافتتاحية ۳

النبا



**أولياء
الرافضة
يكون!**

من أول يوم أعلنت فيه الدولة الإسلامية القتال ضد الرافضة الشرير، تمزجت لحرب شعواء ليست من الرافضة ولشاهجه، بل من قبل الحركات والتنظيمات المتحرفة والمرتدة النكسبة للإسلام، حيث لم تتوقف هذه الحركات والتنظيمات منذ ذلك اليوم عن انتقامها ومزعزعا وإزها بالجاهدين، يائسة جوهيا

في صورة تخالف القطر والنقل وحتى العقل، ولكنها لا تسعى الأضرار ولكن تسعى للقرب التي في الصدور، إن القتال في مسار الرافضة يجد أنهم يزدادون عدا وحربا للمسلمين ومكرا بهم يوما بعد يوم، وإن كل دعوات المرتدين والنشالين والتحرشين للقتال والتعاضل معهم بوصفهم شركاء

«يفضل الله تعالى» في زمن التراجعات وبطوفان الاضطرابات في وجه مؤامرات الكافرين والمترفين كافة من الصليبيين المرتدين وعلى رأسهم الرافضة الذين أعطوا الحرب على المسلمين في كل مكان، بينما ما يزال قادة الجاهليات المرتدة يبرغون إليهم بالتعاضل والتعاضل والسلف العيارات والطوبى للأشقياء.

نشرية النبا توسط كانال تلگرام داعش به شكل هفتگی منتشر می‌شود

در آن حمله که روز جمعه (دیروز) رخ داد، دستکم ۴۰ تن در مسجدی در قندهار کشته شدند.

در سرمقاله نشریه «النبأ» تصریح شده که حملات به شیعیان ادامه خواهد یافت.

در این مطلب آمده است که «دشمنی شیعیان با سنی‌ها» در حال افزایش است و پیروان این مذهب در حال تثبیت «هلال شیعی» در خاورمیانه هستند.

«هلال شیعی» اصطلاحی است که عموماً برای توصیف آنچه «تهدید شیعیان» در خاورمیانه خوانده می‌شود به کار می‌رود و اشاره‌ای است به مناطقی که شیعیان در آن از اکثریت جمعیتی برخوردارند.

این مناطق از شمال شرقی عربستان و بحرین آغاز می‌شود و علاوه بر کشور ایران، شامل بخش‌هایی از کشورهای عراق، سوریه و لبنان نیز هست.

علاوه بر گروه داعش، رقبای منطقه‌ای ایران نیز هر از گاهی از این اصطلاح برای اشاره به فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه استفاده می‌کنند. در سرمقاله نشریه «النبأ» آمده است: «هر زمان که رافضی‌ها [اصطلاحی که سنی‌های تندرو برای توهین به شیعیان از آن استفاده می‌کنند] در یک کشور، شهر یا حتی یک روستا به قدرت می‌رسند، اولین اقدامشان راه انداختن جنگی با سنی‌ها است.»

در این مطلب همچنین به‌طور مشخص به شیعیان هزاره افغانستان اشاره شده و آمده است که آنها متحد ایران هستند و در کنار نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با داعش جنگیده‌اند.

اقلیت هزاره در افغانستان از جمله اقوام این کشور هستند که به‌طور مرتب هدف آزار و گاهی حملات سنی‌های تندرو قرار می‌گیرند.

در عین حال حملات گروه داعش به شیعیان خلاصه نمی‌شود و این گروه، مسلمانان سنی را نیز که با آنها مخالفت کنند، هدف قرار می‌دهند.

این گروه در حال حاضر با گروه اسلام‌گرای طالبان نیز مخالف است و حملاتی به طالبان انجام داده است.

در مطالب نشریه «النبأ» طالبان متهم شده است که از آمریکا کمک تسلیحاتی و مالی دریافت می‌کند.

داعش همچنین گروه اخوان المسلمین را که یک گروه اسلام‌گرای سنی است، به «ارتداد» متهم می‌کند.^۱

وضعیت مدارس دینی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان چگونه است؟



نگرانی‌ها در مورد آینده آموزش در افغانستان تحت حاکمیت طالبان افزایش یافته است و تحصیل‌کرده‌های افغانستانی و جامعه بین‌المللی خواستار دسترسی برابر دختران و زنان به آموزش هستند.

مدارس دینی نمایانگر بخش دیگری از جامعه افغانستانی هستند که فقیرتر، محافظه‌کارتر و بی‌خبر از آینده در دوران حکومت طالبان تلقی می‌شوند.

^۱ <https://www.bbc.com/persian/world-۵۸۹۳۹۹۳۶>

مانند بسیاری از نهادهای موجود در افغانستان و از زمان به قدرت رسیدن طالبان در ۱۵ اوت، مدارس دینی نیز با بدتر شدن وضعیت اقتصادی این کشور مبارزه کرده‌اند.

در دو دهه گذشته، مدارس دینی در افغانستان از ایدئولوژی‌های تندرو دور شده و مدت‌ها تحت نظر دولت تحت حمایت آمریکا در مبارزه با طالبان بوده‌اند. کارکنان مدرسه دینی خاتم الانبیاء در پاسخ به این پرسش که آیا آنها به حمایت بیشتر از حاکمان جدید طالبان امیدوارند، محتاط بودند.

عصمت الله مدقق، مدیر مدرسه در این باره گفت: فارغ از حضور طالبان یا بدون آنها، مدارس دینی بسیار مهم هستند و بدون آنها، مردم منابع مذهبی خود را فراموش خواهند کرد. مدرسه باید بدون توجه به دولت فعلی و صرف نظر از هزینه‌ای که نیاز دارد، باید همچنان زنده باقی بماند.

بودجه مدارس دینی؟

از لحاظ تاریخی، دولت افغانستان از منابع لازم برای ارائه آموزش در مناطق روستایی برخوردار نبوده است که این امر موجب نفوذ هر چه بیشتر مدارس دینی در آنجا شده است.

مدارس دینی تا حد زیادی با تلاش‌های رهبری شده توسط جامعه زنده نگه داشته شده است و بیشتر بودجه آن از منابع خصوصی تأمین می‌شود؛ اما در نتیجه تحریم‌های آمریکا و مسدود شدن کمک‌های نهادهای بین‌المللی پولی به افغانستان، با کمبود منابع مالی مواجه شده‌اند.

پسران جوان تربیت یافته مکتب‌های دینی واجد شرایط، در آینده می‌توانند به‌عنوان عالمان و کارشناسان مذهبی فعالیت کنند.

مدارس معمولاً اسلام محافظه‌کار را آموزش می‌دهند و به دلیل تکیه بیش از حد بر یادگیری رایج و عدم تمرکز بر تفکر انتقادی، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند؛ اما برای برخی، سیستم موجود در این مدارس تنها راه موجود برای آموزش اولیه و اسکان دانش آموزان در آن مدارس است.^۱

روزگاران چندان خوش شیخ‌الازهر در عصر تجدید دین

حامد دهقانی فیروزآبادی



عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری مصر، یکشنبه ۱۷ اکتبر، در سخنرانی خود در «جشن میلاد پیامبر اسلام» تأکید کرد، مصر به مأموریت و رسالت خود برای ایجاد آگاهی و اصلاح گفتمان دینی ادامه می‌دهد.

^۱ <https://arabic.euronews.com/۲۰۲۱/۰۲/how-religious-schools-doing-afghanistan-under-taliban-rule>

السیسی با تأکید بر اهمیت آگاهی و درک واقعی گفتمان دینی، گفت: «این امر در اولویت برنامه‌ها دولت مصر قرار خواهد گرفت».

السیسی افزود: «ضروری است که ما به مأموریت و مسئولیت تاریخی خودمان ادامه دهیم و با کمک علمای محترم مصر نهادهای دینی تلاش برای گسترش ارزش‌های مانند همزیستی، مدارا با دیگران، اعتقاد به تنوع فکری و ایدئولوژیکی، پذیرش دیگری و تصحیح تصورات غلط را مضاعف کنیم».

چندی پیش نیز سیسی در جمع شرکت‌کنندگان «همایش بین‌المللی دارالافتاهای جهان» نیز محور سخنرانی خود را تصحیح خطاب دینی قرار داد.^۱ همچنین محمد عثمان الخُشت، رئیس دانشگاه قاهره، در چهارمین دوره اردوی رهبران آینده مصر، موضوع سخنان خود را پیرامون بحث دینی داغ و دامنه‌دار این سال‌های مصر قرار داد؛ «تجدید الخطاب الدینی» (نوگرایی گفتمان دینی).^۲

اما ماجرای این تجدید و تطویر و تصحیح خطاب دینی چیست؟

سیسی از همان مراسم تحلیف خود در ۲۰۱۴، کلیدواژه تجدید خطاب دینی را مطرح کرد و خواستار خوانشی تازه و معاصر از دین شد و از آن زمان این پروژه اصلاح دینی خود را به جد دنبال کرده است.

۱ <https://www.almasryalyoum.com/news/details/۲۳۸۹۴۴۷>

۲ <https://www.youm7v.com/story/-/الخطاب-الدینی-تطویر-القاهرة-جامعة-رئيس>

لا-یعنی-التغییر-فی/۵۴۵۱۶۶۹

این پروژه از سال ۲۰۱۷ و با تعیین الخشت به ریاست دانشگاه قاهره (که در برابر الازهر دوقطبی فکری مصر را شکل می‌دهد) برگزید. چندی نگذشت که کتاب تازه الخشت با عنوان «نحو تأسیس عصر دینی جدید» در همان سال به چاپ رسید و از آن زمان این استاد فلسفه به مهم‌ترین رسانه علمی پروژه سیسی تبدیل شد.

در ژانویه ۲۰۲۰ هیئت کبار العلماء الازهر همایشی بین‌المللی با عنوان «تجدید الفكر الإسلامی» برگزار کرد و احمد الطیب و الخشت برای سخنرانی در این موضوع در کنار یکدیگر نشستند. الخشت در این جلسه از «عصر دینی جدیدی» سخن گفت که با «عبور از تراش»، به جای «احیای علوم دینی» به سراغ «توسعه علوم دینی» می‌رود، عصر دینی جدیدی که «ممکن نیست منشأ آن نهادهای دینی کلاسیک باشد». در مقابل احمد الطیب در مقام پاسخ به سخنرانی طوفانی الخشت برآمد و جلسه عملاً به مناظره این دو انجامید و پس از آن گفتگوهای بسیاری را در جامعه علمی و دینی مصر پیرامون این موضوع شکل داد.

این موضوع بار دیگر در ماه مه گذشته با موضع‌گیری متفاوت احمد الطیب، ابعاد تازه‌ای پیدا کرد؛ درحالی‌که شیخ الازهر پیش از آن ماجرای تجدید خطاب دینی را «فتنه‌ای سیاسی و نه مسئله‌ای تراثی» می‌خواند^۱ و بارها در موضوعات

تناقض-آم-تراجع-تصریحات-لشیخ-الازهر- / ۲۰۲۱/۰۵/۲۲ <https://www.alhurra.com/egypt/>

عقب-حدیث-لمحمد-بن-سلمان-تثیر-الجدل-فی-مصر

دینی این چینی با سوسی درگیر شده بود، در چندین برنامه ماه رمضان خود به این موضوع پرداخت و آن را لازمه بقا و حیات اسلام دانسته و خود را از «علمای تجدید» و «جنگاوران عرصه اجتهاد» به شمار آورد.^۱ وی «تقدیس تراث فقهی و مساوی دانستن آنها با شریعت اسلامی» را از مشکلات امروز مسلمانان خواند که به «جمود فقه اسلامی» انجامیده است، هرچند خود و الازهر را از این جمود برکنار شمرد.

موضوع تجدید خطاب دینی در مصر بسیار دامن‌دارتر از این چند خط بوده است و چنانکه دست کم آمار «گوگل ترندز» نشان می‌دهد سوسی به‌خوبی توانسته گفتمان تجدید دین را که پیش از او چندان در مصر خبرساز نبوده، به موضوعی داغ در تمامی این سال‌ها تبدیل کند.^۲ شاید همین واقعیت شیخ الازهر را از ادبیات سلبی پیشین خود به داعیه‌دار همیشگی تجدید دین کشانده است. ظاهراً احمد الطیب چنین پنداشته که ماندن در جبهه مخالفت با نوگرایی، در این دوقطبی تنها از او شخصیتی متحجر و واپس‌گرا می‌سازد. از این‌رو گرچه سخن از تجدید می‌زند، همچنان در دل آن همان گفتمان وسطیه پیشین خود را تبلیغ می‌کند.

این روزها برای احمد الطیب همچون روزهای آغازین حکومت سوسی نیست که غالباً چهره پیروز نزاع با دولت بود؛ روزهایی که سوسی همان‌طور

^۱ <https://edu.see.news/۰۱/۰۵/۲۰۲۱/الطیب>

^۲ <https://trends.google.com/trends/explore?date=all&geo=EG&q=%۲۰الخطاب>

الدینی^{۱۰}

که به زبان می‌آورد- واقعاً از دست او خسته شده بود. روزهایی که احمد الطیب به‌راحتی از کشتارهای رابعه تبری جست، مقابل فشار سیسی برای منع طلاق شفوی ایستاد و نپذیرفت قریب صد استاد الازهری با تمایلات اخوانی را اخراج کند؛ اما شیخ الازهر با تثبیت قدرت سیسی، روزبه‌روز سنگرهای تازه‌ای را از دست داده است که آخرین آنها دستور سیسی برای تعیین مستقل مفتی اعظم مصر بود.^۱

مفتی سلطان پای صحابه را به پروژه کنترل جمعیت سیسی کشاند؛

حامد دهقانی فیروزآبادی



چندی پیش و درست یک روز پس از صحبت‌های سیسی پیرامون خطرات رشد جمعیت در مصر و اینکه با وجود چنین نرخ رشد جمعیتی

شهروندان هیچ پیشرفتی در زندگی خود احساس نخواهند کرد، شوقی علام، مفتی اعظم مصر، از لزوم کنترل جمعیت سخن گفت و استدلال کرد که «صحابه پیامبر

^۱ <https://t.me/dolatededin/۲۸۹>

(ص) نیز «عزل» می‌کردند، یعنی آنها نیز از وسایلی که در اختیار داشتند استفاده می‌کردند تا تخمک را با اسپرم بارور نکنند!^۱

همین کافی بود که باز در شبکه‌های اجتماعی مصر انتقادات به علام بالا بگیرد و با «مفتی سلطان» خواندن او، این «فتوهای سیاسی» را نتیجه کنار زدن الازهر از دارالافتاء مصر بدانند.

کنار زدن الازهر از دارالافتاء به چند روز پیش از این ماجرا، یعنی ۱۲ اوت گذشته، روز تولد ۶۰ سالگی شوقی علام، روز بازنشستگی قانونی او و البته روز انتصاب دوباره وی به مقام «مفتی اعظم» مصر بازمی‌گردد. شوقی علام که می‌بایست طبق قانون با رسیدن به سن بازنشستگی کنار گذاشته می‌شد، یک روز پیش از آن، سیسی فرمانی صادر کرد که مطابق آن دارالافتاء مصر از ذیل قانون خدمات کشوری خارج شد و به او اختیار کامل در تعیین مفتی اعظم را اعطا کرد.^۲

بدین ترتیب انتخاب مفتی اعظم نیز در فهرست اختیارات سیسی جای گرفت و او در ۱۲ اوت علام را برای یک سال دیگر به‌عنوان مفتی اعظم مصر گماشت^۳ تا احمد الطیب، شیخ الازهر، تنها مقامی باشد که از سوی او انتخاب نشده است.

^۱ <https://www.bbc.com/arabic/trending-۵۸۳۱۸۹۸۸>

^۲ <https://www.alaraby.co.uk/politics/> -السیسی-صدر-قراراً-یمنحه-صلاحیه-اختیار-المفتی- منفرداً

^۳ <https://www.alaraby.co.uk/politics/> -التجديد-لشوقی-علام-السیسی-یستأثر-بتعيين-مفتی- الجمهورية-ویهمش-الازهر

این در حالی است که پیش از آن هیئت کبار العلماء الازهر مفتی را انتخاب کرده و سپس به تأیید رئیس جمهور می‌رسید.

هیئت کبار العلماء از فتوحات احمد الطیب در دوران خوش پس از انقلاب مصر بود؛ او توانست این هیئت را در ۱۷ جولای ۲۰۱۲ بار دیگر، پس از انحلال آن در زمان جمال عبدالناصر در ۱۹۶۱، برپا کند و آن را به تصویب نخست وزیر و شورای عالی نیروهای مسلح برساند. انتخاب شیخ الازهر و مفتی اعظم از اختیارات اصلی این هیئت تعیین شد و در ماده ۴ قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر مرجعیت تصمیم‌گیری در تمامی امور مربوط به شریعت اسلامی نیز به اختیارات این هیئت اضافه شد. با کودتای ۲۰۱۳، سبسی ماده ۴ را حذف کرد و تنها همان اختیارات انتخاب شیخ الازهر و مفتی اعظم باقی ماند.

اما پروژه تصاحب دارالافتاء را سبسی از سال گذشته به راه انداخت و قرار بود قانون جدیدی که اختیارات را از الازهر می‌گرفت، در پارلمان مصر به تصویب برسد، اما با ورود شدید شیخ الازهر به ماجرا، تصمیم‌گیری برای مدت نامشخصی به تعویق افتاد.^۱ ۲۲ فوریه ۲۰۲۱ موعد ریاست شوقی علام سرآمد، اما سبسی آن را تا زمان بازنشستگی تمدید کرد. دو روز بعد هیئت کبار العلماء جلسه‌ای تشکیل داد و با رأی‌گیری مخفیانه گزینه خود را انتخاب و به رئیس جمهور پیشنهاد کرد و از زحمات شوقی علام در این سال‌ها تشکر کرد.^۲ اما سر

بعد-غضب-الازهر-ورفض-القضاء-، ۲۰۲۰/۸/۲۴ <https://www.aljazeera.net/news/politics/24/8/2020>

البرلمان

^۲ <https://www.almasryalyoum.com/news/details/2267980>

رسیدن موعد بازنشستگی علام و درحالی که بسیار از گمانه‌ها گزینه هیئت کبار را «محمد الضوینی» می‌دانست،^۱ سیسی کار را تمام کرد و الازهر را به کلی کنار گذاشته و خود شوقی علام را ابقا کرد.

از زمان کودتای ژوئیه ۲۰۱۳، سیسی از دارالافتاء و وزارت اوقاف در درگیری خود با الازهر استفاده کرد و جبهه‌ای رسمی تشکیل داد تا با عنوان «تجدید گفتمان دینی»، بازوی مذهبی قدرت برای حمایت از تصمیمات وی، به‌ویژه تصمیمات مربوط به امور دینی یا حتی مسائل سیاسی باشد.

شوقی علام در این سال‌ها به‌خوبی پروژه سیسی را جلو برده و حتی اگر روزی از تجدید گفتمان دینی و تبلیغ علیه اخوان سخن نمی‌گفت، به‌گونه‌ای دیگر کوتاهی خود را جبران می‌کرد؛ به ترکیه و اردوغان و فتح قسطنطنیه حمله می‌برد،^۲ از درام ترکی «ارطغرل» انتقاد می‌کند^۳ یا در مقابل دارالافتاء از سریال مصری «الاختیار» که از ارتش مصر تجلیل می‌کند، می‌ستاید.^۴ او که خود برای نخستین بار با تأیید مرسی مفتی اعظم شد، حکم اعدام وی را تأیید می‌کند،^۵ هم‌راستا با سخنان سیسی، بسیاری از مسلمانان اروپا را در بحبوحه انتقادات به

۱ https://arabic.rt.com/middle_east/۱۲۶۱۱۸۳-

۲ <https://www.aljazeera.net/news/۱۱/۶/۲۰۲۰/افتاء-المصرية-وأردوغان-تجارة-الدين>

۳ <https://www.aljazeera.net/news/politics/۱۰/۲/۲۰۲۰/الإفتاء-المصرية-تحذر-من-مسلسل-أرطغرل>

۴ <https://www.aljazeera.net/news/politics/۲۹/۴/۲۰۲۰/الإفتاء-المصرية-تثير-سخرية-مغردين>

۵ <https://arabi۲۱.com/story/۹۱۲۹۴۸>

مکرون، تروریست می‌خواند^۱ و هم‌زمان با فتاوی‌ای علمای سعودی و اماراتی، پیوستن به اخوان را حرام شرعی می‌داند.^۲ سبسی از مردم می‌خواهد برای صندوق «تحیا مصر» که برای اجرای پروژه‌های توسعه ملی اختصاص یافته تبرعات دهند و علام فتوا می‌دهد که دادن زکات به این صندوق جایز است.^۳

اینها و بسیاری دیگر، شوقی‌علام را به عنصری صرفاً سیاسی نزد بسیاری از دین‌داران مصر تبدیل کرده است و انتقادهای چنان گسترده شده که خود او بارها مجبور شده اتهام عالم و مفتی سلطان بودن را رد کرده و آن را تهمت اخوانی‌ها بشمرد، اما دست کم نظرسنجی سال گذشته دارالافتاء در صفحه فیس‌بوک خود نشان داد که این انتقادهای محدود به اخوانی‌ها نیست، چرا که ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان، «گوگل» را نخستین منبع خود برای جستجوی فتاوا اعلام کردند و نه سایت دارالافتاء.^۴

۱ <https://www.aljazeera.net/news/۱۱/۱۰/۲۰۲۰/ودعما>

۲ <https://al-ain.com/article/brotherhood-terrorist-saudia-emirates-egypt>

۳ <https://www.watanserb.com/۲۰/۰۴/۲۰۲۱/الدين-حساب-السياسي-على>

۴ <https://www.aljazeera.net/news/۱۳/۸/۲۰۲۰/المصريون-الفتوى-تسييس-حصاد-تجني-هل>

۵ <https://t.me/dolatededin/۲۲۳>



بخش سوم: منشورات

صلح‌سازی بر پایه مذهب در عراق: چشم‌انداز هاو چالش‌های حوزه

نویسنده: مارسین الشمری

ترجمه: محمدباقر صداقت

محل نشر: مجله مداخله و دولت‌سازی

تاریخ انتشار: جولای ۲۰۲۱

زبان: انگلیسی

چندی پیش مجله مداخله و دولت‌سازی (*Journal of Intervention and Statebuilding*) شماره اخیر خود را به موضوع «ایجاد صلح پایدار در عراق» اختصاص داد. در این میان نویسنده شناخته‌شده حوزه عراق، مارسین الشمری، مقاله‌ای را پیرامون نقش و جایگاه حوزه و مرجعیت دینی عراق در ایجاد صلح در این کشور منتشر کرده است. این مقاله در راستای گفتمان «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز (التعايش السلمی)» که سالیانی است در حوزه دینی عراق به کلیدواژه‌ای رایج تبدیل شده، نگاشته شده و تلاش دارد راه‌حل‌های ممکن برای این مهم را پیشنهاد دهد. به مناسبت «هفته وحدت» و ضرورت بازخوانی الگوهای پیشنهادی برای ایجاد هم‌زیستی میان مذاهب گوناگون اسلامی، گزیده‌ای از این مقاله در ادامه می‌آید.

این مقاله به ظرفیت‌های روحانیون شیعی در عراق برای مشارکت در صلح‌سازی مذهبی در عراق پس از ۲۰۰۳ می‌پردازد. این مقاله ثابت می‌کند که دو چالش در برابر روحانیت شیعه در این راستا وجود دارد. ابتدا همراهی نهاد

مذهبی شیعی در عراق با بازیگران سیاسی بحران مشروعیت را برای روحانیت در پی دارد و چالش دوم ساختار قدرت در نهاد مذهبی مذکور ورود روحانیون فعال در زمینه صلح‌سازی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. این مقاله بیان می‌کند که این چالش‌ها نه غیر قابل حل و نه منحصر به فرد می‌باشند.

در این مقاله دو سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از قدرت مذهبی شیعه برای ایجاد صلح در عراق استفاده کرد؟ و اگر می‌شود بر اساس چه ظرفیتی و با چه هدفی؟

نهاد دین در ایفای نقش در راستای عدالت انتقالی، بیشتر به نحو انفعالی عمل کرده است تا اینکه نقشی سیستماتیک برای خود تعیین کند. به‌طور مثال کما اینکه روحانیون سابق بر این به‌عنوان میانجی برای حل‌وفصل مشکلات بین عشیره‌ای دعوت می‌شدند این بار در سطحی ملی خود را در موضعی می‌دیدند که باید نسبت به بحران‌ها برای ایجاد صلح پاسخگو باشند.

ایجاد صلح مذهبی با مشارکت مذهبیان و با تکیه بر اعتبار اخلاقی آنها است. باید تمرکز آنها بیش از آنکه بر مجازات مجرمان باشد بر لزوم احیای روابط بین گروه‌ها از طریق ارزش‌هایی مانند رحمت و بخشش باشد. اگرچه برخی از بازیگران سکولار نیز از اخلاقیات استفاده می‌کنند اما برخی محققان دریافته‌اند که بازیگران مذهبی وابسته به نهاد دین به دلیل همراهی بیشتر از جانب مردم مستعدتر می‌باشند.

تلاش‌های ایجاد صلح مستلزم مشارکت سیاسی عمومی است. این امر می‌تواند منجر به ایجاد تنش‌هایی در رابطه با تعریف نقش مذهب در زندگی عمومی شود.

درواقع بحث از ایجاد صلح دینی از بحث در رابطه با نقش‌های روحانیون در سیاست جدا نیست.

با این حال دامنه این مقاله محدود به این مطلب است که چگونه دین می‌تواند به انواع خاصی از فعالیت‌های عمومی مرتبط به الگوی صلح‌سازی به‌ویژه در مورد آشتی بین جوامع کمک کند.

در ابتدا دین می‌تواند مبنای اعتقادی و تئوریک را برای ایجاد صلح به وجود آورد.

ثانیاً این فعالان مذهبی هستند که در صورت بی‌طرفی می‌توانند مؤثرتر باشند. ثالثاً اگر خود مناقشه دارای ریشه‌های مذهبی باشد از ابزارهای مذهبی می‌توان برای مقابله با آن بهره برد. این امر در عراق که از ادبیات دینی برای اعمال خشونت علیه گروه‌های متقابل مذهبی استفاده می‌شود اهمیت دارد. از طرف دیگر رهبران دینی از همین آموزه‌های دینی برای ترویج صلح استفاده کرده‌اند.

صلح‌سازی مذهبی در بافت عراق

در عراق مدارس دینی تحت عنوان «حوزه علمیه» در نجف اشرف و تحت زعامت مرجعیت اداره می‌شود. امروزه واژه مرجعیت تقریباً هم‌معنا با آیت‌الله سیستانی است.

عراق در تاریخ نزدیک خود شاهد تجربه‌های تلخی همچون حکومت مستبد بعث، جنگ و تحریم، اشغال توسط آمریکا، جنگ‌های بین مذاهب در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۸ و همچنین جنگ اخیر با دولت اسلامی عراق و شام بوده است.

خود روحانیت شیعه در زمان حکومت صدام از قربانیان حکومت وی بودند لذا لاجرم نگرش آنها را نسبت به ایجاد صلح و مشارکت سیاسی در سطح وسیع‌تری شکل داد. صدام از ترس بسیج شدن شیعیان و سرایت احتمالی انقلاب اسلامی ایران یک حرکت سرکوبگرانه را علیه روحانیت آغاز کرد. در حقیقت روحانیون در زمان حکومت بعث چنان مورد هدف مأموران دولتی بودند که در پاسخ به سؤالات در مورد وضعیت کنونی عراق مشتاقانه وضعیت امروزه را در مقایسه با شرایط حکومت بعث به‌عنوان یک نعمت قلمداد می‌کنند.

از سوی دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که قربانی شدن روحانیت خود در تاثیرگذاری بیشتر آنها در ایجاد صلح اثر ایجابی داشته است. نسل روحانیونی که تحت حکومت بعث زندگی می‌کردند از تجربه قربانی شدن خود می‌توانند به‌عنوان منشأ همدلی با دیگر قربانیان استفاده کنند. این امر می‌تواند منجر به تبدیل شدن دین به محلی برای آشتی ختم شود.

تنوع مذهبی در عراق مقتضی این است که روحانیون شیعه نه تنها آمادگی ایجاد صلح بین مذاهب بلکه بین دیگر ادیان و گروه‌ها —همچون مسیحی، صابئی، ایزدی و سایر اقلیت‌ها— را داشته باشد. هر یک از این گروه‌ها خود تحت عناوین مذهبی تجربه قربانی بودن را داشته‌اند. در این موارد روحانیون می‌توانند از درک خود از اسلام به‌عنوان پادزهر جنایاتی که به نام اسلام علیه اقلیت‌های مذهبی انجام شده است استفاده کنند.

حوزه و دولت

حوزه‌ای که خود را نماینده اقلیت مظلوم می‌دید روابط تیره‌ای با دولت عراق قبل از سال ۲۰۰۳ داشت. پس از آن سال روابط تثبیت شده‌ای با احزاب اسلام‌گرا شکل گرفت که یک تغییر رویه چشمگیر و ناگهانی در موضع روحانیت بود. این تغییر ناگهانی جایگاه باعث ایجاد رابطه‌ای پیچیده بین حوزه و سیاست شد. همچنین روابط بین مرجعیت و رهبران دیگر گروه‌های غیر شیعی را نمی‌توان از ساختار مشخص قدرت در عراق پس از ۲۰۰۳ جدا کرد.

روابط نهاد دین و احزاب اسلام‌گرا دارای اجزای سیاسی و اقتصادی از جمله اداره موقوفات مذهبی و عتبات مقدسه بود. استفاده نادرست از این قدرت می‌تواند احساساتی در تعارض با صلح‌سازی مانند خشم و کینه را - در بین دیگر اقلیت‌ها - برانگیزد. لذا روحانیون شیعی برای ایجاد صلح باید اعتماد بازیگران را از دیگر مذاهب جلب و حفظ کنند.

احزاب و گروه‌های سیاسی شیعی اعتبار خود را از نهاد دین گرفته‌اند. از حزب الدعوة گرفته که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ نخست‌وزیری را در اختیار داشت تا مجلس اعلی و حتی جریان وابسته به مقتدی صدر. این ارتباط به نحوی نیست که حوزه و نهاد دین بتواند به راحتی آن را از خود پاک کند. کماکان در بین قدرتمندترین سیاستمداران دو نفر وابسته به نهاد دین یعنی سید عمار حکیم و سید مقتدی صدر وجود دارند. با توجه به نارضایتی عموم مردم عراق از طبقه سیاسی، ارتباط حوزه و نهاد دین با این روحانیون بسیار پرهزینه است.

روحانیون مختلفی در نهاد دین تلاش کرده‌اند ارتباط خود با احزاب اسلام‌گرا را قطع کنند. آیت‌الله سید محسن حکیم در سال ۱۹۶۲ سعی کرد با دلسرد کردن شاگردان خود از ماندن در حزب الدعوة نهاد دین را از احزاب اسلام‌گرا دور کند که منجر به خروج روحانیون از آن حزب شد. آیت‌الله سیستانی نیز در دیدارهای خود بسیار گزینشی عمل کرده و از دیدار با چهره‌های سیاسی به‌طور کامل پرهیز می‌کند. علیرغم این تلاش‌ها نهاد دین در طول تاریخ نتوانسته وابستگی و ارتباط خود با احزاب اسلام‌گرا را از بین ببرند و این امر تا حدودی به این دلیل بوده که در خود روحانیت نسبت به جدایی از سیاست اختلاف‌نظر وجود داشته است.

بین روحانیونی که حوزه و مرجعیت را یک نهاد علمی می‌دانند و کسانی که به مشارکت عمومی بیشتر اعتقاد دارند تنش وجود دارد. یک راه‌حل بالقوه ایجاد سازمان‌های مذهبی است که در راستای ایجاد صلح بدون به چالش کشیدن مرکزیت حوزه فعالیت می‌کنند. این امر فضایی را برای روحانیونی که به دنبال مشارکت عمومی بیشتر هستند ایجاد می‌کند و در عین حال ممکن است کار را برای روحانیون دیگری که به دنبال جدایی از امور سیاسی هستند آسان کند.

صلح‌سازی مذهبی از نظر تا عمل

چالش دیگری که نهاد دین علاوه بر تعامل با کنشگران سیاسی با آن مواجه است مسئله مشارکت عمومی همچون تلاش برای ایجاد صلح است که خود

مستلزم سازگاری تئوری بین این نهاد و اموری همچون مشارکت عمومی است که توسط سلسله مراتب موجود در آن محدود می‌شود.

از زمان‌های قدیم طلاب از قومیت‌های مختلف در حوزه علمیه نجف حضور داشته‌اند. تنوع قومی حوزه مهارت تعامل با افرادی از دیگر جوامع و با ارزش‌های مختلف را به روحانیون خود می‌دهد که از این امر برای تلاش‌های صلح‌طلبانه می‌توان بهره برد. در عین حال تأکید بر این نکته ضروری است که تنوع در حوزه تنها قومی است و مذهبی نیست.

دو راه برای ایجاد چهارچوب فکری مؤثر برای ایجاد صلح مذهبی در بین مجتهدین و فعالان نهاد دین وجود دارد. اولین راه ایجاد یک دین عمومی با اعتقادات عمومی است. دین عمومی دینی است که تلاش می‌کند یک شخصیت، کارکرد یا نقش عمومی داشته باشد. اسلام یک دین عمومی با بسیاری از اعتقادات عمومی است که در عراق به‌طور وسیعی گسترده است.

دومین نوآوری اعتقادی مورد نیاز برای ایجاد صلح مذهبی ترویج ادبیات دینی است که مروج صلح باشد. یکی از این واژگان عدل است که می‌تواند به دلیل تأکید فراوان بر مسئولیت فردی و تعهد اخلاقی اولیه برای مبارزه با بی‌عدالتی، ایجاد صلح اسلامی را تسهیل کند. مبارزه با مظلومیت تاریخی شیعیان و بی‌عدالتی نسبت به این گروه همیشه ریشه فعالیت‌های مبارزان شیعی بوده است. اصل بعدی اعتقادی مفهوم برابری و کرامت انسان‌ها است. در این بین روحانیون شیعی کلام امام علی -علیه السلام- را یادآور می‌شوند که در آن فرمودند: «مردم دو گروه

هستند: یا برادر دینی شما یا در خلفت با شما برادرند.» اسلام مانند سایر ادیان دارای ابزارهایی است که می‌تواند برای ایجاد صلح مورد استفاده قرار گیرد. ساختار سلسله مراتبی نهاد دین شیعی به نحوی است که تنها مجتهدین و فقها می‌توانند در ایجاد، تغییر و اصلاح و صدور احکامی که باعث ایجاد صلح می‌شود سهیم باشند، لذا مرجعیت باید در این امر وارد شود.

صلح‌سازی در عمل

اگرچه مفهوم ایجاد صلح یک پدیده‌ای جدید است اما روح صلح‌سازی در بسیار از نهادهای مذهبی از جمله حوزه علمیه در عراق ریشه تاریخی دارد. روحانیون شیعه و سنی نیز سابقه تقویت روابط بین جمعی را دارند. در همین راستا آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله شیرازی برای کاهش تنش‌ها در اوایل دهه ۱۹۰۰ وجوهات شرعی را صرف قبائل سنی و شیعه کردند. علاوه بر این امروز در نجف مراکزی برای تقویت روابط بین جوامعی فعالیت می‌کنند که برای تکمیل این تحقیق از آنها بازدید شده است از جمله: بنیاد خوئی (دار العلم) - تحت مدیریت جواد الخوئی -، موسسه بلاغی - تحت مدیریت زید بحر العلوم - و مرکز الکلمه للحوار و التعاون - تحت مدیریت صالح الحکیم - این فعالیت‌ها نشان‌دهنده تمایل و ظرفیت مشارکت در ایجاد صلح از جانب روحانیون شیعه عراق است.

نتیجه

اگرچه نهاد دینی عراقی از سال ۲۰۰۳ مستقیماً به سیاست پرداخته‌اند، اما نمی‌توان مشارکت آنها را به‌عنوان ایجادکننده صلح در نظر گرفت. مشروعیت بخشیدن به گروه‌های شبه‌نظامی برای مقابله با داعش اگرچه به حفظ عراق کمک کرد، اما برخی از این گروه‌ها عامل نزاع فرقه‌ای در عراق پس از داعش هستند؛ بنابراین، اگرچه مشارکت روحانیون ممکن است خشونت را در یک موقعیت بحرانی تضعیف کرده باشد، اما ابزارهایی که از طریق آنها به دست می‌آید ممکن است ضد صلح پایدار باشد.

دستیابی به اجماع در مورد نقش روحانیون در امور مختلف ازجمله سیاست و فعالیت‌های اجتماعی دشوار است. درک درستی از نحوه شکل‌گیری یک مشارکت عمومی مشروع چه در میان خود روحانیون و چه نحوه ارتباط آن با مردمی ناراضی و سردرگم وجود ندارد. یکی از دلایل این امر این است که ساختار نهاد دینی نوآوری در اندیشه را به نخبگانی محدود می‌کند که به دلایل مختلف ممکن است با جامعه ارتباط نداشته باشند.^۱

^۱ <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/19502977.2021.1954753>

آیا آیت‌الله سیستانی آخرین چهره برجسته خواهند بود؟ چالش جانشینی و آینده مرجعیت

WILL SISTANI BE THE LAST LEGEND?

THE CHALLENGE OF SUCCESSION AND THE FUTURE OF THE MARJ'AIYYAH

THE MIDDLE EAST INSTITUTE

ABDULLAH F. ALREBH

SEPTEMBER 2021



نویسنده: عبدالله فیصل آل ربح،

عضو هیئت علمی گروه

جامعه‌شناسی دین و نظریه

اجتماعی در دانشگاه

گران‌دولی استیت

ترجمه: محمدباقر صداقت

محل نشر: موسسه خاورمیانه

تاریخ انتشار: سپتامبر ۲۰۲۱

زبان: انگلیسی

ماه گذشته «موسسه خاورمیانه»، اندیشکده شناخته‌شده و پرسابقه مستقر در واشنگتن، در مقاله‌ای به موضوع چالشی «آینده مرجعیت» در عراق و حوزه علمیه نجف پرداخت. ماهنامه «دین و بین‌الملل» با توجه به رسالت خود در بازتاب دیدگاه‌های اتاق‌های فکر و سیاست‌گذاری جهان پیرامون نهاد دین شیعه، گزیده‌ای نسبتاً مفصل از این مقاله را در ادامه تقدیم می‌کند. بدیهی است دیدگاه‌های مطرح در این مقاله از مواضع ماهنامه دین و بین‌الملل و دست‌اندرکاران آن نمایندگی نمی‌کند.

خلاصه

برای مسلمانان شیعه، بالاترین مقامات مذهبی به‌عنوان مرجع شناخته می‌شوند که به‌عنوان مرجع تقلید برای افراد معمولی عمل می‌کنند. مرجع، حق انحصاری صدور فتوا را دارد. از زمان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، آیت‌الله سید علی سیستانی در نجف به نقطه کانونی نه تنها برای شیعیان در عراق، بلکه برای کل منطقه تبدیل شد. [آیت‌الله] سیستانی در حال حاضر ۹۱ سال دارد و مسئله جانشین وی یکی از مسائل اصلی نه تنها برای شیعیان، بلکه برای کل خاورمیانه است. هدف این مقاله روشن ساختن آینده مرجعیت دینی در جهان شیعه بر اساس تغییر اجتناب‌ناپذیر پس از [آیت‌الله] سیستانی است.

مرجعیت دینی شیعه و مفهوم مرجعیت

شیعیان معتقدند که امامان دوازده‌گانه — امام علی و یازده امام از نسل وی — جانشینان و خلفای بعد از پیامبر هستند. در زمان غیبت امام دوازدهم، شیعیان عالمانی که دارای بالاترین سطح علمی — اعلمیت — هستند را جانشین امام غایب می‌دانند. در نتیجه روحانیت نزد شیعه در مقایسه با اهل سنت که به تعیین الهی حاکمان اعتقاد ندارند، نقش مهم‌تری دارد.

دو معیار مهم برای مرجعیت صلاحیت علمی ویژه (اعلمیت) و شخصیت بی‌عیب و نقص (عدالت) است. امروزه پایتخت اصلی شیعیان در نجف و پس از آن در قم است که مراجع هر دو شهر غالباً از ایران می‌باشند. اکثر شیعیان جهان

از مراجع این دو شهر تقلید می‌کنند و وجوهات شرعی خود را نیز به نمایندگان آنها پرداخت می‌کنند.

پیشینه تاریخی توسعه مرجعیت فراملی

لزوم پابندی به تقلید از مرجع تقلید اعلم منجر به تسلط علمای انگشت‌شماری بر فضای مذهبی شیعیان شد. از طرف دیگر این تسلط بر امور مذهبی شیعیان موجب ایجاد یک شبکه مالی استثنایی برای مرجع می‌شود که وجوهات شرعی را از سراسر جهان به سوی وی سرازیر می‌کند. این شبکه مالی به نوبه خود باعث جذب بیشتر طلاب به شبکه وی و در ادامه و پس از بازگشت طلاب به شهرهای خود باعث جذب مقلدین برای وی می‌شود. بدون وجود شرط اعلیت دستیابی به چنین سطح نفوذی برای روحانیت شیعه دشوار است.

آغاز قرن بیستم و نقش مرجعیت اعلی در اعتراض به حق انحصاری تنباکو برای انگلیسی‌ها در ایران، انقلاب مشروطه در ایران و انتفاضه عراق در سال ۱۹۲۰ نقطه عطفی برای نقش سیاسی مراجع شیعی فراملی بود به نحوی که نقش سیاسی بیشتری نسبت به پاپ کاتولیک به ایشان بخشید.

بنابراین، سه عامل اصلی در ظهور مرجعیت فراملی وجود دارد:

۱. مفهوم اعلیت و لزوم پیروی از مجتهد اعلم
۲. نقش سیاسی فراملی در دولت-ملت‌های ایران و عراق
۳. موج جدید فارغ‌التحصیلان بیشمار حوزه علمیه نجف

از آنجایی که تشخیص علمیت برای عموم شیعیان کار دشواری است آنها به متخصصان مراجعه می‌کنند و با توجه به مشخص نبودن دقیق معیار علمیت غالباً متخصصان شخصیت مطرح مدرسه فکری خود را به عنوان اعلم معرفی می‌کنند. لذا تبدیل شدن به مرجع در بسیاری از موارد بیشتر نیازمند یک شبکه ارتباطات اجتماعی و یک شبکه مالی است.

رابطه افرادی که در شبکه یک مرجع تقلید فراملی فعالیت می‌کنند به نوعی یک همسفرگی است. و کیلان و نمایندگان مرجع تقلید مشروعیت و محبوبیت خود را مرجع کسب می‌کنند و از طرف دیگر اطرافیان و مردم خود را به تبعیت از مرجع تقلید ترغیب می‌کنند.

شاهان قاجار و پهلوی برای مقابله و کاهش اقتدار حوزه علمیه قم، جایگاه عالمان حوزه علمیه نجف را تقویت می‌کردند. شاهان ایرانی غالباً به حمایت از حوزه نجف می‌پرداختند و یک مرجع تقلید خارج از کشور را بر یک مرجع تقلید بومی ترجیح می‌دادند.

مرجعیت اعلی	دوره زندگی	ملیت	پایگاه حوزوی
شیخ مرتضی انصاری	۱۸۰۰-۱۸۶۴	ایرانی	نجف، عراق
سید محمدحسن شیرازی	۱۸۱۵-۱۸۹۵	ایرانی	نجف، عراق
شیخ محمد کاظم خراسانی	۱۸۳۹-۱۹۱۱	ایرانی	نجف، عراق
سید محمد کاظم یزدی	۱۸۳۱-۱۹۱۹	ایرانی	نجف، عراق
شیخ محمدحسین نائینی	۱۸۶۰-۱۹۳۶	ایرانی	نجف، عراق

سید ابوالحسن موسوی اصفهانی	۱۸۶۱-۱۹۴۶	ایرانی	نجف، عراق
سید حسین بروجردی	۱۸۷۵-۱۹۶۱	ایرانی	قم، ایران
سید محسن حکیم	۱۸۸۹-۱۹۷۰	عراقی	نجف، عراق
سید ابوالقاسم خویی	۱۸۹۹-۱۹۹۲	ایرانی	نجف، عراق
سید علی سیستانی	۱۹۳۰-	ایرانی	نجف، عراق

پس از انقلاب ۱۹۷۹ در ایران، روابط خارجی ایران از جمله حمایت از عالمان نجف نیز تغییر کرد. موضع‌گیری منفعلانه علمای نجف نه از سوی عراق و نه از سوی ایران مورد استقبال قرار نگرفت و موجب شد پیوندی که سابقاً بین شاهان ایرانی و مراجع نجف بود گسسته شود. این روند تا فروپاشی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ ادامه یافت.

ظهور آیت‌الله سید علی سیستانی

[آیت‌الله] سید علی سیستانی شاگرد سه مرجع سابق، بروجردی، حکیم و خوئی بود. او شاگرد بسیار نزدیک آیت‌الله خوئی بود که نماز میت را بر وی اقامه کرد که این نشان‌دهنده جایگاه ویژه وی نزد اطرافیان خوئی بود که البته تنها دلیل رسیدن وی به جایگاه کنونی وی نبود. از جمله می‌توان به اعدام سید محمد باقر صدر، مجتهد جوان و خلاق حوزه نجف و همچنین مهاجرت شاگردان آیت‌الله خوئی از جمله سید محمد روحانی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و محمد صادق روحانی به ایران اشاره کرد.

پس از فوت آیت‌الله خوئی، [آیت‌الله] سید علی سیستانی تنها نزدیک‌ترین مرید مرجع اعلی بود که در سال ۱۹۹۳ پس از فوت آیت‌الله سبزواری به مرجعیت تقلید رسید. مرجعیت او با حمایت بنیاد خیریه امام خوئی که توسط فرزندان وی اداره می‌شد همراه شد و فرزندان آیت‌الله خوئی با وی به‌عنوان مرجع تقلید جدید بیعت کردند. امری که یک حمایت بسیار قوی از مرجعیت اعلی وی به شمار می‌آمد. پس از فوت آیت‌الله گلپایگانی و پس از ایشان آیت‌الله اراکی، آیت‌الله سیستانی به تدریج به‌عنوان مرجع تقلید اعلی شیعیان شناخته شد.

مرجعیت پس از ۲۰۰۳

از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تا حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، موقعیت مرجعیت اعلی بر امور مذهبی متمرکز بود و نقش بسیار محدودی در حوزه سیاسی داشت. در آن دوره، مقام معظم رهبری در تهران یک شبکه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قوی در سراسر جهان ایجاد کرد که در خدمت دستور کار جمهوری اسلامی بود. موسسه خیریه امام خوئی که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد، رقیبی برای شبکه ایرانی نبود. این سازمان سنتی واقع در لندن و دارای ۱۵ شعبه در برخی از مهم‌ترین شهرهای جهان، به وظایف آموزشی خیریه و تبلیغی که از لحاظ تاریخی با مرجعیت در نجف مرتبط است، توجه دارد. آنها در حال حاضر از [آیت‌الله] سیستانی به‌عنوان مرجع خود پیروی می‌کنند.

فروپاشی رژیم بعث عراق نقطه عطفی در خاورمیانه بود که بر مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این منطقه تأثیر گذاشت. مرجعیت با چالش‌های

جدید و انتظارات زیادی از عراقی‌هایی که تازه از دیکتاتوری‌های یافته و با حمله خارجی درگیر شده بودند، روبرو شد.

در این مرحله، منش مرجعیت از تمرکز بر استمرار بقا در زمان رژیم بعثی بغداد به نظارت بر ساحت سیاسی عراق و دخالت در بحرانی‌ترین شرایط تغییر کرد. از طرف دیگر سیاسیون نیز که از جایگاه مرجعیت نزد شیعیان و مقلدین وی آگاه بودند از توصیه‌های مرجعیت استقبال می‌کردند. [آیت‌الله] سیستانی اما به جای الگوگیری از نظریه ولایت فقیه، بیشتر به‌عنوان یک رهبر محتاط و پراگماتیک به ساحت سیاسی نزدیک می‌شد. این امر نشان‌دهنده دیدگاه وی درباره مرجعیت به‌عنوان یک مقام مذهبی، در برابر جایگاه سیاسی رهبری بود. علاوه بر این دخالت بیشتر وی در سیاست باعث به وجود آمدن دو چالش برای وی می‌شد:

۱- درگیر شدن در صحنه سیاسی کشورهای که دارای جمعیت قابل توجه شیعیان هستند، به مثابه مرجعی فراملی؛

۲- با چالش مواجه شدن موقعیت وی به‌عنوان مرجع اعلی شیعیان در پی ایفای نقش انفعالی در ساحت سیاسی.

در برابر چنین ایفای نقشی، سیستانی اقدام به تأسیس دکترین جدیدی کرد که نقش او را در عراق به‌عنوان کشور میزبان و در قالب استفاده از قدرت خود و در خارج از عراق به‌عنوان مرجع اعلی شیعیان در عدم دخالت در امور سیاسی آنها تقویت کند.

آیت‌الله سیستانی و مسئله جانشینی

بر اساس پیشینه تاریخی ارائه شده در بالا، دستیابی به مرجعیت اعلی و فراملی نجف کار آسانی نیست. جانشینی مستلزم عوامل زیادی فراتر از دانش دینی است. شبکه قوی طلاب و روحانیون حتی مهم‌تر از اعلمیتی است که معمولاً توسط متخصصانی که مجتهد هستند یا در شرف مجتهد شدن هستند تعیین می‌شود. آن متخصصان عموماً از اساتید خود و مرجع‌هایی که قبلاً با آنها رابطه خوب و از ایشان وکالت دارند حمایت می‌کنند.

مهم‌ترین گام برای تبدیل شدن به یک مرجع فراملی، بیعت مراکز فراملی وابسته به مرجع اعلی سابق است. بنیاد خیریه امام خوئی در اساسنامه خود ذکر کرده که پس از آیت‌الله خوئی با مرجعیتی که تأیید سه‌چهارم اعضای آن را داشته باشد بیعت خواهد کرد که پس از آیت‌الله خوئی با آیت‌الله سیستانی بیعت کردند. گرچه روایتی مبنی بر بیعت این بنیاد با آیت‌الله گلپایگانی وجود دارد که با توجه به امتناع مسئولین بنیاد امام خوئی با در اختیار قرار دادن امور به آیت‌الله گلپایگانی منتفی گشت.

رسیدن آیت‌الله سیستانی به مرجعیت اعلی تنها به سبب بیعت بنیاد خوئی با وی نبود. بنیادی که تحت پوشش سیستانی وجوهات شرعی را جمع‌آوری می‌کند و بدون اینکه به وی اختیارات واقعی بدهند آن را مدیریت می‌کنند. زمانی که سیستانی مرجعیت خود را در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد سید جواد شهرستانی داماد وی از قبل چهره بانفوذی در قم بود. نفوذ وی شبکه لازم برای تبلیغ آیت‌الله

سیستانی تحت فعالیت‌های مؤسسه «آل‌البیت لاحیاء التراث» در ایران را فراهم می‌کرد. شهرستانی بر دفتر مرجعیت با ۲۵ مرکز در سراسر جهان نظارت می‌کند. دفتر سیستانی دو مرکز امام علی در لندن و امام مهدی در امریکا را تحت مدیریت سید مرتضی کشمیری داماد سیستانی و برادرش سید محمد باقر کشمیری تأسیس کرده‌اند که این مراکز قوی‌تر از بنیاد امام خوئی هستند و مرجع آینده باید از این مراکز بیعت بگیرد.

مرجع جدید در عراق بی‌طرفی سیستانی در سیاست را نیز به ارث خواهد بود. باید دارای محبوبیت لازم نزد شیعیان باشد تا بتواند بر سیاستمداران تأثیرگذار باشد و باید مستقل باشد به نحوی که به حمایت سیاسیون نیازی نداشته باشد. مرکزیت مرجعیت نزد یک مرجع فراملی می‌تواند موجب نگرانی شدید در بین کشورهای که دارای جمعیت شیعی هستند شود. لذا کشورهای همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهان ایجاد یک مرجعیت بومی برای جمعیت شیعه خود هستند.

جانشینان احتمالی و چالش‌های موجود

مهم‌ترین نقش را دفتر سیستانی در نجف دارد که با مراکز وابسته به مرجعیت در خارج از عراق هماهنگ است. هم از نظر سنی و هم از نظر وابستگی به بیوتات علمای نجف، شیخ محمدباقر ایروانی، شیخ حسن جواهری و شیخ هادی آل‌راضی در موقعیت مناسبی قرار دارند تا مرجع اعلیٰ بعدی باشند که البته به حمایت دفتر آیت‌الله سیستانی نیاز خواهند داشت.

از نظر علمیت، فیاض یک نامزد قوی است. حمایت دفتر سیستمی از ایروانی، جواهری یا آل راضی ثبات بیشتری به مرجعیت می‌بخشد، زیرا همه آنها در اوایل ۷۰ سالگی خود هستند. آنها به احتمال زیاد ۱۰ تا ۲۰ سال مرجع‌علی خواهند ماند که ممکن است به آنها فرصت دهد تا شبکه گسترده‌ای از افراد وابسته را در کنار خود ایجاد کنند. حمایت از شیخ اسحاق الفیاض یا شیخ بشیر نجفی، مرجع پاکستانی، ممکن است این موقعیت را به دلیل سن آنها که خیلی کمتر از خود سیستمی نیست به خطر بیندازد. علاوه بر این، پیشینه قومی الفیاض و نجفی به نفع آنها نیست. تقریباً همه مراجع‌علی سابق ایرانی بودند.

یکی از نمایندگان آیت‌الله سیستمی در عربستان سعودی گفت ممکن است برخی از مجتهدین برجسته قم به نجف بروند تا خود را برای جانشینی سیستمی آماده کنند. ایروانی، جواهری، آل رضی و السند پس از سرنگونی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ به نجف نقل مکان کردند تا خود را به عنوان اساتید برجسته سطح خارج معرفی کنند. با این حال احتمال موفق شدن شخصیت‌های جدید در رسیدن به مرجعیت با توجه به نداشتن شبکه لازم کمتر است.

نتیجه

مؤثرترین بازیگر در شکل‌گیری مرجعیت جدید دفتر مرجعیت‌علی فعلی می‌باشند که می‌توانند شبکه مالی، سیاسی و اجتماعی خود را در اختیار مرجع جدید قرار دهند.

از همین رو اگر اختلافی در مدیران مراکز وابسته به مرجعیت در پی انتخاب مرجع جدید رخ دهد ممکن است موجب ایجاد تفرقه و تشتت در بین شیعیان و در نتیجه تضعیف موقعیت آنها شود.

با این وجود همچنان اعلیت یک معیار اصلی برای انتخاب مرجع بعدی خواهد بود. اگر چه سیستمی تنها دو سال بعد از فوت آیت‌الله خوئی به مرجع فراملی تبدیل شد اما بنا به گفته یکی از اعضای دفتر آیت‌الله سیستمی جانشین جدید آیت‌الله سیستمی به حداقل ۷ تا ۱۰ سال زمان برای رسیدن به این جایگاه نیاز خواهد داشت.

علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی نیز می‌تواند روند انتخاب مرجع اعلی جدید را تحت تأثیر قرار دهد. شرایط عراق با زمانی که آیت‌الله سیستمی برای مرجعیت با سید محمد صدر رقابت می‌کرد پیچیده‌تر شده است.

نویسنده استدلال می‌کند که متغیر کلیدی برای رسیدن یک مجتهد به مرجعیت اعلی بنیادهای خیریه فراملیتی (بنیاد خوئی، موسسه آل‌البیت و بنیاد امام علی و امام مهدی در اروپا و آمریکای شمالی) است که تحت مدیریت وکیل [آیت‌الله] سیستمی هستند. اگر مدیران این بنیادها تصمیم بگیرند با یک شخصیت بیعت کنند، نمی‌توان متصور شد که شخص دیگری غیر از وی تبدیل به مرجع بزرگ بعدی شود.

گزارش نشست پیاده‌روی اربعین؛ از مناسک مذهبی تا مناسک هویتی (با نگاهی به مناسبات دوییت شیعی ایران و عراق)

نشست راهبردی میز عراق و شامات اندیشکده مرصاد با عنوان «پیاده‌روی اربعین؛ از مناسک مذهبی تا مناسک هویتی (با نگاهی به مناسبات دوییت شیعی ایران و عراق)» با ارائه دکتر هادی معصومی زارع، مدیر میز عراق و شامات، روز شنبه ۳ مهرماه ۱۴۰۰ در محل اندیشکده حوزوی مرصاد برگزار شد. متن حاضر، گزیده مطالبی است که در این نشست ارائه شده است.

مقدمه^۱

در ایام اربعین هستیم؛ پدیده‌ای عمدتاً عراقی که ما ایرانی‌ها شاید در حدود ده سال اخیر با آن آشنا شدیم به‌ویژه از زمان ظهور شبکه‌های مجازی و رسانه‌های مدرن و موبایل‌های هوشمند بدین سو. از این زمان ما با پدیده اربعین مواجه شدیم و تبدیل به یک مسئله و یک موضوع پراهمیت دینی برای ما در ایران شد. در هر دو بعد نظری و عملی! بینشی و کنشی!

۱ این محتوا، نخستین بار در نشست مدیران ارشد دستگاه‌های مسئول حوزه اربعین در دبیرخانه کنفرانس امنیتی تهران در خردادماه ۱۳۹۸ و به صورت بسته ارائه شده است.

اگرچه اربعین پدیده‌ای است که قدمتش به دوره امامان معصوم، دوره بنی‌امیه و به دوره بنی‌عباس برمی‌گردد. با این حال اما واقعیت این است که آیین اربعین در شکل امروزی آن بیشتر شاید در حدود قرن دوازدهم هجری به‌ویژه توسط محدث نوری احیاء می‌شود و از آن دوره به بعد این به‌عنوان یک کنش مذهبی دنبال شده است.

با این حال، طبیعت این پیاده‌روی از بدو آغاز تاکنون تحول و تفاوت داشته است که می‌توان ماهیت آن را بر اساس ادوار مختلف و تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه عراق در چند دوره زمانی دسته‌بندی کرد:

- ۱- از نخستین اربعین جابر انصاری تا روی کار آمدن حزب بعث
- ۲- از روی کار آمدن حزب بعث تا سال ۲۰۰۳ و زوال نظام صدام
- ۳- از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ و هجوم داعش به مناطق سنی‌نشین عراق
- ۴- از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۷
- ۵- از سال ۲۰۱۷ تاکنون

ادوارشناسی پیاده‌روی اربعین و دلالت‌های اجتماعی-سیاسی آن در هر دوره

الف) از نخستین اربعین جابر انصاری تا روی کار آمدن حزب بعث: منسک مذهبی به قصد ثواب و تقرب

در دوره نخست یعنی از نخستین اربعین جابر انصاری تا روی کار آمدن حزب بعث پیاده‌روی اربعین همیشه به‌عنوان یک منسک مذهبی به قصد ثواب

و تقرب مطرح بوده است. یک کنش مذهبی بوده یک کردار برآمده از بینش و باور بوده با هدف ارتباط با امر مقدس که همان ذات مقدس سیدالشهدا باشد به قصد ثواب و تقرب به حضرت. در نتیجه در این دوره پیاده‌روی اربعین چندان کارکرد اجتماعی و سیاسی در این دوره ندارد. هر چه هست ثواب هست و تقرب. اگرچه در دوره بنی‌امیه و در دوره بنی‌عباس گاهی جلوه‌های سیاسی هم به خودش می‌گیرد اما واقعیت این است که در قالب یک کنش جمعی و اجتماعی و سیاسی هیچ‌وقت متبلور نشده هر چه هست بسیار ضعیف و فردی هست.

ب) از روی کار آمدن حزب بعث تا سال ۲۰۰۳ و زوال نظام صدام: منسک هویتی به قصد نمایش اعتراض در برابر نظام بعث و صدام

اما از زمان روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ به‌ویژه از سال ۱۹۶۹ یعنی یک سال بعد از روی کار آمدن حزب بعث عراق به این سمت و با اعمال فشار بر روی توده‌های مردم و ممنوعیت راهپیمایی اربعین و رفتار نسبتاً خشن بعثی‌ها در برابر هیئات مذهبی رفته‌رفته راهپیمایی اربعین یک بُعد هویتی به خودش می‌گیرد. به‌طور معین اربعین سال ۱۹۷۷ (انتفاضه پانزده صفر ۱۹۷۷) یک نقطه عطف در هویتی شدن و سیاسی شدن اربعین هست و با گذار از آن بُعد مذهبی و قصد تقرب به‌نوعی کنش اعتراضی علیه حکومت تبدیل می‌شود. کافی است به شعارهایی که در آن اربعین بر پرچم‌ها و بیرق‌ها نوشته توجه کنیم. بر پرچم بزرگ اصلی راهپیمایان در آنجا آیه (نصرٌ من الله و فتحٌ قریب) نوشته شده یا پرچم بزرگ معروف «بسم الله الرحمن الرحیم ید الله فوق ایدیهم صدق الله العلی العظیم» را در پیشاپیش عزاداران مسیر نجف به کربلا می‌بینیم. هر دو آیه

در چنان زمینه‌ای، بسیار سیاسی و بی‌سابقه به شمار می‌آیند و طبیعتاً به‌منظور نفی حاکمیت حزب بعث بر سر دست مردم بلند شده است. درحالی‌که در سال‌های قبل چنین پرچم‌ها و شعارهایی دیده نمی‌شود. باز شعارها را اگر نگاه کنید می‌بینید که مردم شعارهای سیاسی می‌دهند برای نمونه شعارهایی همچون (صدام گله للبکر... تری حسین منعوفه) (یصدام شیل آیدک... هذا الشعب میریدک) (هالله هالله حسین وینه... بالسلاح مطوقینه) (هالله هالله حسین وینه... بالرصاص مهدینه) در صدر فریادهای مردم است. این انتفاضه به‌شدت سرکوب می‌شود اعدام‌هایی اتفاق می‌افتد افرادی بازداشت می‌شود احکام اعدام غیابی علیه علما صادر می‌شود و تا سال ۲۰۰۳ به دلیل این سرکوب شدیدی که اتفاق می‌افتد پیاده‌روی اربعین حالت زیرزمینی به خودش می‌گیرد. بیشتر از همان مسیری که به طریق العلماء شهرت پیدا کرده است. در همین دوره باز شما رگه‌های سیاسی بودن و اعتراضی بودن پیاده‌روی اربعین را می‌دیدید؛ یعنی بسیاری از افراد با علم به اینکه امکان کشته شدن و امکان بازداشت و دستگیری را دارند این مسیر را می‌روند اما نه صرفاً به انگیزه ثواب. انگیزه زنده نگه داشتن راهپیمایی مذهبی که حالا و در این دوره نماد اعتراض به حاکمیت و قوام‌بخش هویت جامعه شیعی شده است.

ج) از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ و هجوم داعش به مناطق سنی‌نشین عراق:

تحول و ارتقا به منسک هویتی به قصد نمایش و اثبات اکثریت‌بودگی

از سال ۲۰۰۳ به بعد و با سقوط صدام، مراسم اربعین بسیار باشکوه برگزار شد. جامعه شیعی در سال‌های حکومت بعث همچون فتری فشرده شده بود که با

رفتن این حزب، حالا تمام پتانسیل و ظرفیت مناسکی خود را آزادانه و بدون هیچ مشکلی را تخلیه می‌کرد. با این حال بررسی‌ها و تجارب مستقیم نشان‌دهنده آن است که در این دوره ۱۱ ساله، پیاده‌روی اربعین در کنار آن بُعد مذهبی بودن و تقریبی بودن و به قصد ثواب انجام شدن، هم‌زمان نمایش حضور و قدرت‌نمایی شیعیان در برابر فشارهایی است که در یک محیط امنیتی و طایفه‌گرایانه داخلی و منطقه‌ای، از سوی محور معارض علیه نظم تازه تأسیس دموکراتیک عراق دارد وارد می‌آید. در این دوره به‌ویژه سال‌های ابتدایی، از سوئی اکثریت‌بودگی جامعه شیعه عراق توسط قطب‌های مقابل مورد تردید و حتی انکار قرار می‌گیرد و از طرف دیگر نظم دموکراتیک که زمینه‌ساز مشارکت شیعیان در ساختار سیاسی نوپدید بود به‌شدت از سوی قدرت‌های عربی منطقه و جهادگرایان سلفی مورد حمله قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود عراق به نظم پیشینی بازگردد که برجسته‌ترین شاخصه آن حاکمیت اقلیت است. در چنین شرایطی جامعه شیعه عراق، راهی ندارد جز اینکه اکثریت‌بودگی خودش را از طریق کارناوال‌ها و پیاده‌روی‌هایی همچون اربعین اثبات کند. اگر یادتان باشد در همان دوره آقای قرضاوی یک سخنرانی داشت و در آن به‌صراحت اکثریت‌بودگی جامعه شیعه را انکار می‌کند و تأکید دارد که اتفاقاً این اهل سنت هستند که ۸۰ درصد جامعه عراق را تشکیل می‌دهند. در آن دوره گزارش‌ها و مقالات فراوانی نوشته شد تا اثبات کند که اتفاقاً شیعه‌ها اقلیت هستند و اکثریت از آن اهل سنت است یا اکثریت‌بودگی شیعیان بسیار شکننده است. در جامعه‌ای که سرشماری مبتنی بر مذهب و قومیت شکل نمی‌گیرد و اکثریت‌بودگی جامعه شیعی انکار می‌شود، این جامعه چاره‌ای

ندارد جز آنکه اکثریت‌بودگی خود را از طریق حضور در این کارناوال‌ها و پیاده‌روی‌های مذهبی نشان بدهد. از قضا اگر در همان دوره به بیانات و گفته‌های رهبران مذهبی و سیاسی توجه شود، تشویق مکرر مردم به شرکت در راه‌پیمایی‌های اربعین فراوان دیده می‌شود که برآمده از همین منطق است.

(د) از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۷: منسک هویتی به قصد نمایش مقاومت و

ایستادگی

از میانه‌های سال ۲۰۱۴ بدین سو شاهد تحولی مهم هستیم. هجوم داعش به مناطق سنی‌نشین عراق و ساقط شدن این مناطق در مدت‌زمان بسیار کوتاه و تهدید بغداد و مناطق شیعه‌نشین جنوب! این تحول چیزی در حدود کمتر از چهار ماه پیش از محرم و شش ماه قبل از اربعین بود. در این شرایط جامعه شیعی عراق و فراتر از آن بیت شیعی در تمام منطقه خود را با یک تهدید بسیار بسیار کم‌سابقه مواجه می‌بیند. تهدیدی چندین برابر جدی‌تر و سنگین‌تر از تمام تهدیدات سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴. نیروهای داعش از شمال بغداد تا طارمیه و مشیرفیه و مشاهده پیشروی کرده بودند. از غرب تا نزدیک ابوغریب آمده بودند و کرمه و صقلاویه سقوط کرده بود. در جنوب جرف‌الصخر سقوط کرده بود. عملاً بغداد از سه طرف در حالت شبه محاصره قرار داشت. در نتیجه بی‌سابقه‌ترین تهدید بعد از زمان سقوط صدا، متوجه جامعه شیعی شده بود. در نتیجه این تحولات، شاید اغراق نباشد اگر بگوییم بی‌سابقه‌ترین راه‌پیمایی اربعین در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد. تجربه نشان داد که جامعه شیعی هرچقدر بیشتر مورد تهدید قرار می‌گیرد از فرصت‌های مناسکی برای ابراز وجود و مانور قدرت بهتر بهره می‌برد. نکته‌ای

که هست این هست که اگرچه در این دوره باز هم راهپیمایی اربعین مثل دوره قبل و دوره قبلش و دوره قبل‌ترش یعنی مثل دوره بعث و مثل دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴، بعد هویت‌اش غالب است بر بعد مذهبی و مناسکی صِرفش؛ اما اینجا برخلاف دوره قبل که نمایش، نمایش حضور هست اینجا نمایش، نمایش مقاومت و ایستادگی است. در این سال دیگر اکثریت بودگی شیعیان مورد پذیرش عملی و دوفاکتوی طرف مقابل قرار گرفته و نمایش اکثریت بودگی دیگر پس از برگزاری ۱۱ راهپیمایی سنگین اربعین و لااقل ۵ انتخابات ملی و روشن شدن وزن هر طرف، تقریباً سالبه به انتفای موضوع شده است.

در نتیجه از سال ۲۰۱۴ بدین سو، راهپیمایی اربعین تبدیل می‌شود به نمایش مقاومت بیت شیعی عراق که از قضا بُعد هویتی‌اش چندین بار نسبت به دوره قبلی نیز پررنگ‌تر است. دوستانی که در این سه سال در اربعین حضور داشتند می‌دانند که من چه می‌گویم. می‌دیدند که چقدر این هویت شیعی در برابر هویت مهاجم پررنگ شده بود. در نتیجه شاید بتوان ادعا کرد که سیاسی‌ترین و اجتماعی‌ترین اربعین تاریخ تشیع در این دوره سه‌ساله اتفاق افتاد.

ها) از سال ۲۰۱۷ تاکنون: شمارش معکوس تحول به منسک مذهبی با زوال تهدیدهای سه‌گانه بعث، جهادگرایان و محور عربی

با این تفسیر ما به سال ۲۰۱۷ می‌رسیم. ۲۰۱۷ از دو جهت اهمیت دارد. نخست آنکه سال پایان کار داعش در عراق و سوریه است و تهدید جهادگرایان سلفی در فاز نظامی‌اش زایل شده است. دوم آنکه از دو سال قبل یعنی از سال

۲۰۱۵ بدین سو عراق وارد دور جدیدی از تعاملات و مناسبات سیاسی در درون عراق و با همسایگان می‌شود و رسماً عراق نقطه عطف جدیدی را تجربه می‌کند. در درون نخبگان اهل سنت متوجه اشتباه محاسباتی خود و خسارت‌های سنگینی که از روی کار آمدن داعش در مناطق خود متحمل شدند، شده و رویکرد تساهل‌گرایانه‌تری را نسبت به دولت مرکزی عراق دنبال می‌کنند و سعی می‌کنند ادبیات دینی و سیاسی خود را تا اندازه‌ای تصحیح کنند. در این فضا تهدید حزب بعث و داعش به حداقلی‌ترین و نازل‌ترین سطح خود از سال ۲۰۰۳ بدین سو رسیده است.

در سطح منطقه‌ای نیز کشورهای عربی هم‌جوار عراق با درک اشتباه راهبردی خود در دامن زدن به منازعه مذهبی در عراق و نقش آن در گرایش بیشتر و لاجرم عراق به جمهوری اسلامی ایران، راهبرد گشایش در قبال این کشور را در پیش گرفته و همچون سال‌های دهه هفتاد و هشتاد میلادی از دروازه قومیت و عربیت وارد عراق می‌شوند. در نتیجه در ویتترین و در ظاهر ناسازگاری و کج خلقی محور عربی با عراق نیز پایان می‌پذیرد.^۱ در نتیجه در این دوره هر سه تهدید بعث، داعش و محور عربی به نازل‌ترین سطح خود و بلکه گاه حتی به دوستی مبدل می‌شود.

۱ جهت اطلاع بیشتر در خصوص تحول استراتژی کشورهای عربی در قبال عراق خلال سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ ر.ک: هادی معصومی زارع، وضعیت شناسی آینده سیاسی شیعیان در عراق پس‌داعش، اندیشکده مرصاد، مردادماه ۱۳۹۷.

به موازات این، ما شاهد بازگشت نظامی امریکا به عراق تحت پوشش مبارزه با داعش هستیم که روشن است چنین حضوری تبعات و فشارهای خود را بر دولت عراق به دنبال داشت. نیز باز در همین دوره شاهد روآمدن پیامدها و نتایج چرخه معیوب دموکراسی-کارآمدی در جامعه قبیله‌ای و قومیتی عراق هستیم که در یک کلمه می‌توان آن را خلق دولت ناتوان عنوان کرد که توان تأمین نیازها و خدمات لازم برای شهروندان را نداشته و این ناتوانی به‌طور طبیعی به اسم اسلام‌گرایان عراقی نوشته می‌شود که رابطه نسبتاً خوبی با ج‌ا دارند و در نتیجه خوبی یا بدی‌شان به پای جمهوری اسلامی گذاشته می‌شود.

درمجموع با رخ دادن اتفاقات یادشده، رفته‌رفته این کنش اجتماعی مجدداً از آن بُعد هویتی خود به بُعد مذهبی و منسکی صرف گذار کرده و به خویشتن خویش بازمی‌گردد. در حقیقت از پیش نیز، این یک منسک مذهبی بود که در یک دوره بیش از چهار دهه و به دلیل تهدیدهای سه‌گانه متوالی بُعد هویتی به خود گرفته بود.

تهدید پیش رو: ایران به مثابه «دگر هویتی» شیعیان عراق

اگرچه گذار یادشده طبیعی است اما مسئله اینجا هست که طبیعتاً این تحول یا این تنزل از آن بُعد هویتی به بُعد مذهبی نمی‌تواند دفعی اتفاق بیفتد یعنی جامعه‌ای که چهل سال این راهپیمایی را با آن بعد هویتی جلو برده طبیعتاً نمی‌تواند به‌طور ناگهانی به منسک صرفاً مذهبی انتقال یابد. طبیعی هست که این نیاز به زمان خواهد داشت. در مباحث مربوط به هویت، یکی از بحث‌های

پردامنه آن است که اساساً مؤلفه‌های اصلی تعیین‌کننده هویت چه هست؟ تقریباً وجود «دگر» یکی از ارکان اصلی تحدید هویت در تمام یا غالب نظریات هویت است. اگر دگر نباشد هویت یک جامعه، قوم و... به خوبی مشخص و فهم نمی‌شود.

هویت انسان شیعی عراقی نیز از این مقوله مستثنا نیست. با این حال باید توجه کرد که به طرز آشکار و روشنی، از زمان حزب بعث به این سمت، هویت اعضای این جامعه با «دگر متخاصم» پیوند خورده بود. نه دگر رقیب یا حتی صرفاً متمایز و متفاوت! مسئله درست همین جاست. هویتی که چهل سال با دگر متخاصم خودش را تعریف کرده، نمی‌تواند به‌طور ناگهانی و بدون طی یک مرحله گذار خودش را بدون تعریف یک هویت متخاصم یا لااقل رقیب، فهم و عرضه کند. در حقیقت انتقال از «دگر متخاصم» به «دگر متمایز» لااقل مستلزم یک دوره گذار تدریجی است که آن هویت معین خود را لااقل با «دگر رقیب» فهم و بالانس کند.

نگرانی من از سال ۲۰۱۷ بدین سو این بود که با توجه به شرایط یادشده و با توجه به گشایش عربی یادشده و با توجه به تقلبات سیاسی و اجتماعی تاریخی در جامعه شیعی عراق و قدرت رسانه‌ای گسترده طرف‌های مخالف و همراهی و همسویی طیف‌هایی در احزاب سیاسی و نهاد دین در عراق، جامعه شیعی ایران به‌مثابه آن «دگر رقیب» یا حتی در شرایط بدتر به‌مثابه «دگر متخاصم» این جامعه تعریف شود. در همان سخنرانی سال ۱۳۹۶ در ابتدای‌ترین روزهای آخرین عملیات علیه داعش در القائم عراق تحت عنوان «وضعیت شناسی آینده سیاسی

شیعیان در عراق پسداداش»^۱ به پنج زمینه تاریخی و فکری رقابتی-خصوصی میان دو بیت شیعی ایران و عراق اشاره کردم که بد نیست دوباره به آن‌ها توجه بدهم:

۱. تقدم حوزه عراق (نجف، حله، کربلا و سامرا و بغداد) بر حوزه قم

(به‌ویژه دوگانه مرجعیت عربی و مرجعیت فارسی)

۲. تقدم تشیع (مزارات مقدسه، حوزه علمیه و کانونیت خلافت دو امام

در کوفه و...) در عراق بر تشیع در ایران

۳. عصیت عربی

۴. تجربه تلخ جنگ هشت‌ساله

۵. روحیه پراگماتیستی سیاستمداران و نخبگان عراقی (تغییر موضع‌های

مکرر با هدف حفظ موازنه)

برنده جنگ بر سر کسب بیت شیعی در عراق کسی خواهد بود که بتواند آن دگر متخاصم یا رقیب را در یک بازه زمانی دیگر تعریف کند. متأسفانه مشکل اینجا این هست که ما به‌عنوان ایران یا بیت شیعی ایران به دلایل پنج‌گانه فوق کماکان، مستعدترین جامعه برای تبدیل‌شدن به یک دگر متخاصم برای تحدید مرزهای هویتی بیت شیعی عراق هستیم. معضلی که نیازمند درانداختن طرحی هوشمندانه و ظریف است؛ فارغ از هیاهوهای رایج!

۱ رک: هادی معصومی زارع، وضعیت‌شناسی آینده سیاسی شیعیان در عراق پسداداش، اندیشکده مرصاد، مردادماه ۱۳۹۷.

راهبرد دوستونی مواجهه: اقتصاد سیاسی و احیای مستمر «دگر غیر شیعی-غیر ایرانی» در ادراک انسان شیعی عراقی

در چنین فضایی چه می‌شود کرد؟ چه می‌توان کرد تا مانع از تبدیل دگر متخاصم یا رقیب برای جامعه شیعی عراق شد! باز اینجا باید به این مهم توجه داشت که اساساً کشش بیت شیعی عراق به سمت ما خلال دو دهه گذشته، بیش از اینکه محصول جذابیت ما باشد، بیشتر محصول تهدید طرف مقابل و اضطراب بیت شیعی عراق بوده است. آنها ناچار بودند. به ما نیاز داشتند. امروز آن نیاز تا اندازه زیادی مرتفع شده است یا آن‌ها این‌طور تصور می‌کنند.

در چنین فضایی دو گام اساسی برای نگهداشت بیت شیعی عراق و گرم نگه داشتن روابط فی‌مابین می‌بایست برداشت.

گام نخست در حوزه اقتصاد سیاسی و خلق شبکه معاش متقابل و تحکیم روابط اقتصادی میان دو ملت و دو دولت از جمله در حوزه اقتصاد اربعین هستیم. می‌بایست به اقتصاد سیاسی اربعین توجه داشت تا لااقل خود این مراسم و منسک بستری برای سوء استفاده جریان‌هایی برای تبدیل ایران به دگر متخاصم یا رقیب نشود و همچنین فشار مقطعی و سنگینی نیز به اقتصاد ضعیف عراق در این فضا وارد نیاید. من پیش از این در سال ۱۳۹۸ نیز اشاره داشتم که نیازمند توسعه جریان اقتصادی اربعین و خلق شبکه اقتصاد اربعین هستیم که البته این مهم می‌بایست در دل شبکه بزرگ‌تر اقتصاد سیاسی ایران و عراق تعریف شود. نیاز عینی و یا لااقل احساس نیاز در ملموس‌ترین و عینی‌ترین نیازهای زندگی یعنی تجارت و اقتصاد، نقش مهمی در ممانعت از واگرایی دو جامعه شیعی خواهد داشت. شما می‌توانید

یک ساختار اقتصادی سیاسی تعریف کنید که در فضای اربعین صرفاً مصرف‌کننده نباشید بلکه از بستر آن نفع اقتصادی نیز به هر دو جامعه به‌ویژه جامعه عراق برسد. طوری نباشد که یک فشاری یک‌طرفه به جامعه عراق بیاید.

گام دوم اما در حوزه ادراکی و روانی می‌بایست دنبال شود. در این حوزه می‌بایست به‌طور مستمر و خستگی‌ناپذیر تلاش شود تا آن «دگرشیعی-غیرایرانی» که به‌طور تاریخی تهدید عینی و واقعی برای جامعه شیعی عراق بوده به دست فراموشی سپرده نشود و مستمراً این تهدید حقیقی در ادراک ایشان احیا و بازخوانش شود. باید این را مستمراً در ادراک انسان شیعه عراقی دائماً زنده نگه داشت که نزدیک شدن طرف مقابل به شما، از باب دوستی نیست از باب این هست که پیوندهای شیعی را دچار گسل کند و شکافی بین دو امت شیعی در عراق و ایران ایجاد کند. بیشتر هم با هدف تضعیف بیت شیعه عراق تا ایران. این دو راهبرد کلان در کنار راهبردهای بخشی و تاکتیک‌ها و تکنیک‌های هم‌پوشان (که جای بحث از آن‌ها فرصت دیگری را می‌طلبد) می‌تواند نقشی اساسی در ممانعت از خلق خصم-رقیب‌پنداری ایران در آینه ادراک جامعه شیعی عراق ایفا کند.^۱

گزارش-نشست-اربعین-از-مناسک-مذهبی-تا-من-<https://mersadcss.com/products/>

تجزیه و تحلیل تطبیقی سه سازمان مسلمان سنی درباره اسلام معتدل، و افراطی، در مصر، مراکش و اندونزی

نویسنده: سرافتین پکتاش

ترجمه: حامد دهقانی فیروزآبادی

محل نشر: مجله «دین» انتشارات راتلج

تاریخ انتشار: ژانویه ۲۰۲۱

زبان: انگلیسی

تحقیقات نظری و تطبیقی اخیر در مورد بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله عربستان، امارات، قطر، مراکش، اردن، تونس، مصر، عمان، لبنان، ترکیه و اندونزی نشان می‌دهد که الگوی «اسلام رسمی/دولتی» بهترین تبیین را از تعامل پیچیده بین دین و سیاست در جهان اسلام اهل سنت پس از بهارهای عربی نشان می‌دهد. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از یکی از مقالات پیرامون این ادبیات علمی است که چندی پیش در مجله معتبر و شناخته‌شده «Religion» از انتشارات راتلج (دوره ۵۱، شماره ۲، ۲۰۲۱) چاپ شده است.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نتیجه مهم قیام‌های عربی ظهور مدل «اسلام رسمی» یا «اسلام دولتی» بوده است. در این مدل، دولت با اختصاص سرمایه مالی و سیاسی، قدرت نهادی و یا حمایت اخلاقی به یک یا چند سازمان دینی، کنترل خود را بر حوزه دین تشدید می‌کند. دولت همچنین سعی می‌کند زمینه‌های مذهبی

را از طریق تکنیک‌های مختلف بوروکراتیزاسیون، استانداردسازی و بررسی دقیق تنظیم کند. به نوبه خود، این نهادهای مذهبی به دنبال محدود کردن تأثیر و گسترش گفتمان‌ها یا بسیج‌های مذهبی جایگزین هستند که ممکن است نهاد سیاسی را به چالش بکشد، از جمله گروه‌های مذهبی مبارز که «رادیکال» تلقی می‌شوند. غالباً، دولت الگوی «رسمی» خود از اسلام را در فضای بین‌الملل به عنوان «بهترین الگو» یا پادزهر مؤثر برای افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تبلیغ می‌کند.

این مقاله گفتمان و استراتژی دینی سه نهاد اسلامی برجسته را که بر تمایز بین اسلام «معتدل» و «افراطی» را تأکید می‌کنند، بررسی می‌کند، یعنی الازهر مصر، نهضت العلماء اندونزی و الرابطة المحمدية للعلماء مراکش.

من قصد دارم با نشان دادن اینکه یک بلوک منسجم «معتدل» وجود ندارد، دوگانگی بین اسلام «معتدل» و «رادیکال» را بر هم بزنم. با وجود شباهت‌ها، ادعای معتدل بودن این سه سازمان از نظر استدلال، محتوا و توجیه الهیاتی متفاوت است. این تفاوت‌ها به شدت با انگیزه‌های سیاسی نهادها برای باقی ماندن در بحث‌های جاری در مورد دین و سیاست در کشورهای مربوطه و همچنین باقی ماندن در سطح بین‌المللی به عنوان سازمان‌های مذهبی شکل می‌گیرد.

الازهر در مصر و مفهوم وسطیه

به دنبال انقلاب ۱۹۵۲، الازهر اصلاحات مهمی را پشت سر گذاشت که به موجب آن استقلال سیاسی، مالی و سازمانی خود را به میزان قابل توجهی از دست داد. در دهه‌های بعد، غالباً از سوی دولت به عنوان مرجع مستقر برای ارائه

مشروعیت دینی به سیاست‌های دولت و مقابله با دو جنبش مخالف مردمی که ایدئولوژی دولت را تهدید می‌کردند، یعنی اسلام‌گرایی سیاسی اخوان المسلمین و سلفی‌گری الهام‌گرفته از عربستان سعودی، قرار گرفت. با وجود خودمختاری مورد مناقشه و گرایش به سیاست‌های جنجالی دولت، الازهر همچنان نقش غالب را در جامعه مصر ایفا می‌کند که در آن سیاست و دین پیوند ناگسستنی دارند.

ویژگی تعیین‌کننده الازهر و مبنای جذابیت جهانی آن، رویکرد وسطیه (اشاره به آیه ۱۴۳ بقره: أمة وسطا) است. طرفداری از وسطیه به عنوان ویژگی بارز الازهر به‌ویژه از زمان آغاز «جنگ جهانی علیه تروریسم» به رهبری آمریکا افزایش یافته و در پی قیام‌های عربی شتاب بیشتری یافته است. وسطیه الازهر ادعای اصالت دینی و سازگاری اجتماعی خود را با تخصص آن در دانش کلاسیک اسلامی، تداوم نهادی، کثرت کلامی و گشایش فکری، نشان می‌دهد.

با این حال، این نقش پس از به قدرت رسیدن ژنرال سیسی در دوره پس از ۲۰۱۵ با چالش جدی روبرو شد. به دلیل حمایت صریح رهبران الازهر از سیاست‌های مشت آهنین سیسی و جنایات دولتی، اقتدار اخلاقی آن به‌طور بی‌سابقه‌ای در داخل و خارج از مصر رو به افول است. الازهر بیش از پیش بین دولت و جامعه در تنگنا قرار گرفته است. الازهر همچنان سعی می‌کند خودمختاری خود را علیه سیسی اعلام کند، به‌ویژه از طریق مقاومت در برابر درخواست‌های اخیر وی برای تغییرات اساسی در گفتمان دینی برای مقابله با تروریسم جهادی. این اختلاف‌نظرها طی دو سال گذشته در بحث‌هایی پیرامون

موضوعاتی مانند لغو طلاق شفاهی، استانداردسازی خطبه‌های نماز جمعه، به‌روزرسانی برنامه درسی مذهبی و تنظیم تبلیغات تلویزیونی آشکارتر شد.

الرابطة المحمدية للعلماء و «اسلام مراکشی»

به دنبال یک سری تحولات در اوایل دهه ۲۰۰۰ با چندین انفجار در مراکش و دخالت شهروندان مراکشی در برخی حملات تروریستی و همچنین پیروزی‌های مکرر حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، دیدگاه رایج مبنی بر اینکه مراکش از خشونت‌های مذهبی در امان است، درهم شکست و سلطنت استراتژی مذهبی کاملاً متفاوتی را در پیش گرفت. از این‌رو پادشاه فعلی محمد ششم، بازسازی برنامه‌ریزی‌شده حوزه دینی را به‌عنوان بخشی از مجموعه وسیع‌تر اصلاحات تسریع کرد. این امر، در میان بسیاری از موارد دیگر، منجر به مدیریت بسیار بوروکراسی‌شده از اسلام در مراکش شد.

تحول رابطة المحمدية به‌عنوان یکی از نتایج این بوروکراتیزاسیون جامع رخ داد. رابطه در سال ۲۰۰۶ با فرمان ویژه سلطنتی تغییر نام داد و به‌عنوان یک نهاد مشورتی که دبیر کل آن توسط پادشاه تعیین می‌شود، دوباره تأسیس شد. در میان وظایف محول به این سازمان، مقابله با افراط‌گرایی مذهبی و تبلیغات جهادی به رسالت ویژه آن تبدیل شد.

اسلام مراکشی بر چهار عنصر اصلی استوار است: فقه مالکی، کلام اشعری، تصوف و نقش اصلی شاه به‌عنوان «امیر المؤمنین» که مظهر سه عنصر دیگر است. این عناصر اغلب در اسناد و بیانیه‌های عمومی به‌عنوان ویژگی بارز اسلام در

مراکش ظاهر می‌شود که بر اساس نظرات رسمی، آن را در برابر سایر جوامع عرب و مسلمان استثنایی می‌کند. این عناصر درواقع به مدت طولانی بخشی قابل توجه از زندگی مذهبی مراکش بوده‌اند. دولت مراکش با اشاره به این میراث، هویت ملی اسلامی واحدی را ترویج می‌کند تا انسجام ملی و اجتماعی را در عصر آشوب و وحشت حفظ کند.

نهضة العلماء و اسلام نوسانترا در اندونزی

نهضة العلماء اندونزی، یک سازمان اسلامی سنت‌گرای اهل سنت است که در سال ۱۹۲۶ تأسیس شد و برخلاف الازهر در مصر یا رابطه مراکش، نهضت یک موسسه منحصر به فرد نیست، بلکه یک فدراسیون ساختاریافته از مدارس شبانه‌روزی مذهبی مستقل است که هریک توسط یک دانشمند مسلمان کاریزماتیک رهبری می‌شود. نهضة العلماء بزرگ‌ترین سازمان مسلمانان اندونزی و همچنین بزرگ‌ترین سازمان سنی در سراسر جهان است که تعداد پیروان آن حدود ۸۰ میلیون نفر است. دارای سازمانی گسترده و پیچیده است.

نهضة العلماء در واکنش به ظهور سازمان‌های مدرنیست مسلمان، مانند محمدیه اصلاح‌طلب در داخل و وهابیت سعودی در خارج و همچنین ظهور مدرنیته سکولار در ترکیه، شکل گرفت. تصور می‌شود که رواج نگرش «پاک‌سازی» (puritanist) ناشی از افزایش سریع «اسلام فراملی» است که از خاورمیانه بر «اسلام ملی» اندونزی تفوق یافت. این تهدید، رهبران نهضت را به بازنگری و مهم‌تر از آن بازسازی سنت‌های بومی مسلمانان در این کشور واداشت.

در نتیجه، در اوت ۲۰۱۵، کنگره ملی نهضت العلماء مفهوم اسلام نوسانترا (اسلام مجمع‌الجزایر) را معرفی کرد که نشانگر یک اسلام معتدل اندونزیایی بود.

نهضت اسلام نوسانترا را جهت‌گیری معتدل دینی در برابر ظهور افراط‌گرایی اسلامی نشان می‌دهد. آنها آن را به‌عنوان یک نام تجاری متمایز از اسلام معرفی می‌کنند که آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه فقه را در زمینه‌های فرهنگی اجتماعی و تاریخی اندونزی تفسیر می‌کند. طرفداران این اسلام تأکید اندونزی بر روی بافت‌مندی و فرهنگ بومی را بازتاب پیام جهانی اسلام یعنی رحمت الهی می‌دانند. توازن، تسامح و اعتدال به‌عنوان «ارزش‌های بنیادین اسلامی» در اسلام نوسانترا در نظر گرفته می‌شود.

رهبران نهضت تجربه اندونزی در پذیرش اسلام را با سایر جوامع مسلمان خاورمیانه مقایسه می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که برخلاف خاورمیانه که گسترش اسلام عمدتاً در پی چندین فتوحات نظامی و سرکوب‌های سیاسی صورت گرفت، نخستین مسلمانان مجمع‌الجزایر با تأکید بر بعد معنوی اسلام که آنها آن را به‌عنوان عنصر اصلی خود می‌بینند، اسلام را گسترش دادند. این با فرهنگ‌های پیش از اسلام مجمع‌الجزایر سازگار بود که هدف از آنها کمال توانایی روح انسان است در حالی که جنبه‌های مادی، رسمی و اعتقادی در بهترین حالت در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

گفتمان و الهیات دیالکتیکی الازهر

متکلمان وابسته به الازهر تصریح دارند که یک عنصر مذهبی نقش مهمی در گسترش داعش ایفا می‌کند. در پرداختن به این عنصر، شیخ الازهر، احمد الطیب، در مورد «الانحراف الفکریة» صحبت می‌کند. وی این انحراف را به «میراث افراط‌گرایی و تعصب در اندیشه اسلامی» نسبت می‌دهد که با جنبش اولیه خوارج آغاز شد.

اگرچه عوامل سیاسی-اجتماعی در توضیح الازهر در مورد گسترش افراط‌گرایی بیشتر از عوامل عقیدتی است، اما استراتژی مقابله‌ای آن عمدتاً بر اصلاح عقیدتی دیالکتیکی استوار است. الازهر در این راستا سعی می‌کند تفاسیر افراطی از نظر دینی نامعتبر نشان دهد و به‌صورت دیالکتیکی تفاسیر خود را بر اساس «آموزه‌های صحیح دین و اصل وسطیه آن» درست بشمرد.

ابتکارات اخیر الازهر نحوه اجرای این استراتژی را به‌خوبی نشان می‌دهد. در ژوئن ۲۰۱۵، الازهر یک مرکز و وبسایت چندزبانه به نام «رصدخانه الازهر برای مبارزه با افراط‌گرایی» (www.azhar.eg/observer) راه‌اندازی کرد. این مرکز بر محتوای آنلاین و چاپی درباره اسلام و مسلمانان با تمرکز بر «مطالبی که جنبش‌های افراطی منتشر می‌کنند و ایده‌های تحریف‌شده‌ای که جوانان را منحرف می‌سازند» نظارت می‌کند و سپس «تفسیرهای نادرست» را شناسایی کرده و سرانجام تکذیب‌های کلامی را به همان زبانی که این ایده‌ها بیان شده‌اند، در وبسایت خود قرار می‌دهد.

مقامات الازهر ادعا می‌کنند که این ابتکار خاص در پی درخواست سیاسی برای «تجدید گفتمان دینی» به وجود آمده است. با این حال، هنوز این شبهه وجود دارد که آیا انگیزه واقعی موسسه برای این پروژه تجدید بوده است یا تمایل به حضور عمومی بیشتر. به عنوان مثال، یک روحانی الازهر، یک بار گفت که چنین پروژه‌هایی در واقع «آخرین تلاش» الازهر برای سفید کردن تصویر آلوده خود در بی‌افزایش اتهامات در مورد تقویت افراط‌گرایی و دخالت در آن است. الازهر از طریق چنین ابتکارات عمومی‌ای می‌خواهد قدرت نهادی خود را در مبارزه مصر با شبه‌نظامیان جهادی برجسته کند؛ به عبارت دیگر، شورش‌های اخیر جهادی اهرمی برای بازپس‌گیری اهمیت و اقتدار الازهر در مواجهه با انتقاداتی که از اقشار مختلف جامعه دریافت می‌کند، فراهم می‌کند.

گفتمان رابطه‌المحمدیه و الهیات غایت‌شناختی

در نشان دادن سوء تفسیرهای متنی جهادگرایان، رابطه‌المحمدیه عمدتاً از رویکرد «مقاصد شریعت» استفاده می‌کند که از مفاهیم و ایده‌های مذهب فقهی مالکی ریشه گرفته است. قرائت غایت‌شناختی رابطه اغلب برای توجیه مذهبی دستور کار اصلاحات دولتی در زمینه‌های مختلف سیاسی، به‌ویژه در زمینه آموزش، حقوق بشر و توسعه اقتصادی-اجتماعی طراحی شده است. رویکرد مقاصدی به مثابه استدلال الهیاتی فعال و پیشرو در گفتمان رابطه عمل می‌کند، درحالی‌که الازهر فاقد چنین رویکرد کلامی پیشرویی است.

وسطیه الازهر عمدتاً در دیدگاه فراگیر و پلورالیستی آن نسبت به چندین مکتب فکری اهل سنت خودنمایی می‌کند. علاوه بر این، وسطیه الازهر همچنین به حفظ وضعیت خود به‌عنوان یک بازیگر مذهبی مستقل در مقابل خواسته‌های دولت مصر برای اداره مؤثر حوزه مذهبی کمک می‌کند. در مورد رابطه‌ی محمدیه، تصویر دیگری را می‌بینیم. رابطه بر چهار عنصر اسلام مراکشی تکیه می‌کند. وسطیه در نگاه رابطه به جای پناه دادن به تمام مدارس اهل سنت، در پیروی از یک مکتب فکری خاص در هر رشته کلاسیک اسلامی ظاهر می‌شود؛ فقه مالکی که مطابق ادعای آنها «متن را با زمینه» پیوند می‌دهد، کلام اشعری که «متن را به عقل» متصل می‌کند. تصوف که «متن و معنویت» را به هم گره می‌زند و عنصر چهارم، یعنی نقش اصلی پادشاه به‌عنوان «امیرالمؤمنین» که حمایت پادشاهی از امور مذهبی را تضمین می‌کند که به‌موجب آن اسلام معتدل و متسامح در مراکش حفظ و گسترش می‌یابد.

گفتمان نهضة العلماء و الهیات جایگزین

اسلام نوسانترا تأکید دارد که مهم‌ترین عامل گسترش افراط‌گرایی مذهبی در بین مسلمانان، «شیوه‌های خاص تفسیر اسلام» است. این «شیوه‌های خاص» به‌ویژه به کشورهای خاورمیانه (به‌ویژه عربستان، قطر و ایران) اشاره می‌کند که به دنبال مشروعیت سیاسی برای برتری منطقه‌ای خود، «اختلافات فرقه‌ای» را مسلح می‌کنند. از نگاه نهضة العلماء «اصول منسوخ قوانین اسلامی کلاسیک»، برآمده از درگیری دائمی با کسانی است که اسلام را قبول نکرده یا تسلیم

نمی‌شدند؛ آنها محصول زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی منازعات برای قدرت و اقتدار در دوره شکل‌گیری اسلام در خاورمیانه هستند. این به مرور زمان باعث ایجاد جهان‌بینی‌ای شد که در آن «برتری مذهبی»، «نفرت» و «سلطه سیاسی» حاکم بود. برای درمان بحران کنونی، مسلمانان باید تشخیص دهند که شرایطی که در آن «اسلام ارتودوکس» و «تمدن معاصر» پدیدار شده‌اند، به‌طور قابل توجهی متفاوت هستند. آموزه‌های اسلامی باید با «شرایط در حال تغییر زمان و مکان» سازگار شود.

الهیات جایگزین نهضة العلماء مبتنی بر «رحمت»، «پیام اصلی اسلام»، است. آنها با استناد به آیه (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)، تأکید می‌کنند که حتی پیامبر اسلام نیز منحصرأً برای گسترش رحمت بر روی زمین مبعوث شده است. بر خلاف الازهر و رابطه، نهضت تأکید می‌کند که انحراف جهادگران ناشی از تفسیر نادرست مفاهیم اسلامی نیست، بلکه برآمده از سوء تفاهم نسبت به هدف پیام‌های الهی اسلام (رحمت) است.

یک تحلیل مقایسه‌ای

از آنچه گذشت مشخص شد که این سه سازمان حتی هویت نهادی متمایز خود را از طریق چارچوب دوگانه «معتدل/افراطی» تبلیغ می‌کنند. اگرچه تفسیر آنها از اسلام معتدل دارای عناصر مشابهی است، اما محتوا، دامنه و استدلال آنها متفاوت است.

هر سه سازمان تأیید می‌کنند که چالش افراطی معاصر نتیجه انحراف دینی است؛ اما تبیین آنها در منبع و ماهیت دقیق آن متفاوت است. الازهر تأکید بیشتری بر عوامل زمینه‌ای دارد و این عوامل را مسئول خوانش نادرست برخی مفاهیم اسلامی می‌داند، در حالی که نهضة العلماء طرز فکر مذهبی برتری‌جویانه را متهم می‌کند که در یک زمینه سیاسی-اجتماعی کاملاً متفاوت از آنچه امروزه با آن روبرو هستیم، شکل گرفته است؛ بنابراین، عوامل متنی و زمینه‌ای در توضیحات نهضت با هم آمیخته شده‌اند. از سوی دیگر، رابطه‌ی محمدیه هر دو نوع عامل را می‌پذیرد، اما سوء تفسیرهای متنی را بیشتر برجسته می‌کند.

تفاوت این سه سازمان در شناسایی دلایل اساسی گسترش افراطی‌گری، ناشی از ویژگی‌های «استثنایی» آنها است. مورد نهضة العلماء، این بدیهی است اسلام استثنایی نوسانترا که بومی اندونزی است در برابر اسلام فراملیتی مورد تأیید خاورمیانه، واکنش نشان دهد. برای رابطه‌ی محمدیه، این استثنایی بودن مراکش است که به‌موجب آن ترکیب خاص (و مسلماً بهینه) عناصر اسلامی سنی توسط اعتبار مذهبی، تاریخی و سیاسی پادشاه تضمین می‌شود. در مورد الازهر، این استثنایی بودن ملیت مصر نیست، بلکه خود نهاد الازهر است. در نگاه الازهر، تاریخ طولانی و جذابیت جهانی، آن را در میان سایر نهادهای اسلامی منحصر به فرد و به «بالاترین مقام علمی برای همه مسلمانان» تبدیل کرده است؛ بنابراین، تمایز هر نهاد و زمینه‌های ملی و فرهنگی خاص آنها، چگونگی درک و توضیح آنها نسبت به خشونت و افراطی‌گری و نحوه نگرش آنها به یک اسلام «معتدل» را مشخص می‌کند.

این واگرایی از نظر ویژگی «استثنایی» هر سازمان، تفاوت استراتژی‌های ضد دینی آنها را نیز توضیح می‌دهد. الازهر به‌عنوان قوی‌ترین نماینده دانش و روش‌شناسی «معتبر» اسلامی، الهیات دیالکتیکی را توسعه می‌دهد که در آن تفسیرهای نادرست به درستی «تصحیح» می‌شود. نهضة العلماء به‌عنوان نماینده یک اسلام جایگزین بردبار و مسالمت‌آمیز، یک الهیات جایگزین وسیع‌تر و بلندپروازانه‌تر را پیشنهاد می‌دهد که در آن با «زمینه‌یابی مجدد» آموزه‌های «مشکل‌ساز» اسلام ارتودوکس، رحمت جهانی الهی به‌عنوان پیام و عملکرد اصلی دین تعیین می‌شود. از سوی دیگر، رابطه‌ی المحمدیه چیزی بین این دو را امتحان می‌کند. به‌عنوان نماینده مکتبی خاص از اهل سنت، الهیات غایت‌شناسی آن سعی می‌کند خوانش‌های افراطی را در پرتو تفسیر مجدد مبتنی بر مقاصد شریعت خنثی کند.

به نظر می‌رسد گسترش بحث‌های عمومی ملی و جهانی در مورد ستیزه‌جویی اسلامی معاصر، فرصتی را برای هر سه سازمان فراهم کرده است تا موقعیت ممتاز خود را در برابر اقتدار سیاسی، جامعه و دیگر بازیگران مذهبی تقویت کنند. رابطه‌ی المحمدیه رهبری فکری خود را که توسط پادشاه تأیید شده است، در درون بوروکراسی دینی مراکش اعمال می‌کند. روابط نزدیک بین نهضت و دولت اندونزی نشان می‌دهد که چگونه آنها در مواجهه با چالش افراطی از یکدیگر متقابلاً سود می‌برند. در مصر، وابستگی متقابل بین الازهر و دولت است که بهترین وضعیت را توصیف می‌کند. دو طرف اگر نگوییم به یکدیگر مشکوک، اغلب مراقب و محتاط هستند. دولت مصر در مواجهه با چالش اسلام‌گرایان مبارز،

می‌ترسد که تضعیف یا نادیده گرفتن مشارکت الازهر ممکن است برای افراطیون جذابیت بیشتری ایجاد کند. از طرف دیگر، الازهر از یک سری درگیری‌ها اجتناب می‌کند زیرا همچنان از حمایت دولت برای نفوذ و اقتدار خود در جامعه و سیاست مصر سود می‌برد، اگرچه این امر در عوض به مصالحه نیاز دارد. این نهاد به‌طور هم‌زمان در برابر خواسته‌های سیاسی که تصویری از جذب کامل را نشان می‌دهد مقاومت می‌کند. با این کار، سعی می‌کند از خودمختاری دینی و فکری خود در برابر نفوذ دولت دفاع کند.

به نظر می‌رسد تأکیدهای مشابه هر سه نهاد بر «اعتدال» در جهت مشروعیت بخشیدن و نمایان شدن بیشتر آنها است. علاوه بر این، دفاع و تبلیغ از اسلام معتدل آنها را قادر می‌سازد تا همکاری و تأثیرگذاری بین‌المللی بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، چنین شهرت مثبتی در خارج از کشور اقتدار آنها را در داخل نیز تقویت می‌کند.^۱

تجزیه و تحلیل-تطبیقی-سه-سازمان-مسلمان-س/ <https://mersadcss.com/products/>

گزارش اجمالی از کنفرانس اسلامی آلمان

نگاهی به فراز و نشیب‌های کنفرانس اسلامی آلمان در پانزده سال گذشته



مقدمه

پانزده سال از تأسیس کنفرانس اسلامی آلمان می‌گذرد. کنفرانسی که برای نخستین بار در ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۰۶م، به ابتکار ولفگانگ شویبله، وزیر کشور وقت آلمان و با هدف نزدیک‌تر شدن جوامع اسلامی و دولت‌های فدرال و ایالتی تشکیل شد. این کنفرانس در پانزده سال گذشته، فراز و نشیب زیادی پشت سر گذاشته است و به نظر می‌رسد نتوانسته امیدها و انتظارات بسیاری از مسلمانان را برآورده کند. در این گزارش تلاش کرده‌ایم تا روند شکل‌گیری و نحوه عملکرد این رویداد را مورد بررسی قرار دهیم:

کنفرانس اسلام آلمان به ابتکار ولفگانگ شوبله، وزیر کشور وقت آلمان تشکیل شد. او در سخنرانی خود در آستانه نخستین کنفرانس اسلامی آلمان گفت: اسلام بخشی از آلمان و اروپاست و مسلمانان بخشی از زمان حال و آینده ما هستند.

مسئولان دولت وقت آلمان معتقد بودند که با تشکیل کنفرانس اسلامی، دولت و سازمان‌های اسلامی می‌توانند درک بهتری از شرایط یکدیگر داشته باشند. نخستین دوره کنفرانس اسلامی آلمان در سال ۲۰۰۶م بر نظم اجتماعی آلمان، نگاه قانون اساسی به مسائل مذهبی و زندگی روزمره مسلمانان متمرکز بود. در این دوره گروهی متشکل از پانزده سیاستمدار آلمانی و پانزده نماینده مسلمان درباره مسائل با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو پرداختند. هشت ماه پس از تشکیل نخستین دوره کنفرانس اسلامی آلمان، یعنی در تاریخ دوم ماه مه سال ۲۰۰۷م، دومین دوره آن نیز برگزار شد. در این دوره، مطالعاتی جدی درباره زندگی مسلمانان در آلمان انجام شد و شرکت‌کنندگان درباره موضوعاتی مانند رابطه دین و دولت، جایگاه زن در اسلام و تدریس تعلیمات اسلامی در مدارس با یکدیگر به گفت‌وگو پرداختند. همچنین در آستانه برگزاری این دوره از کنفرانس، اتحادیه‌های اسلامی آلمان “شورای هماهنگی مسلمانان” را تأسیس کردند که قرار بود همکاری با طرف آلمانی را تسهیل کند. این شورا از “شورای مرکزی مسلمانان در آلمان”، “شورای اسلامی”، “اتحادیه اسلامی-ترکی دیتیپ” و “اتحادیه انجمن‌های فرهنگی اسلامی” تشکیل شده بود. جالب است بدانید که این گروه تنها نماینده ۱۵ درصد از مسلمانانی بودند که در آن زمان در آلمان

زندگی می‌کردند. با این اوصاف، در ماه دسامبر سال ۲۰۰۸م، سومین دوره کنفرانس اسلامی نیز برگزار شد. در این دوره، وبسایت کنفرانس اسلامی آلمان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. شویله در آن زمان گفت: این صفحه اینترنتی برای ۳،۴ میلیون مسلمانان مقیم آلمان و همه کسانی تأسیس شده است که خواستار کسب اطلاعات بیشتر درباره اسلام هستند.

اعضای کنفرانس اسلامی همچنین مطالعاتی درباره جمعیت مسلمانان آلمان و همچنین کشورهای اسلامی در سراسر جهان انجام دادند که در ۲۴ آوریل سال ۲۰۰۹م منتشر شد.

آغاز اختلافات

هرچند به نظر می‌رسید که کنفرانس اسلامی آلمان در مسیر خوبی قرار گرفته است، ولی یک‌باره همه چیز به هم ریخت؛ ابتدا شورای اسلامی از نحوه عملکرد کنفرانس اسلامی آلمان انتقاد کرد و از امضای توافق‌نامه‌های آن سر باز زد؛ از این‌رو، در ۳ ماه مارس سال ۲۰۱۰م اعلام شد که نماینده این شورا اجازه ندارد در جلسات شرکت کند. کمی بعد در ۱۲ آوریل همان سال، شورای مرکزی مسلمانان آلمان نیز از حضور در کنفرانس اسلامی استعفا کرد. اعضای این شورا، تشکیل کنفرانس اسلامی آلمان را غیرکاربردی خواندند و تأکید کردند که در این کنفرانس شرکت نخواهند کرد. با وجود این، توماس دی مایزیر، وزیر کشور وقت آلمان که به عنوان متولی جدید کنفرانس اسلامی آلمان فعالیت می‌کرد، از اعضای کنفرانس خواست درباره موضوعات محوری مانند ارتقای انسجام

اجتماعی، ایجاد درس تعلیمات اسلامی در مدارس، ادغام بیشتر مسلمانان در بازار کار، آموزش زبان آلمانی به امامان جماعت، مقابله با یهودستیزی و اسلام‌گرایی اقداماتی انجام دهند؛ از این رو، در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۰م، دوره‌های زبان آلمانی به مدت سه سال برای امامان جماعت راه‌اندازی شد. همچنین وزارت آموزش و تحقیقات فدرال نیز، مراکزی برای تدریس الهیات اسلامی در دانشگاه‌های اسنابروک و توینگن تأسیس کرد و برای آن بودجه‌ای در حدود ۲۰ میلیون یورو در نظر گرفت.

در واقع کناره‌گیری انجمن‌های مذهبی از کنفرانس اسلامی باعث تعطیل شدن آن نشد، بلکه اعضای دولت وقت آلمان، کنفرانس اسلامی جوانان را نیز در ۱۹ فوریه سال ۲۰۱۱م تشکیل دادند تا به تصور خودشان، جوانان مسلمان و غیرمسلمان را به یکدیگر نزدیک‌تر کنند.

اظهارات و عملکرد ضد اسلامی هانس پیتر فردریش

۳ مارس ۲۰۱۱م، به یک‌باره همه چیز را تغییر داد؛ در آن روز، هانس پیتر فردریش، که به جای توماس دی مزیر به عنوان وزیر کشور آلمان منصوب شده بود، در نشست خبری در برلین گفت: هیچ شواهد تاریخی، مبنی بر اینکه اسلام بخشی از جامعه آلمان باشد، وجود ندارد و صرفاً یکسری از مسلمانان در این کشور زندگی می‌کنند. این اظهارات با واکنش تند گروه‌های اسلامی در آلمان روبه‌رو شد؛ آیمان مازیک، رئیس شورای مرکزی مسلمانان در آلمان که یکی از

منتقدان وزیر کشور جدید بود، در پاسخ به فردریش گفت: درباره ارجاع تاریخی اسلام و جهان اسلام در اروپا شواهد بسیاری وجود دارند.

با وجود انتقادات زیاد، هانس پیتر فردریش خواستار تشکیل جلسات کنفرانس اسلامی آلمان شد و پیوسته بر مقابله با خشونت خانگی و ازدواج اجباری در میان مسلمانان تأکید کرد. همچنین نمایندگان دولت در کنفرانس اسلامی خواستار نظارت بیشتر بر عملکرد مسلمانان در آلمان شدند. آنها مدعی بودند که هر روز بر تعداد مسلمانان افراطی افزوده می‌شود و امنیت آلمان را به خطر می‌اندازند. آنها حتی از شهروندان آلمان خواستند که در صورت مشاهده موارد مشکوک به مسئولان مربوط اطلاع دهند. این درخواست‌های عجیب، نمایندگان گروه‌های مسلمان در آلمان مانند شورای مرکزی مسلمانان و همچنین شورای اسلامی را به شدت ناراحت کرد. اعضای این سازمان‌ها اعلام کردند که مسلمانان در همه سطوح با مشکلات و تبعیض‌های زیادی مواجه‌اند. اعضای این دو گروه، با بیان اینکه دولت مشکلات مسلمانان را جدی نمی‌گیرد، از ادامه همکاری با کنفرانس اسلامی آلمان سرباز زدند. به گفته آنها، دولت فدرال از سال ۲۰۰۹م، بیشتر بر مسائل امنیتی متمرکز شده و رسیدگی به مسائل و مشکلات مسلمانان در حاشیه قرار گرفته بود. این انتقادات در حالی مطرح می‌شد که هانس پیتر فردریش، وزیر کشور، نشست‌های کنفرانس اسلام در برلین را فوق‌العاده و سازنده توصیف می‌کرد.

آشتی با کنفرانس اسلامی

هر چند به نظر نمی‌رسید که نمایندگان دولت فدرال و اعضای جوامع اسلامی دوباره بتوانند با یکدیگر همکاری کنند، روی کار آمدن دوباره توماس دی مایزیر به بهبود شرایط کمک کرد. او در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۳م به عنوان وزیر جدید دولت فدرال معرفی شد. از زمان روی کار آمدن او، رویکرد کنفرانس اسلامی آلمان نیز تا اندازه‌ای تغییر کرد. در سال ۲۰۱۴م، کنفرانس اسلامی آلمان جلساتی برگزار کرد و به موضوعاتی مانند مراقبت از سالمندان مسلمان، حمایت از پناه جویان و همچنین رفاه کودکان و نوجوانان پرداخت. بدین ترتیب، اعضای شورای اسلامی و شورای مرکزی مسلمانان نیز پذیرفتند که به جلسات کنفرانس اسلامی آلمان بازگردند. کنفرانس اسلامی آلمان در سال ۲۰۱۵م نیز تنها در حد برگزاری چند جلسه باقی ماند. در اواخر سال ۲۰۱۶م، اعضای این کنفرانس، دهمین سالگرد تأسیس آن را جشن گرفتند. توماس دی مایزیر در این جشن گفت: ده سال از برگزاری کنفرانس اسلام آلمان می‌گذرد و اکنون اعتماد بیشتری میان دولت فدرال و جوامع اسلامی به وجود آمده و آگاهی درباره اسلام و مسلمانان افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۷م نیز اعضای کنفرانس در جلسات خود به موضوعاتی مانند مراقبت‌های معنوی برای بیماران، سربازان و زندانیان مسلمان پرداختند. با این وجود هنوز هم خبری از برگزاری کنفرانس اسلامی آلمان نبود.

برگزاری کنفرانس اسلامی پس از وقفه چندساله

در مارس سال ۲۰۱۸م، هورست زی هوفر به عنوان وزیر کشور فدرال معرفی شد. او پیش‌تر اعلام کرده بود که اسلام متعلق به آلمان نیست، بلکه مسلمانان متعلق به آلمان هستند. او همچنین خواستار ظهور اسلامی آلمانی بود!

هشت ماه پس از روی کار آمدن زی هوفر و با تأخیری طولانی، بالاخره چهارمین دور کنفرانس اسلامی در برلین برگزار شد. در این کنفرانس، که با حواشی زیادی روبه‌رو بود، هورست زهوفر، خواستار هم‌پیوندی بهتر مسلمانان در جامعه آلمان شد. وی همچنین موضوع آموزش امامان در آلمان را مطرح کرد؛ از این‌رو، قرار شد رشته تحصیلی الهیات اسلامی در دانشگاه‌های آلمان بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر اینها، وی تأکید کرد که باید بر کمک‌های کلان مالی از خارج از آلمان، نظارت و کنترل بیشتری اعمال شود.

در سال ۲۰۱۹م، دولت فدرال آلمان رویکرد جدیدی برای مساجد آغاز کرد. در این باره، زی هوفر اعلام کرد به مساجدی که در سه سال آینده در پروژه ادغام اجتماعی شرکت کنند، هفت میلیون یورو اختصاص می‌دهد. براساس اعلام وزارت کشور فدرال، این بودجه در مرحله اول به پنجاه مسجدی اهدا می‌شد که تا سال ۲۰۲۲م در حوزه ادغام اجتماعی در ایالت‌های مختلف آلمان فعالیت می‌کنند. جرعه این پروژه آزمایشی زمانی زده شد که هورست زی هوفر، در جریان کنفرانس اسلامی آلمان در سال ۲۰۱۸م، خواستار ادغام بهتر مسلمانان در جامعه شده بود.

در سال ۲۰۲۰م نیز کنفرانس اسلامی که به خاطر شیوع ویروس کرونا به صورت دیجیتال برگزار شد، بر روی آموزش امامان در آلمان متمرکز گشت. در

این دوره، فضا به ویژه تحت تأثیر حملات مرگ‌بار در پاریس، نیس و ویانا قرار داشت که به گفته مقامات، به دست اسلام‌گرایان تندرو صورت گرفته بود. شرکت‌کنندگان در این دوره درباره موضوعات مختلفی مانند آموزش تعلیمات اسلامی در مدارس، آموزش امامان جماعت و استفاده از زبان آلمانی در مساجد به بحث پرداختند. همچنین در آوریل سال ۲۰۲۱م نیز اعضای کنفرانس اسلامی نتیجه تحقیقات مرتبط با مسلمانان آلمان را منتشر کردند. این تحقیقات زندگی مسلمانان را از سال ۲۰۰۸م تا ۲۰۲۰م مورد بررسی قرار داده است و اطلاعات جامعی در ارتباط با جمعیت مسلمانان آلمان، ساختار انجمن‌های اسلامی، برنامه‌های مذهبی و زندگی روزمره مسلمانان ارائه داده است.

هرچند مسئولان دولت فدرال در دوره‌های مختلف مدعی بوده‌اند که کنفرانس اسلامی آلمان تأثیر بسزایی بر بهبود شرایط مسلمانان داشته است، ولی بسیاری از منتقدان کنفرانس بر این باورند که هیچ‌کدام از جلسات آن، دستاورد ملموسی در بهبود وضعیت مسلمانان و رفع مشکلات اساسی آنها نداشته است و نگاه امنیتی مقامات دولتی، اجازه توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی را به برگزارکنندگان نمی‌دهد. به گفته آنها، رفتارهای تبعیض‌آمیز و ناعادلانه با مسلمانان هر روز در جامعه آلمان افزایش می‌یابد، بدون آنکه چاره‌ای برای آن اندیشیده شود.

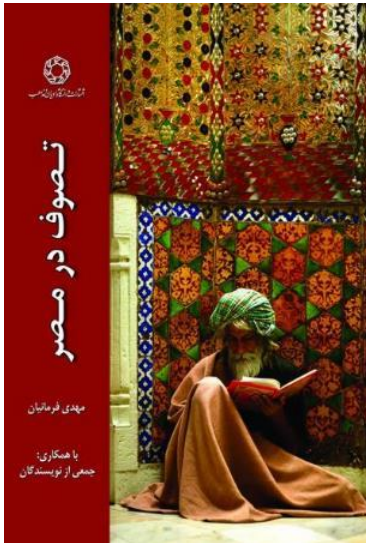
نگاهی به کتاب «تصوف در مصر»

نویسنده: مهدی فرمانیان و همکاران
محل نشر: انتشارات دانشگاه ادیان و
مذاهب

تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۰

زبان: فارسی

کتاب تصوف در مصر به
سرپرستی مهدی فرمانیان بازنویسی و
ویرایش علمی هشت رساله و
پایان نامه است که در پانصد صفحه
ارائه شده است تا خواننده بتواند با



مصر و الازهر و صوفیان آنجا بیشتر آشنا شود. این کتاب برای اولین بار توسط
انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب در سال ۱۴۰۰ به زیور طبع آراسته شده است.
کتاب تصوف در مصر به طریقت‌های صوفیه در مصر می‌پردازد که با وجود
کمبود منابع در این زمینه اطلاعات مفیدی به خواننده می‌دهد.

این پژوهش از ۹ فصل اصلی تشکیل شده که نگاهی به تاریخ تصوف در
مصر، طریقت‌های صوفی مصر، آداب و رسوم طریقت‌های صوفیه در مصر، میزان
حضور اجتماعی تصوف در جامعه مصر، رابطه تصوف و الازهر در مصر، تصوف
و اخوان المسلمین مصر، رابطه تصوف و سلفیه در مصر، رابطه حکومت، نظام

سلطه و تصوف در مصر، رابطه میان تصوف و تشیع در مصر از جمله عناوین فصول این کتاب است.

در فصل اول به مباحثی با عناوین تصوف مصر و وابستگی حکومت، تصوف در دوران اخیر، انتقادات مخالفان تصوف و اصلاح طرق صوفیه در دوره محمد توفیق بکری، جمال عبدالناصر و طرائق صوفیه، تصوف در دوران انور سادات و مبارک، اختلاف شورای صوفیه و دخالت حسنی مبارک در تعیین شیخ المشایخ و صوفیان بعد از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی می‌پردازد.

طریقت رفاعیه، رفاعیه پس از سید احمد رفاعی، انشعابات رفاعیه، بزرگان رفاعیه، برخی از عقاید و افکار رفاعیه مصر، طریقت قادریه، تاریخ ورود طریقت قادریه به مصر، شاخه‌های قادریه، گسترش قادریه در دیگر بلاد، بزرگان قادریه، طریقت خلوتیه، تحولات طریقت خلوتیه، انشعابات خلوتیه، بزرگان خلوتیه و دیدگاه طریقت خلوتیه درباره وحدت وجود از جمله مباحث مطرح شده در فصل دوم این کتاب است.

در فصل سوم مباحثی مانند جایگاه خلوت‌گزینی در طریقت، وجه تسمیه این طریقت به خلوتیه، آداب خلوت از دیدگاه خلوتیان، اذکار و اوراد در طریقت، پیر و مرشد در طریقت، آداب مرید در قبال اخوان، جایگاه بیعت و خرقة در طریقت، جایگاه محبت و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در طریقت مطرح می‌شود.

فصل چهارم مباحثی با عناوین بزرگداشت میلاد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، کاروان پوشش کعبه و شب رویت ماه رمضان، اماکن مخصوص صوفیان و خانقاه، تکیه، زاویه و رباط را در برمی گیرد.

الازهر در یک نگاه، رویکرد طریقت‌های صوفیه مصر نسبت به الازهر، نقش برخی نهادهای مهم در ارتباط تصوف با الازهر، رویکرد اصلاحی نسبت به تصوف، اخبار از غیب، توسل و شفاعت از جمله عناوین مباحث فصل پنجم است. نویسندگان این اثر در فصل ششم به مباحثی با عناوین تأثیر رویکرد سلفی اخوان در رابطه میان اخوان تصوف، تحول اخوان از تصوف به سلفیه، گسترش سلفیه در مصر و کاهش نقش تصوف، اصلاح تصوف، توجه به طرق صوفیه، جذب حداکثری و تعامل اخوان و تصوف، دور شدن اخوان از تصوف، عقب‌نشینی از افراط و بررسی نقاط تلاقی اخوان و تصوف در بزرگان این دو جریان را می‌توان از مباحث فصل ششم این اثر برشمرد.

در فصل هفتم به مباحثی مانند جریان شناسی سلفی گری در مصر، دیدگاه‌ها و اقدامات سلفی گری نسبت به تصوف، دیدگاه و رفتار صوفیان در مقابل جریان‌ات سلفی پرداخته شده است.

تصوف به مثابه اسلام سنتی، جلوه‌های اجتماعی تصوف مصر، عناصر مؤثر در هویت فکری سیاسی تصوف مصر و نظام سلطه در مصر و تصوف از جمله مباحث فصل هشتم است و محبت اهل بیت علیهم السلام، سادات بودن مشایخ تصوف مصر، محبت اهل بیت علیهم السلام و اتهام تشیع به تصوف مصر و طریقت عزمیه و تشیع در فصل نهم مطرح شده است.

از جمله مباحثی که باید به آن توجه داشت این است که مصر از همان قرون اولیه، درهای خود را بر روی تصوف و مشایخ آن گشود و هنوز هم اکثر مردم آنجا با اینکه شناخت صحیحی از تصوف ندارند، اما رفتار و کردارشان به شدت صوفیانه است.

یکی از مهم‌ترین ساختارهای اجتماعی مصر توجه به آداب و رسوم تصوف است. تاریخ مصر تا عصر حاضر شاهد دین‌محوری جامعه مصری با رویکرد صوفیانه است.

هر تلاشی برای تفسیر حیات فکری مصریان بدون فهم و واضح از تأثیر تصوف در عمق روح آنها تلاشی باطل و بدون نتیجه خواهد بود.

حرکت رو به رشد تصوف در این سرزمین در طول قرون متمادی به‌عنوان یکی از مظاهر دینی ناشی از نقش عمده دین در شکل دادن به اجتماع مصر است تا آنجا که حتی احترام و تبرک به قبول اولیا الهی، جشن میلاد حضرت رسول خدا صلی الله، جشن میلاد امام حسین علیه‌السلام، توجه به رأس الحسین، سیده زینب و سیده نفیسه از ویژگی‌های بارز مصری‌ها است و این کشور یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که تصوف در آن بالیدن گرفت.

فهم تصوف مصر بدون شناخت ویژگی‌های فرهنگی مردم مصر امکان‌پذیر نیست. مردم مصر مردمی اهل مدارا و تساهل و تسامح با فرهنگی چند هزار ساله هستند که به خاطر همین ویژگی بارز آنها بیشترین ارتباط را در طول تاریخ با تصوف برقرار کرده‌اند.

بزرگان تصوف به ویژگی‌های خاص تصوف مصر که آن را از دیگر آن تصوف متمایز می‌سازد توجه کرده‌اند و بیان داشته‌اند که تصوف مصر متمایز از دیگر اشکال تصوف اسلامی است. تصوف مصری به دور از افراطی‌گری، غلو و شطح است؛ تا آنجا که در میان مشایخ صوفیه نمونه‌های افراطی همچون حلاج، بایزید بسطامی، ابن عربی و سهروردی و نظایر آنها یافت نمی‌شود.

کتاب تصوف در مصر از سوی مهدی فرمانیان با همکاری جمعی از نویسندگان تألیف و به همت انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب با شمارگان ۵۰۰ نسخه بهار سال ۱۴۰۰ منتشر شده است.^۱

۱ <https://adyannews.com/۹۳۲۶۸/تصوف-در-مصر>